**شناسنامه کتاب طلوع رحمت3**

ویژه ربیع الاول و ربیع الثانی 95

**نام کتاب: طلوع رحمت3 ـ ویژه ماه ربیع الاول و ربیع الثانی 95**

موضوع: گزیدة اشعار، سرود و نوحه های ماه ربیع الاول و ربیع الثانی

ناظر کیفی: کانون مداحان یاس کبود

گردآورنده: کارگروه کتب فوق برنامه کانون مداحان یاس کبود

ناشر: کانون مداحان یاس کبود

طراح جلد: سید محمد رضا میرباقری

 صفحه آرا: مجید اکبر زاده

تیراژ: 500جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول ـ 95

قیمت: 15000تومان

مرکز پخش: تهران ـ بزرگراه بسیج ـ خ شهید رحیمی ـ سازمان بسیج مداحان ـ مدیریت آموزش

تلفن : 35947738 ـ 021

روابط عمومی : 09195600459

نمابر : 33239719 ـ 021

سامانه پیام کوتاه : 660000026

صندوق پستی : 1781813113

نشانی الکترونیکی yasekabood.org@gmail.com

نشانی سایت: www.[yas135.com](http://www.yas135.com) www.[yas135.ir](http://www.yas135.com)

**پیشگفتار**

مانده‏اند عالمیان و آدمیان که کدامین لحظه را، لحظه ولادت تو بشمارند؟ کدامین روز را، روز تولد تو نام بگذارند؟ تو کى در وجود آمدى که ورودت را و زمان آمدنت را جشن بگیرند؟ خورشید و ماه و ستارگان تا بدانجا که حافظه‏شان یارى مى‏کند به تو سلام مى‏گفته‏اند. پیغمبران و رسولان همه در کلاس تو درس رسالت مى‏خوانده‏اند. سرو و صنوبران مدام راستاى قامت تو را تداعى مى‏کرده‏اند. بلبلان و قناریان هر چه یاد دارند، همیشه مدح تو مى‏گفته‏اند. گل‎هاى محمدى همه با نام تو پر مى‏گشوده‏اند. قطرات باران، اندیشه حیات را وام از تو مى‏گرفته‏اند. هستى به افتخار تو آمد. تو براى عالم نیامدى، عالم براى تو آمد. مگر نه خداوند، تو را پیش از همه، از نور خویش آفرید و جهان از کرشمه چشم تو موجود شد؟

مگر تو برترین شناساى پروردگار خویش نبودى؟ چه کسى مى‏توانست بیاید که او را بهتر از تو دریابد؟ مگر بناى آفرینش بر عبادت نبود؟ مگر تو عابدترین بنده خدا نبودى؟ مگر با خلق تو آن غایت به تحقق نمى‏نشست؟ مگر با آغاز تو، کار آفرینش پایان نمى‏گرفت؟ آرى، تو همه بودى و با آمدن تو انگیزه‏اى براى خلقت دیگران نبود .آرى، ولى، تو «رحمة للعالمین» بودى.و در «رحمة للعالمین» بودن تو همین بس که عالم و آدم از نور تو آفریده شد و وام حیات از تو گرفت با آن که تو خلق کامل و کاملترین خلق بودى. بارى سخن گفتن از تو و ولادت تو نه سخت و دشوار، بل خطرناک و محال است.(دل نوشته ای از استاد سید مهدی شجاعی به بهانه میلاد پیامبر رحمه للعالمین)

این کتاب شامل شش بخش کلی می باشد:

* **اصول فنی**
* **در محضر اساتید**
* **برگی از تاریخ** که شامل سه فصل می باشد:
1. غریب سامرا
2. رحمه للعالمین و امام آسمان ها
3. شفیعه محشر
* **اشعار منتخب** که دارای شش فصل می باشد:
1. مناجات با امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)
2. شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام)
3. ایام تاجگذاری امام زمان(عجل الله فرجه)
4. ولادت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و امام صادق(علیه السلام)
5. ولادت امام عسکری(علیه السلام)
6. وفات حضرت معصومه(علیها السلام)
* **گلچین مجالس مداحان** که شامل شش فصل می باشد :
1. شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام)
2. ولادت پیامبراکرم(صلی الله علیه و آله) و امام صادق(علیه السلام)
3. ولادت امام عسکری(علیه السلام)
4. وفات حضرت معصومه(علیها السلام)
5. شورحسینی
6. شور علوی
* **سبکهای تولیدی**

لازم به ذکر است :

* بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .
* بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .
* همچنین قسمت گلچین مجالس، از روضه و سبکهای سینه زنی که توسط مداحان اهل بیت(علیهم السلام)در ایام ربیع سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.
* متن جزوه به ترتیب مناسبت های ماه ربیع می باشد.
* بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در مجمع ادبی مذهبی یاس کبود می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه ربیع در اختیار عزیزان قرار گیرد.
* بخش سبکهای تولیدی، از سبکهای تولیدی اعضای کانون مداحان یاس کبود تهیه گردیده است.

**نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:**

1. هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:
* دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبت های ایام ربیع
* در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده.
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد.
1. اشعارمتوسط و قوی به صورت توأمان دراین مجموعه ملاحظه خواهدشد.
2. صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.
3. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون مداحان یاس کبود**

**منویات ولایت**

**از فرصت استفاده کنید**

آنچه را مردم احتیاج دارند و آنچه را این جوانها احتیاج دارند برای پاک بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی، برای مسلمان شدن به‌معنای واقعی کلمه، برای عاقبت به خیری، به اینها یاد بدهید؛ این در اختیار شما است. کِی ما در طول تاریخ این‌همه مجلس داشتیم که در آنها این‌همه جوان جمع بشوند و دلهایشان را در اختیار شما بگذارند. در زمان ما و در دوره‌ی جوانی ما در مشهد اگر همه‌ی مدّاحها را می شمردند، از پنج شش نفر بیشتر نمی شدند، در تهران هم یک‌خرده بیشتر از این. این‌همه مجلس، این‌همه گوینده، این‌همه خواننده، این‌همه هنر، این‌همه صدای خوش، شعرا هم به‌کار می‌افتند و آنها هم شعر می گویند؛ از این فرصت استفاده کنید؛[[1]](#footnote-1)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**وصیت نامه شهدا**

**وصيت نامه شهيد مرتضي بهراميان**

از برادران و خواهران مي خواهم كه اين نهضت را حفظ كنيد و در راه صدور آن از هيچ كوششي دريغ نكنيد و مگذاريد بار ديگر دست جنايتكاران شرق و غرب در شما مسلط گردد و خونهاي هزاران شهيد از دست برود. در نمازهاي جماعت و جمعه با جديت شركت كنيد. با وحدت و اطاعت از مقام رهبري و پيروي از دستورات اسلام و پاسداري جدي از انقلاب اسلامي و دستاوردهاي آن توطئه هاي استكبار را خنثي و نقش بر آب كنيد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش اول؛ اصول فنی**

**چهارچوب كلي مجالس شادی**

در محافل شادي کلیت برنامه داراي چارچوبي است كه معمولا به شرح زیر برگزار می گردد ؛ لازم به ذکر است ، این چهارچوب روش کلی جاری است که ممکن است استثنائاتی داشته باشد و به اصطلاح ما وحی منزل نیست.

1. بسم الله و جملات عربي شروع مجلس؛
2. توسل و عرض ادب به امام زمان(عج)؛
3. شعر مناسبت؛
4. شرح عيد؛
5. سرود و شور؛
6. دعا ومناجات پايان مجلس؛
7. **بسم الله و جملات عربي شروع مجلس**

طبیعتا مجلس بایستی با نام و یاد خدا آغاز شود تا ثمربخش باشد ، پس از بسم الله گاهی جملات عربی ارئه می شود که می تواند عرض ادب به ساحت مقدس آل الله باشد و یا عبارات مناجاتی و...

**نمونه : بسم الله الرحمن الرحيم أللهُمَّ صَلِّ عَلي فاطِمَةَ وَ أَبيها و بَعْلِها و بَنيها وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فيها بِعَدَدِ ما أحاطَ بِهِ عِلْمُک.**

1. **توسل و عرض ادب به امام زمان(عج)**

با توجه به اینکه هر تفضلی که قرار است به ما برسد از مسیر حضرت مهدی(عج) است و امام زمان و قطب دایره امکان ـ که معرفت و انتظار ظهورشان رأس امور ماست ـ آن حضرت می باشند، بهتر است حسن ابتدا و حسن ختام مجالس ما با توسل و عرض ادب به ایشان صورت بگیرد.

نکته قابل ذکر اینکه در محافل شادي توسل شعري به امام زمان(عج) مرسوم نيست و عرض ادب در حد عبارات مذكور در نمونه هاي ذيل ، كفايت مي كند.

نمونه1 : اللهم كن لوليك ...

نمونه2 : **يا رَبَّ الْحُسَيْن بِحَقِّ الْحُسَيْن إشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْن بِظُهورِالْحُجَُّه**

نمونه3: **ياأَيُّهَاالْعَزيزُمَسَّناوَأَهْلَنَاالضُّرُّوَجِئْنابِبِضاعَةٍمُزْجاةٍفَأَوْفِلَنَاالْكَيْلَوَتَصَدَّقْعَلَيْناإِنَّاللَّهَيَجْزِيالْمُتَصَدِّقين**[[2]](#footnote-2)

1. **شعر مناسبت**

پس از توسل و عرض ادب به امام زمان(عج) ، شعر مرتبط با مناسبت شادي ارائه مي گردد ؛ که در محافل شادی بسیار حائذ اهمیت است و محوریت کار معرفتی مجلس را به دوش می کشد. با توجه به مناسبت از چهار نوع شعر مي توانيد در اين قسمت استفاده نمایید:

**الف) اشعار توصيفي**

در این اشعار شاعر صرفاً به شرح عيد و حال و هوای آن و اتفاقاتی که در آن شب رخ می دهد مي پردازد و حالت زمین و زمان و موجودات را در بیانی شاعرانه به تصویر می کشد؛

**ب) اشعار توصیفی ـ مدحی**

در این اشعار شاعر علاوه بر شرح عيد و حال و هوای آن و اتفاقاتی که در آن شب رخ می دهد ، به مدح و ستایش معصوم مربوط به عید می پردازد.

**ج) اشعاري توصیفی ـ مدحي ـ گریزی:**

در این اشعار شاعر علاوه بر شرح عيد و مدح و ستایش معصوم مربوط به عید ، اشاره مختصري به مرثيه می نماید.

**د) اشعاري مدحي ـ گریزی:**

در این اشعار شاعر علاوه اشاره خاصی به عید ندارد بلکه شعر را با مدح و ستایش معصوم مربوطه آغاز می نماید ، و در نهایت اشاره مختصري به مرثيه می نماید.

1. **شرح عيد**

در بين شعر و يا انتهاي آن ، بايستي اشاره اي به جريان ولادت و يا عيد صورت بگيرد تا تأثيرگذاري و بهره برداري از مناسبت به وجه احسن انجام شود.

1. **سرود**

شورانگيزترين قسمت محافل شادي بخش سرود و ارجوزه است ، اشعار ريتم دار كه با ضرب خوانده مي شود اگر مفهوم حماسي داشته باشد ارجوزه از ماده رجز نام دارد و الا اشعار ريتم دار با ضرب و مفهوم توصیفی، مدحي، حدیث نفس و شادي، سرود مي باشد.

توجّه به چند نکته دراين قسمت لازم به نظر مي رسد:

* + استفاده از سبکهايي که از روي الگوهاي مجاز ساخته شده است؛ در این بخش باید دقت نماییم که از روی الگوهای غیر مجاز سبک ساخته نشود که شرعا حرام است، الگوهای غیر مجاز دو حالت دارد : 1. اگر ریتم سبکی مُطرِب و مناسب مجالس لهو و لعب باشد ، غیر مجاز محسوب می شود. 2. اگر ریتم سبکی مشکل نداشت اما محتوای آن راجع به عشقهای مجازی و دارای عباراتی تحریک آمیز بود ، غیر مجاز محسوب می شود.
	+ پرهيز از غلو و محتويّات دور از شأن معصومين(ع)؛ یکی از مسائلی که باید در سرودها بدان توجه داشت ، توجه به صحت در بعد اعتقادی محتوای اشعار سرود است ، خواندن اشعاری که در آن به اهل بیت(ع) نسبت الوهیت داده می شود ، اهل بیت(ع) به خدا تشبیه می شوند ، برای خدا حد و مرز قائل می شود و ... شرعا اشکال دارد و باید به شدت از اینگونه اشعار پرهیز کرد.
	+ استفاده از سبکهاي جديد و حرکت به سمت سبک سازي ؛ نوآوری و نوگرایی با رعایت اصول و شئون از محمورهای این بخش است ، تا با استفاده از ابزارهای مباح بتوانیم هرچه بیشتر قشر جوان را به این محافل جذب نماییم و در ادامه با کسب معرفت و تبلیغ معارف آل الله علیهم صلوات الله ، هرچه بیشتر در زمینه سازی ظهور حضرت مهدی(عج) بکوشیم.

برای رسیدن به سبک سازی مقدماتی لازم است که اجمالا بدان می پردازیم و تفصیل آن را به مباحث تخصص آن احاله می نماییم. 1. غنی کردن ذهن از سبکهای مداحی و دستگاههای آواز. 2. شعر گذاری روی بعضی از سبکها. 3. ساختن سبکهای تلفیقی از تلفیق بخشهای چند سرود ، که در یک دستگاه هستند و شعر گذاری روی آن. 4. ثبت نواهایی که بعضی مواقع به ذهن می رسد و پردازش آن و ایجاد ترکیب جدید سبکی بر مبنای دستگاههای آواز و شعر گذاری روی آن.

1. **مناجات و دعای پايان مجلس**

در پايان محافل شادي معمولا اشعاري مدحي ، عاشقانه و حدیث نفس ارائه مي شود و اگر مستمع هنگام حديث نفس ، حال خوبي پيدا كرد يك توسل مختصر هم صورت مي گيرد.

**نکات قابل ذکر**

* در این بخش عرض ادب به امام زمان(عج) محور است که بهتر است با اشعاری زمزمه ای و ریتم دار ارائه شود ، چراکه خود به خود مستمع را به زمزمه وا می دارد و شور و حالی مناسب دعای پایان مجلس ایجاد می نماید.
* در توسل آخر مجلس بهتر است به مناسبت اشاره ای مختصر با محوریت امام زمان(عج) صورت بگیرد .
* روضه مورد اشاره در این بخش بهتر است با محتوای روضه های احساسی باشد نه سخت و سنگین.
* ریتم و سبک خواندن باید حالت مناجاتی و فرودی داشته باشد و حالت باز کردن گره مرثیه ـ که در محافل بزمی صورت می گیرد ـ و ریتم و سبک صعودی مناسب به نظر نمی رسد.

**دعا**

بهتر است ابتدا و انتهاي دعا با صلوات باشد، چرا كه صلوات دعايي مستجاب شده است و هرگاه يك دعا بين دو دعاي مستجاب شده قرار بگيرد رد نمي­شود.

پس از آن دعا براي سلامتي و تعجيل در فرج آقا امام زمان بهتر است در رأس همه دعاها باشد.

همچنين بهتر است براي حوائج اخروي نسبت به حوائج دنيوي بيشتر دعا شود.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش دوم؛ در محضر اساتید**

**سه ویژگی حرکت خاتم الانبیاء از نظر شاعر فرانسوی**

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ ». یکی از مسائل مهمی که در دعوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) وجود داشت و در بین مورخان زیادی مطرح میشود، سرعت گسترش دین اسلام است. وقتی سرعت انتشار دین اسلام با سایر ادیان را مقایسه می کنیم، می بینیم که به چه سرعتی در بین قلوب مومنان نشست و اثر کرده است.

شاعر معروف فرانسوی به نام «لامارتین» میگوید: اگر سه مسئله را در نظر بگیرید، کسی نمی تواند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برسد.

1. نخستین مورد فقدان وسایل مادی است. پیامبر اسلام چیزی نداشت، اینگونه نبود که ابزار مادی و دنیایی زیادی داشته باشد و مردم بگویند که به وسیله آنها دین را گسترش داد، حتی قبیله و طایفه خود پیامبر نیز در برابر دعوت ایشان ایستادگی کردند.معمولا خویشاوندان از انسان حمایت می کنند اما قبیله قریش اگر یکی از دشمنان دعوت پیامبر نبود، حداقل با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هم خوب نبود.

2.  دومین مسئله ای که لامارتین عنوان میکند، بزرگی هدف است.

3. سومین آن، سرعت و عامل زمان است. یعنی دین اسلام با سرعت زمان جای خود را در بین مردم پیدا کرد.

**صبر و بردباری؛ نخستین عامل موفقیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)**

چه عاملی باعث شد تا پیامبر در دلها و قلوب نفوذ کند؟ آن هم مردم زمان جاهلیت که فرزند خود را زنده دفن می کردند. علی بن ابراهیم حلبی در کتاب «سیره حلبی» عنوان میکند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تدبیری به خرج داد که آنهارا در خدمت خود گرفت و باعث شد که آنها عاشق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) شوند و به خاطر پیامبر در برابر خویشاوندان خود بایستند.

مرحوم قطب راوندی در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) دفن است. کتابی به نام«خرائج و جرائح» نوشته است و در آن آورده است «صبری به مانند صبر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برای کسی میسر نشده و شنیده نشده است که کسی به اندازه ایشان بردباری به خرج داده باشد. »

کسانی که زود نا امید می شوند و زود رنج هستند، آینده روشنی ندارند اما انسانی که در زندگی دنیا صبر و پشتکار داشته باشد همانند رسول مهربانیها به هدف خود میرسد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در روایتی می فرمایند: «من برای تبلیغ صبر و بردباری و در جایگاه شکیبایی مبعوث شده ام».

در حدیث دیگری در ارتباط با شرح حال پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می خوانیم: « بعد از اینکه خدا به من نهی کرد که مشرک نباشم و شرب خمر نداشته باشم، مرا به خودداری از درگیری و مجادله با مردم توصیه کرد».

**احترام به مردم؛ دومین عامل موفقیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)**

عامل دومی که باعث تسریع دعوت پیامبر بود، احترام گذاشتن به مردم بود. ایشان به شخصیت مردم احترام میگذاشتند و آنها را تحویل میگرفتند. انسانها از همه بیشتر به خودشان علاقه دارند و این امری غریزی است. اما اگر کسی به شما محبت ورزید طبیعتا مورد توجه شما هم قرار میگیرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) دقیقا روی همین نقطه دست گذاشتند. ایشان به مردمی که طبق مستندات تاریخی از حیوان هم پست تر بودند، احترام می گذاشتند اما امروزه متاسفانه شاهد بیاحترامی برخی افراد به والدین شان هستیم.

وقتی شخصی به خانه پیامبر میآمد، ایشان عبای خود را زیر مهمان پهن می کردند و نهایت حرمت و احترام را به نمایش میگذاشتند. وقتی شخصی وارد مسجد میشد، پیامبر مهربانی ها قیام می کردند و به نشانه احترام یک قدم به عقب میرفتند.

یکی از کارهایی که حضرت انجام میداد این بود که وقتی در مجلسی مینشستند، به همه افراد حاضر در جلسه به طور مساوی نگاه میکردند. اگر کسی به پیامبر دست میداد، حضرت صبر میکرد تا اول طرف مقابل دست خود را بکشد و هیچگاه رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) دست خود را زودتر نمی کشیدند.

**ماجرای جنگ حنین**

گاهی حضرت رفتاری را انجام میدادند که هضم آن برای بعضیها دشوار بود. درجنگ حنین، حضرت غنائم به دست آورده را بین انصار تقسیم کردند و چیزی به مهاجرین ندادند. وقتی خبر ناراحتی مهاجرین به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید، حضرت دستور دادند که جلسه ای بگذاریم. ایشان با علی (علیه السلام) وارد جلسه شدند و رو به انصار فرمودند «من چند سوال دارم و میخواهم که شما جواب بدهید. آیا شما گمراه نبودید و به وسیله من هدایت نشدید؟ آیا شما در پرتگاه سقوط نبودید و خداوند به وسیله من شما را نجات نداد؟ آیا شما با هم دشمن نبودید و من شما را آشتی ندادم؟ » همه حاضران سوالات پیامبر را تأیید کردند؛ سپس حضرت فرمودند «شما هم میتوانید به من بگویید که تو را از مکه بیرون انداختند و ما در مدینه به تو پناه دادیم. کسی حرف تو را گوش نمیکرد اما ما حرفت را گوش کردیم». سپس مردم گریه کردند و گفتند: «آن غنائم که به کنار، اینها نیز اموال خودمان است، آنها را هم ببر و تقسیم کن» این گونه از کرده خود پشیمان شدند و از پیامبر درخواست دعا برای آمرزش کردند.

کسانی بودند که از بیرون می آمدند و جایی نداشتند، مردم و پیامبر به آنها کمک میکردند. روزی حضرت چیزی را به بعضی از آنها داد و به برخی دیگر نداد. پیامبر به آنها فرمودند «ببخشید! این تغذیه ای که برای من آورده بودند کم بود و مجبور شدم بین کسانی که گرسنه تر هستند قسمت کنم و به شما نرسید».

**کرامت اسلام**

حضرت علی (علیه السلام)، اولین شاگرد حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) از مسیری به سمت کوفه حرکت می کردند و اهل کتاب و غیرمسلمانی هم همراه ایشان بود. آن فرد حضرت علی (علیه السلام) را نمی شناخت.پرسید: به کجا می روی؟ علی (علیه السلام) جواب دادند: به کوفه می روم. هنگامی که به دو راهی رسیدند آن فرد دید که امیرالمومنین (علیه السلام) به سمت کوفه نرفت و همراه وی حرکت می کند. تعجب کرد و پرسید:مگر نگفتی که به کوفه می روی؟ علی (علیه السلام) فرمودند: گفتم به کوفه می روم اما پیامبر دین ما به ما آموزش داده اند که دوست خود را چند قدمی همراهی و بدرقه کنیم. آن فرد متعجب شد، مسیر خود را عوض کرد و با حضرت علی (علیه السلام) به کوفه آمد و پس از تحقیق و مباحثه به دین اسلام مشرف شد.[[3]](#footnote-3)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش سوم؛ برگی از تاریخ**

**فصل اول؛ غریب سامرا**

**امام حسن عسکری(علیه السلام)**

**دستگیری از شیعیان**

ابو هاشم‏ جعفرى‏ می گوید: يك‏ روز من‏ در خدمت‏ ‏ امام‏ حسن‏ عسكرى(علیه السلام)‏ از شهر خارج‏ شديم‏، آن‏ جناب‏ جلو ميرفت‏ و من‏ نيز از پى‏ ايشان،‏ در بين‏ راه‏ بفكر قرضى‏ افتادم‏ كه‏ موقع‏ پرداخت‏ آن‏ رسيده‏ بود و در اين‏ انديشه‏ بودم‏ كه‏ از چه‏ راهى‏ آن‏ را پرداخت‏ كنم‏.

امام (علیه السلام)‏ رو به من نمود و فرمود: خداوند پرداخت مى‏كند؛ در اين موقع همان طور كه سوار بود خم شد و با شلاق خود خطى روى زمين كشيد و فرمود: ابو هاشم پائين بيا و اين را بردار ولى این مطلب را برای کسی بازگو نكن؛ من پائين آمدم و چشمم به شمشى از طلا افتاد، آن را پنهان کردم و براه افتاديم.

با خود فكر كردم كه اگر اين طلا معادل تمام قرضم بود كه بهتر والّا طلبكار را به همين مقدار راضى ميكنم ولى بايد در مورد مخارج زمستان از خوراك و پوشاك و ساير احتياجات فکری کنم.

امام (علیه السلام)‏ براى مرتبه دوم نگاهى بمن کرد و باز با شلاق خطى روى زمين كشيد و فرمود: برو پائين بردار و پنهان كن. اين مرتبه شمشى از نقره بود آن را نیز پنهان كردم؛ مختصرى راه رفتيم امام(علیه السلام)‏ به منزل خود برگشت و من نيز به منزل خود رفتم و قرض خود را حساب كردم، بعد شمش طلا را وزن نمودم و دیدم معادل همان قرض بود بدون كم و زياد بعد حساب مخارج زمستان را از هر جهت نمودم معلوم شد كه چه مبلغ است كه بدون زياده روى و نه سخت‏گيرى ميتوانم زمستان را بسر برم بعد شمش نقره را وزن كردم مطابق با همان مبلغى كه من پيش بينى كرده بودم درآمد بدون كم و زياد.[[4]](#footnote-4)

**نور واحد**

شخصی از امام حسن عسكرى(علیه السلام)‏ پرسيد: چرا زن كه ضعيف است يك سهم و مرد كه قوى است، دو سهم ارث مى‏برد؟! حضرت فرمود: چون بر زن، نه جهاد واجب است و نه نفقه و نه خرجى خانواده و نه ديه كسى را مى‏پردازد، ولى مرد همه اينها را دارد.

با خود گفتم: به من گفته بودند كه ابن ابى العوجاء همين مسأله را از امام صادق(علیه السلام)‏ پرسيد و آن حضرت نيز همين پاسخ را فرموده بود. در اين هنگام امام عسكرى(علیه السلام)‏ رو به من كرد و فرمود: بلى همين مسأله ابن ابى العوجاء بود و پاسخ يكى است؛ آنچه براى آخر ما گذشته، بر اوّل ما نيز گذشته است و اوّل و آخر ما در علم، مساوى هستيم و (اما) رسول خدا(صلّى اللَّه عليه و آله)و امير مؤمنان(علیه السلام)‏ فضل خودشان را دارند.[[5]](#footnote-5)

**احترام قبور ائمه**

يكى از معجزات آن جناب اينست كه قبور بنى عباس در سامرا هميشه پر از فضله كبوتر و خفاش بود با اينكه هر روز آنها را تميز ميكردند باز فردا پر از فضله ميشد؛ ولی بر فراز قبه امام حسن عسكرى و امام على النقىو قبه آباء گرام آنها (علیهم السلام)‏ فضله كبوتر و پرنده‏اى ديده نميشد چه رسد بر روى قبر آنها! اين مطلب الهامى بود كه خداوند از جهت احترام و اجلال بايشان مينمود.[[6]](#footnote-6)

**تأثیر زهر بر بدن امام حسن عسگری(علیه السلام)**

مرحوم شیخ طوسی و برخی دیگر از بزرگان، به نقل از اسماعیل بن علی ـ ابوسهل نوبختی ـ حکایت می کنند: در یکی از روزهای بیماری امام حسن عسگری(علیه السلام) به ملاقات حضرت رفتم؛ پس از آن که لحظه ای با حالت غم و اندوه در کنار بستر آن حضرت نشستم و به جمال مبارک ایشان نگاه می کردم، ناگاه حضرت خادم خود ـ عقید ـ را صدا کرد و به او فرمود: «ای عقید! مقداری آب - به همراه داروی مصطکی - بجوشان و بگذار سرد شود.» وی ظرف آب را خدمت امام (علیه السلام)آورد تا بیاشامد؛ موقعی که حضرت ظرف آب را با دست های مبارک خود گرفت، لرزه و رعشه بر دست هایش عارض شد، به طوری که ظرف آب بر دندان های حضرت می خورد و نمی توانست بیاشامد. آب را روی زمین نهاد و به خادم خویش فرمود: «داخل آن اتاق برو، کودکی خردسال را می بینی که در حال سجده و عبادت می باشد، به او بگو نزد من بیاید.»

خادمِ حضرت گفت: هنگامی که داخل اتاق رفتم، کودکی را در حال سجده مشاهده کردم که انگشت سبّابه خود را به سوی آسمان بلند نموده است، بر او سلام کردم پس آن حضرت نماز و سجده را مختصر کرد؛ عرض کردم: آقای من می‏فرماید شما نزد او بروید؛ در همین لحظه کنیزی به نام صقیل نزد ایشان آمده، دستش را گرفت و پیش پدر برد. ابوسهل نوبختی می گوید: آن کودک که بسیار زیبا و همچون ماه نورانی، موی سرش به هم پیچیده و مجعد و ما بین دندانهایش گشاده بود، نزد پدر آمد، سلام کرد؛ همین که چشم حضرت به فرزندش افتاد، گریست و به او فرمود: «ای سید اهل‏بیت من، مرا آب بده، همانا من به سوی پروردگار خویش می‏روم.» آن کودک قدح آب جوشانیده را به دست خویش گرفت و بر دهان پدر گذاشت و او را سیراب کرد. آنگاه فرمود: «مرا آماده کنید که می‏خواهم نماز بخوانم» آن کودک حوله ای را که در کنار پدر بود، روی دامان امام (علیه السلام) انداخت و سپس پدرش را وضوء داد. بعد از آنکه امام حسن عسگری(علیه السلام) نماز را با آن حال مریضی خواند، روی به فرزند کرد و فرمود: «پسرم بشارت باد تو را که تویی مهدی و حجّت خدا بر روی زمین و تویی پسر من و منم پدر تو و تویی (م ح م د) بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن ابیطالب و پدر توست رسول‏خدا و تویی خاتم ائمه طاهرین و نام تو همنام رسول خدا است و این عهدی است به من از پدرم و پدران طاهرین تو» و در همان هنگام به شهادت رسید. [[7]](#footnote-7)

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل دوم؛ رحمه للعالمین**

**اسماء محمدیه**

ابن بابويه به سند معتبر از جابر انصارى روايت كرده است كه حضرت رسول (صلّى اللّه عليه و آله) فرمود: من شبيه‏ترين مردمم به ابراهيم (عليه السّلام) و حضرت ابراهيم (عليه السّلام) شبيه‏ترين‏ مردم در خلقت و خُلق به آدم بود؛ حق تعالى مرا از بالاى عرش عظمت و جلال خود به ده نام ناميده و صفت مرا بيان كرده و به زبان هر پيغمبرى بشارت مرا به قوم ايشان داده است؛ در تورات و انجيل نام مرا بسيار ياد كرده است و كلام خود را به من تعليم نمود و مرا به آسمان بالا برد و نام مرا از نام بزرگوار خود اشتقاق نمود.

يك نام او محمود است و مرا محمّد نامید و در بهترين قرنها و در ميان نيكوترين امّتها ظاهر گردانيد.

در تورات مرا «احيد» ناميد زيرا كه به توحيد و يگانه‏پرستى خدا مبعوث شده‏ام وجسدهاى امّت من بر آتش جهنّم حرام گرديده است.

در انجيل مرا «احمد» ناميد زيرا كه من محمودم در آسمان و امّت من حمدكنندگانند.

در زبور مرا «ماحى» ناميد زيرا كه به سبب من عبادت بتها را از زمين محو مى‏نمايد.

در قرآن مرا «محمّد» ناميد زيرا كه در قيامت همه امّتها مرا ستايش خواهند كرد به سبب آنكه به غير از من كسى در قيامت شفاعت نخواهد كرد مگر به اذن من.

مرا در قيامت «حاشر» خواهند ناميد زيرا كه زمان امّت من به حشر متّصل است.

مرا «موقف» ناميد زيرا كه من مردم را نزد خدا به حساب مى‏دارم.

و مرا «عاقب» ناميد زيرا كه من از عقب پيغمبران آمدم و بعد از من پيغمبرى نيست.

پروردگار بر من منّت گذاشت و فرمود: اى محمّد! من هر پيغمبرى را به زبان امّت فرستادم و بر اهل يك زبان فرستادم، و تو را بر هر سرخ و سياهى مبعوث گردانيدم و تو را يارى دادم به ترسى كه از تو بر دل دشمنان تو افكندم و هيچ پيغمبر ديگر را چنين نكردم و غنيمت كافران را بر تو حلال گردانيدم و براى احدى پيش از تو حلال نكرده بودم؛ بلكه مى‏بايست غنيمتهایی را كه از كافرانمی گرفتند می سوزاندند. و عطا كردم به تو و امّت تو گنجى از گنجهاى عرش خود را كه آن سوره فاتحة الكتاب و آيات سوره بقره است، براى تو و امّت تو جميع زمين را محلّ سجده و نماز قرار دادم بر خلاف امّتهاى گذشته كه مى‏بايست نماز را در معبدهاى خود بجا می آوردند. و خاك زمين را براى تو پاك‏كننده قرار دادم و «اللَّه اكبر» را به تو و امّت تو دادم و ياد تو را به ياد خود مقرون كردم كه هرگاه امّت تو مرا به وحدانيّت ياد كنند تو را به‏

پيغمبرى ياد كنند، پس طوبى براى تو باد اى محمّد و براى امّت تو .

امام محمّد باقر (عليه السّلام) فرمود: حضرت پيغمبر (صلّى اللّه عليه و آله) را ده نام بود، پنج نام در قرآن هست و پنج نام در قرآن نيست، امّا آنها كه در قرآن است: محمّد، و احمد، و عبد الله، و يس، و نون. و امّا آنها كه در قرآن نيست: فاتح، و خاتم، و كافى، و مقفّى، و حاشر

على بن ابراهيم روايت كرده است: حق تعالى آن حضرت را مزّمّل ناميده است زيرا كه وقتى كه وحى به آن حضرت نازل شد خود را به جامه پيچيده بود و خطاب مدّثّر به اعتبار رجعت آن حضرت است پيش از قيامت، يعنى اى كسى كه خود را به كفن پيچيده‏اى زنده شو و برخيز و بار ديگر مردم را از عذاب پروردگار خود بترسان‏.

**اباالقاسم**

حسن بن فضّال از امام رضا (عليه السّلام) پرسيد: به چه سبب حضرت رسالت را ابوالقاسم كنيه داده‏اند؟ فرمود: زيرا كه فرزند او قاسم نام داشت، حسن گفت: آيا مرا قابل می دانید که بیشتر از این بفرمایید؟

فرمود: مگر نمى‏دانى كه حضرت رسول (صلّى اللّه عليه و آله) فرمود: من و على هر دو پدر اين امّتيم؟

گفتم: بلى

فرمود: مگر نمى‏دانى كه حضرت رسول (صلّى اللّه عليه و آله) پدر جميع امّت است؟

گفتم: بلى

فرمود: مگر نمى‏دانى كه على قسمت كننده بهشت و دوزخ است؟

گفتم:بلى

فرمود: پس پيغمبر پدر قسمت كننده بهشت و دوزخ است و به اين سبب حق تعالى او را به ابوالقاسم كنيت كرده است. گفتم: پدر بودن ايشان چه معنایى دارد؟

فرمود: يعنى شفقت حضرت رسول (صلّى اللّه عليه و آله) نسبت به جميع امّت خود مانند شفقت پدران است بر فرزندان، و على بهترين امّت آن حضرت است. همچنين شفقت على بعد از آن حضرت براى امّت مانند شفقت آن حضرت بود زيرا كه او بعد از آن حضرت وصى و جانشين و امام و پيشواى امّت بود؛ پس به اين سبب فرمود: من و على هر دو پدران‏

اين امّتيم.

در حديث ديگری روایت شده: گروهى از يهود خدمت حضرت رسول (صلّى اللّه عليه و آله)آمدند و سؤال كردند: به چه سبب شما را محمّد و احمد و ابو القاسم و بشير و نذير و داعى ناميده‏اند؟ فرمود: مرا «محمّد» ناميده‏اند براى آنكه من در زمين ستايش شده‏ام و «احمد» ناميدند براى آنكه در آسمان مرا ستايش مى‏كنند و «ابو القاسم» ناميدند براى آنكه حق تعالى در قيامت بهشت و جهنّم را به سبب من قسمت مى‏نمايد، پس هر كه كافر شده است و ايمان به من نياورده است- از گذشتگان و آيندگان- به جهنّم مى‏فرستد، و هر كه ايمان آورد به من و به پيغمبرى من اقرار نمايد او را داخل بهشت مى‏گرداند؛ مرا «داعى» خوانده است براى آنكه مردم را به دين پروردگار خود دعوت مى‏كنم و مرا «نذير» خوانده است براى آنكه هر كسی که من را نافرمانى كند به آتش مى‏ترسانم و «بشير» ناميده‏ است‏ براى‏ آنكه‏ مطيعان‏ خود را به‏ بهشت بشارت‏ مى‏دهم‏.

در روايت معتبر ديگر وارد شده است كه حضرت رسول (صلّى اللّه عليه و آله) فرمود: حق تعالى من و علی را از يك نور خلق كرده و از براى ما دو نام از نامهاى خود اشتقاق كرد، پس خداوند صاحب عرش محمود است و من محمّدم و حق تعالى علىّ اعلى است و امير المؤمنين على است‏.[[8]](#footnote-8)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ شفیعۀ محشر**

**سبب آمدن حضرت معصومه (عليها السّلام) به قم‏**

و سبب آمدن ایشان به قم چنان كه علامه مجلسى از تاريخ قم نقل كرده و از مشايخ اهل قم روايت كرده آن است به این شرح است: هنگامی که مأمون امام رضا (عليه السّلام) را در سال دويست هجری از مدينه به مرو طلبيد، يك سال بعد از آن خواهرش حضرت فاطمه (عليها السّلام) به اشتياق ملاقات برادرش از مدينه به جانب مرو حركت كرد، پس همين كه به ساوه رسيد مريض شد؛ پرسيد كه از اينجا تا قم چه مقدار مسافت است؟

گفتند: ده فرسخ؛ پس به خادم خود فرمود: مرا به جانب قم ببر؛ پس آن حضرت را به قم آورد و در خانه موسى بن خزرج بن سعد ساکن نمودند.

اما به نظر شیخ عباس قمی در منتهی الآمال قول اصحّ آن است كه، هنگامی که خبر حضور آن مخدّره در ساوه به آل سعد رسيد، همگى متفق شدند كه به قصد زیارت آن حضرت بيرون روند و از آن حضرت خواهش کنند تا به قم تشريف آورند. اما در ميان همه موسى بن خزرج پیش از همه به خدمت آن مكرّمه رسيد و مهار ناقه آن حضرت را گرفت و كشيد تا وارد قم شدند و در خانه خود آن سيّده جليله را پذیرایی نمود. پس آن حضرت مدّت هفده روز در بستر بیماری بود و پس از آن به رحمت ايزدى پيوست، پس ایشان را غسل داده و كفن نمودند و در ارض بابلان كه امروز روضه مقدّسه ایشان و ملك موسى بن خزرج بوده آن حضرت را دفن كردند.

**مراسم تدفین**

هنگامیکه فاطمه معصومه (عليها السّلام) وفات كرد او را غسل دادند و كفن كردند و تشییع کردند و او را نزديك سردابى كه براى او كنده بودند گذاشتند.

پس آل سعد با هم گفتگو كردند كه چه کسی داخل سرداب شود و جنازه بى‏بى را دفن نمايد، بعد از گفتگوها تصمیم گرفتند كه مردی صالحى به نام «قادر» متصدّى دفن شود.

در همین هنگام دو نفر سوار كه صورت خود را بسته بودند، با عجله از جانب يعنى ريگزا) پيدا شدند، وقتی نزديك جنازه رسيدند پياده شدند و بر بدن آن مخدّره نماز خواندند و داخل در سرداب شدند و او را دفن كردند و بيرون آمدند و سوار گشتند و رفتند و كسى نفهميد كه آنها چه كسانی بودند.

**عظمت شهر قم از زبان پیامبر(صلی الله علیه و آله)**

از زمان پيامبر گرامي اسلام(صلی الله علیه و آله) قم يکي از شهرهاي برگزيده ديني و مذهبي معرفي شده بود؛ چنانکه انس بن مالک مي­گويد: «روزي در محضر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نشسته بودم، ناگاه اميرالمومنين(عليه السلام) به حضور آن حضرت آمد، پيامبر(صلی الله علیه و آله) از او استقبال گرمي نمود و پس از معانقه، بين دو چشم آن حضرت را بوسيد، سپس فرمود: «اي علي! خداوند ولايت تو را بر آسمان­ها عرضه کرد، آسمان هفتم براي پذيرش ولايت تو از آسمان­هاي ديگر پيشي گرفت پس خداوند آن را به عرش آراست؛ سپس آسمان چهارم پيشي گرفت پس خداوند آن را به «بيت المعمور» آراست؛ سپس آسمان دنيا پيشي گرفت پس خداوند آن را به ستارگان آراست؛ سپس مکه به پذيرش آن سبقت گرفت پس خداوند آن را به «کعبه» آراست؛ سپس مدينه سبقت گرفت پس خداوند آن را به وجود امن آراست؛ سپس کوفه سبقت گرفت پس خداوند آن را به وجود تو آراست؛ سپس قم سبقت گرفت پس خداوند آن را به وجود عرب (شيعه اشعري و...) آراست و از قم دري را به سوي بهشت گشود». دقت در اين روايت روشن مي­سازد که محور تمام ارزش­ها «ولايت اميرالمومنين علي بن ابيطالب(عليه السلام) » است و ارزش قم نيز به برکت وجود سلاله پاک اميرالمومنين(عليه السلام) و شيعيان و شيفتگان آن حضرت است.[[9]](#footnote-9)

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**بخش چهارم؛ اشعار منتخب**

فصل اول؛ مناجات با امام زمان عجل الله فرجه

غلامرضا سازگار

کنار بیت خدایی به یاد ماهم باش

به مروه یا به صفایی به یاد ماهم باش

در استلام حجر نیز یادی از ما کن

همین که گرم دعایی به یاد ماهم باش

چو دور کعبه طواف آوری به کعبه قسم

تو کعبۀ دل مایی به یاد ماهم باش

به ما که رو نگشودی ، به ما نگاهی کن

ز ما اگر که جدایی به یاد ما هم باش

کنار زمزم اگر یاد کام خشک حسین

نظر به آب نمایی به یاد ماهم باش

کنار حجر همان لحظه ای که اشک فشان

به سید الشهدایی به یاد ماهم باش

دمی که از در باب السلام اشک فشان

به سوی بیت می آیی به یاد ماهم باش

کنار قبر رسول خدا کنار بقیع

مقیم کرب و بلایی به یاد ماهم باش

مقیم شهر نجف کاظمین سامرا

کنار قبر رضایی به یاد ماهم باش

چنان که گرم دعایی به ما دعایی کن

همین که یاد خدایی به یاد ماهم باش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اکبر لطیفیان

باز هم، صحبت فرداست قرارِ ما ها

باز هم، خیر ندیدیم از این فرداها

چقدر پای همین وعده ی تو پیر شدند

جگر "مادر ها" موی سر "بابا ها "

سیزده قرنِ گذشته همه اش فردا بود

پس چه شد آمدنِ آن نفرِ فردا ها

سیزده قرن، نفس هایِ زمین پر شده از...

"پسر فاطمه"ها ای "پسر زهرا "ها

سیزده قرن، تو آن جایی و ما این جائیم

چه کنم راه به آن جا ببرند این جاها

خُب بگوئید بمیرید اگر قسمت نیست

دیدن یک نفر از... یک نفر از آقاها

باز کُرسی زمستانی ما گرم نشد

باز هم سرد گذشتند، شب یلداها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

آقا بگو به درد تو آیا نمی خوریم؟

اصلاً بگو به کار تو آقا نمی خوریم؟

آیا دروغ بود که با تو هزار بار

ما گفته ایم جز غم مولا نمی خوریم؟

سنخیّتی کجاست میان مرام ما

آیا هنوز هم به شما ما نمی خوریم؟

تا کی هنوز منتظر وعده های خویش

تا کی به خُلق و خوی تَوَلّا نمی خوریم؟

حتی ز نفسِ خویش برائت نجسته ایم

با این حساب ما به تبرّا نمی خوریم؟

روزی که تو می آیی و اعلام می کنی:

ما با تو نیستیم ، همه ، جا نمی خوریم؟

انگار بسکه دل نگرانِ خودیم و بس

غصه برای دین خدا را نمی خوریم؟

وقتی بدون خمس ، ز هر لقمه می خوریم

دیگر مگو که لقمۀ بیجا نمی خوریم؟

حال و هوای نیمه شب و گریه می رود

وقتی که حرصِ توشۀ عقبا نمی خوریم؟

آیا ولای فاطمه ما را نداده اند

گاهی چه می شود ، غم زهرا نمی خوریم؟

غافل شدیم و حرمت خیمه شکسته شد

ما ها به درد خیمۀ صحرا نمی خوریم؟

اینجا نشسته ایم و تمنّا کنیم که :

آقا بیا ، ولی به تمنا ، نمی خوریم؟

از کشته های شیعه عدو پشته ساخته

از چه به درد مردم دنیا نمی خوریم؟

این غصه نیست ؟ اینکه بگوییم دمبدم

ما غم به غیر ماتم عظما نمی خوریم؟

هرجا که هست نالۀ مظلوم ، همرهیم

جان بر کفیم و غصۀ تنها نمی خوریم؟

سوگند می دهیم به غمهای کربلا

آقا برس به داد تمنای کربلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجتبی قاسمی

ای کاش که آه دلم این بار بگیرد

من منتظرم دست مرا یار بگیرد

تا قلب مرا از همه اغیار بگیرد

درد از تن این خسته ی بیمار بگیرد

در هجر رخش سیل ز چشمم شده جاری

عاشق شده ام عاشق و مجنون نگاری

قلبم به خدا خون شده از دست زمانه

دل بهر وصال تو گرفته است بهانه

دنبال تو گشتم همه جا خانه به خانه

در ارض و سما هست ز روی تو نشانه

یک گوشه ی چشمی به من بی سروپا کن

از بار گنه نوکر خود را تو رها کن

بستند دلم را به سر طره ی مویت

هر چند دویدم نرسیدم سر کویت

ولله منم تشنه ی یک جرعه سبویت

با بار گنه دور شدم از مه رویت

من منتظرم تا ز رخت پرده بر افتد

دیوانه شوم گر به رخت یک نظر افتد

سرمایه ز کف دادم و عشق تو خریدم

   افسوس که روی تو به این دیده ندیدم

هرچند دویدم به وصالت نرسیدم

تنها صفت وصف تو ای یار شنیدم

تا زنده ام ای دوست به من هم نظری کن

مُردم اگر از سوی مزارم گذری کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

کمیل کاشانی

ﻫﺮ  قطره دریا می شود وقتی بیایی

صحرا شکوفا می شود وقتی بیایی

آئینه در آئینه در آئینه لبخند

دنیا چه زیبا می شود وقتی بیایی

چیزی شبیه آنچه در باور نگنجد

مانند رؤیا می شود وقتی بیایی

رمز تمام قفلهای بسته ی ما

یک لحظه پیدا می شود وقتی بیایی

یوسف که در مصر ملاحت پادشاه است

محو تماشا می شود وقتی بیایی

در باور ما ریشه دارد وعده ی وحی

" ﻓﺘﺤﺎ ﻣﺒﯿﻨﺎ " می شود وقتی بیایی

تلخ است صبر و انتظار اما به کامم

شهد گوارا می شود وقتی بیایی

ﺁﻥ ﭘﺮﭼﻤﯽ ﮐﻪ ﻋﺼﺮ ﻋﺎﺷﻮﺭﺍ ﺯﻣﯿﻦ ﺧﻮﺭﺩ

ﺩﺭ ﮐﻌﺒﻪ ﺑﺮ ﭘﺎ ﻣﯽ ﺷﻮﺩ ﻭﻗﺘﯽ ﺑﯿﺎﯾﯽ

ﺑﺮ ﻧﯿﺰﻩ ﺁﯾﺎﺗﯽ ﮐﻪ ﺛﺎﺭﺍﻟﻠﻪ ﻣﯽ ﺧﻮﺍﻧﺪ

ﺗﻔﺴﯿﺮ ﻭ ﻣﻌﻨﺎ ﻣﯽ ﺷﻮﺩ ﻭﻗﺘﯽ ﺑﯿﺎﯾﯽ

ﯾﺎﺑﻦ ﺍﻟﺤﺴﻦ  ! ﻋﻘﺪﻩ ﺯ ﮐﺎﺭ ﺑﺴﺘﻪ ﯼ ﻣﺎ

ﺑﺎ ﻟﻄﻒ ﺗﻮ ﻭﺍ ﻣﯽ ﺷﻮﺩ ﻭﻗﺘﯽ بیایی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ولی الله کلامی زنجانی

مشکل گشا بیا همه محتاج چاره اند

تو  آفتاب  و  کلّ عوالــم  ستاره اند

یابن الحسن حُسین زمان باغبان دین

بی تو گـــل و بــــهار دچار شراره اند

وقتی تو حاکمی همه محکوم حیریتیم

وقتی تو ناظری همه محو نـــــظاره اند

آنانکه خفته اند به خاک از فراق تو

یومِ ظهور طالبِ عمر دوبـــــاره اند

مولا تویی امیر تویی حکمران تویی

فرمانروا تویی دگران هیچ کاره انــد

قربان ذوالفقارِ کجت راست قامتــا

انصارِعشق منتظر یک اشاره انــــد

تاریخ پیر گشته ولی جای شکوه نیست

یـــــــــاران شیرخوار تو در گاهواره اند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل اول؛ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام**

سید هاشم وفائی

اگر با غصه و غم هم ندیمی

غبار غم رسد با هر نسیمی

بیا همراه با مهدی بگوئیم

"یتیمی درد بی درمان یتیمی"

گهی در باغ با گل ها بنالیم

گهی چون بلبلی شیدا بنالیم

اگرخواهی بنالی با دل ما

بیا با مهدی زهرا بنالیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفائی

یابن الحسن فدای تو و دیدۀ ترت

خون جای اشک می چکد از چشم اطهرت

داغی نشسته بر جگر داغدار تو

در خون نشسته است دل درد پرورت

قربان آن امام، که در آخرین نفس

سیراب گشته است به دست مطهرت

ای سرو سرفراز جهان، سرو سربلند

از ماتم پدر چه رسیده ست بر سرت

بهر تسلی دل درد آشنای تو

صف بسته اند خیل ملائک برابرت

ما را شریک درد و غم خود حساب کن

ما دل شکسته ایم ز احوال مضطرت

دلتنگ سامرای تو هستیم و چون نسیم

ما را ببر به دیدن گلزار پرپرت

رفتی به پشت پردۀ غیبت ولی شده است

صدها هزار عاشق و عارف کبوترت

چشم انتظار مانده زمین تا کدام روز

روشن شود جهان ز حضور منورت

با کثرت گناه «وفایی» شب فراق

دارد سلام و عرض ارادت به محضر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید پوریا هاشمی

اثر زهر به کل بدنت معلوم است

شدت درد تو و ضعف تنت معلوم است

گاه غش می کنی و گاه به خود می پیچی

خوب اوضاع تو با سوختنت معلوم است

حرف خود را به تکان دادن سر می گویی

حالت از گریه و طرز سخنت معلوم است

سعی داری که نبیند پسرت اما حیف

باز خاکی شدن پیرهنت معلوم است

چه سرت آمده جسم تو زمرّد شده است؟

تکه تکه ز عقیق یمنت معلوم است

پادگان جای تو و اهل و عیال تو نبود

در نگاه تو غم دل شکنت معلوم است

کاسه نزدیک لبت می شود و می افتد

باهمین زاویه زخم دهنت معلوم است

قصدت اینست تو هم کرببلایی بشوی

این مواسات در عطشان شدنت معلوم است

فرق بسیار تو با جد غریبت آقا

وقت تشییع و کفن داشتنت معلوم است

گوشه ی دیگر فرق تو در این امنیتِ‌

خواهران و حرم لطمه زنت معلوم است

ته گودال نرفتی به  سرت سنگ نخورد

شکر این لحظۀ آخر بدنت معلوم است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد مبشری

یک سامرا اندوه کنج سینۀ ماست

دانی که عمری غصۀ دیرینۀ ماست

از غربتت  آیین غم آیینۀ ماست

بغض عدویت بغض ما و کینۀ ماست

دارد غبار بی کسی کوی حریمت

گرد عزا بنشسته بر روی حریمت

دشمن به جرم عاشقی کشته شما را

چون جلوه گاه خالقی کشته شما را

چون نور  فجر صادقی کشته شما را

پرپر چو یاس و رازقی کشته شما را

چشم زمین و آسمان بر تو بگریند

جانا تمام عاشقان بر تو بگریند

زهر جفا در قتلتان  باشد بهانه

جان داده اید از غصه هایی بی کرانه

کوی مدینه، کربلا، این دو نشانه

شام بلا و کوفه و جور زمانه

اینها همه بر جانتان گردیده قاتل

گر چه جهان زهر جفا را دیده قاتل

نامت حسن، خلقت حسن، خویت حسن بود

جمع خصال و خلق نیکویت حسن بود

ذکر خوش و زیبا و دلجویت حسن بود

قلبت حسینی، نقش بازویت حسن بود

ذکر تو را گفتن به لب اوج سخن شد

مهدی به نام اطهرت، یابن الحسن شد

یابن الحسن  یعنی که مهدی زادۀ توست

شمشیر مانده در غلاف آمادۀ توست

نام خوشش زیبایی سجادۀ توست

او  میوة قلب تو و دلدادۀ توست

برگو بیاید دیده ها چشم انتظارند

آقا بیا که یاس ها دل بی قرارند

آقا بیا که  فاطمه چشم  انتظار  است

با مادرت قلب همه چشم انتظار  است

هستی به اشک و زمزمه چشم انتظار  است

بشتاب امیر علقمه چشم انتظار  است

زیبا شود گر که به رجعت آخر ای یار

آید امیر علقمه گردد علمدار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سعید خرازی

مهدى بیا كه رفتنیَم، راهِ چاره نیست

 جُز تو، به آسمان ولایت ستاره نیست

آبى به كامِ خُشكِ منِ تشنه لب رسان

 در كارِ خِیر، حاجتِ هیچ اِستخاره نیست

 بِنشین كنارِ بسترم اى میوه ى دِلَم

 فُرصت به قَدرِ دیدنِ رویت دوباره نیست

 آه از دَمى كه حضرتِ حیدر به خانه دید

 در گوشِ مادرم اثر از گوشواره نیست

 مهدى  بِدان كه بِینِ مُصیباتِ كربلا

 جانسوزتر زِ حَلقِ پاره ى آن شیرخواره نیست

 جَدّ غَریبِ من، بَدَنَش پاره پاره شُد

 امّا بِه گِردِ من خَبَرى از سَواره نیست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی مقیمی

این داستان زهر و جگر مستمر شده

چشم پسر برای پدر باز ، تر شده

تغییر کرده رنگ رخت یابن فاطمه

کز سوز سینه ات پسرت با خبر شده

آثار زهر، صورتتان را کبود کرد

معلوم شد که هر چه شده با جگر شده

این تب که سوخت جسم تو تاثیر زهر بود ؟

یا شعلۀ در است ز تو شعله ور شده

این تازگی نداشت که با یاد مادری

در کوچه ، قاتل پسری میخ در شده

آه ای امام  یازدهم ارث فاطمه است

این گونه گر که عمر شما مختصر شده

آقا دل شما نکند سمت کربلاست؟

که لحظه لحظه داغ دلت بیشتر شده

خواهر که ان یکاد برای تو خوانده بود !

دیگر چرا جمال منیرت نظر شده؟

اوج مصیبت تو همین است خواهرت

با کاروان شمر و سنان همسفر شده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیر عظیمی

ای آفتاب، سایه نشین جمال تو

ای عمر خضر، بسته به آب زلال تو

ای نیستی خلق دو عالم، زوال تو

ای هست و بودِ خلقت و هستی، وبال تو

ماییم در حریم تو، داریم چشم لطف

از دامن کریم تو داریم چشم لطف

اینجا مقربان، صُلحا صف کشیده اند

پیغمبران حق، شهدا، صف کشیده اند

آقا ببین چقدر گدا صف کشیده اند

در «سُرّ مَن رأیِ» شما صف کشیده اند

تا که شوند جزو گدایان حضرتت

روزی خورند از نمک و نان حضرتت

ای سامرات، گلشن زیبای اهل بیت

گلدسته ات، بهشت دِلارای اهل بیت

دور ضریح، در حرمت، جای اهل بیت

از نسل توست «مهدیُ مِنّایِ» اهل بیت

امشب که ما به روضه ی تو مشتری شدیم

مشغول ذکر یاحسن العسگری شدیم

کعبه در این دیار به دورت طواف کرد

پای همین مزار به دورت طواف کرد

روزی هزار بار به دورت طواف کرد

با قلب داغدار به دورت طواف کرد

ای قبله گاه یار، به دور خودت بچرخ

حج را بجا بیار، به دور خودت بچرخ

ای آنکه چشم دهر برایت گریسته

در آسمان دو نهر برایت گریسته

جبرییل بحر بحر برایت گریسته

مسموم زهر، زهر برایت گریسته

آقای من، نلرز، به دور خودت نپیچ

بر خویشتن نلرز، به دور خودت نپیچ

آقا تو هم ز سمِ جفا تشنه لب شدی

آزرده زهر قلب تو را، تشنه لب شدی

رفته دلت به کرببلا، تشنه لب شدی

در ظلّ آفتاب لبش تشنه مانده بود

بین دو نهر آب، لبش تشنه مانده بود

آقا بنوش آب گوارا، بگو حسین

بگذار سر به دامن مولا، بگو حسین

آسوده سیر کن به ثریّا، بگو حسین

مهدی کنار توست، همین جا، بگو حسین

او آمده است رخت عزا را به تن کند

آماده است تا به تن تو کفن کند

کرببلا، حسین، دریغا کفن نداشت

اصلاً کفن که جای خودش، پیرهن نداشت

جز زخم و زخم و نیزه شکسته، به تن نداشت

"هذا قلیل"، پس به گمانم بدن نداشت

جسمی که پایمال سم اسب ها شود

باید که سهم خاک شود، بوریا شود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی مقیمی

ماه صفر رفت و دوباره محشری شد

هنگامۀ شور و عزای دیگری شد

اسلام، گریان امام عسکری شد

در خانه، مظلوم دو عالم بستری شد

مسموم شد مولا خبر در شهر پیچید

آقا به خود از شدت این زهر پیچید

آقا عزادارت زمین و آسمانند

با ما تمام قدسیان هم نوحه خوانند

بر چشمهامان اشکهای ما روانند

در زیر بار ماتمت قدها کمانند

امشب دل زهرا و حیدر غم گرفته

مهدی کنار بسترت ماتم گرفته

تو خود غریبی سامرایت هم غریب است

این روزها حال و هوایت هم غریب است

فرزندِ دور از دیده هایت هم غریب است

حس می کنم حتی عزایت هم غریب است

صاحب زمان بر پای تو صورت نهاده است

غربت همیشه عضوی از این خانواده است

هر بار یاد کوچه افتادی فِسُردی

با یاد زهرا مادرت صد بار مردی

راحت شدی دیگر تو با زهری که خوردی

کمتر کسی برده چنان رنجی که بردی

پیداست مولا از غروب دیدگانت

کار خودش را کرده زهر دشمنانت

سخت است فرزندت بگیرد دامنت را

بعدش ببیند لحظۀ جان دادنت را

خاموش بیند چشمهای روشنت را

پیشت بماند تا ببیند رفتنت را

ما هم به همراه ائمه روضه خوانیم

گریان آلامِ دل صاحب زمانیم

ابر غم تو کرده سایه ، سامرا را

در غم فرو برده تمام سینه ها را

ویرانه کرده کوچه های قلب ما را

کرده تداعی روضه های کربلا را

غمهای دیگر را غم تو برده از یاد

آقا بمیرم ظرف آب از دستت افتاد

تا ظرف آب از دستهایت بر زمین خورد

یاد آمدت ساقی عمود آهنین خورد

تا تیر بر مشک یل ام البنین خورد

افتاد مشک و ضربه ها از آن و این خورد

بر ساقی و بر اشکهایش گریه کردید

با حضرت مهدی برایش گریه کردید

اصلا همه بر دستهایش گریه کردند

بر دستِ از پیکر جدایش گریه کردند

پیغمبر و زهرا برایش گریه کردند

بر ماجرای کربلایش گریه کردند

این روضه هم مثل تمام روضه ها شد

از هر جهت رفتیم آخر کربلا شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد بیابانی

تنها نه اینکه بر تن تو جامه ی عزاست

حتی سیاه پوش غمت سرّ من رئاست

"غم"، واژه ای که بیشتر از هر کس دگر

با چشم های دائم الاشک تو آشناست

تنها، غریب، گوشه ی سرداب خانه ات

بر گونه هایت اشک عزای پدر رهاست

این روزها اگر که ندارید زائری

ما را به سامرا ببر، اینجا پر از گداست

انگار ماتم تو تمامی ندارد و

هر روز، سینه ی تو به یک داغ مبتلاست

تو سوگوار خانه ی آتش گرفته ای

اما شکستن تو در این داغ، بی صداست

مثل همیشه آخر شعرم رسید و باز

دستم به دامن تو و امضای کربلاست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفائی

وقتی دلم ز گریه سبکبار می شود

سرمست عشق و تشنۀ دیدار می شود

با شوق سامرای تو پرواز می کند

خلوت نشین گلشن ایثار می شود

برخاک تو ز چشم فشانم سرشک غم

اشکی که چلچراغ شب تار می شود

چشمم که بر ضریح غریب تو می فتد

دنیا دوباره بر سرم آوار می شود

آزاده آن کسی ست که دربند عشق تو

با یک جهان امید گرفتار می شود

گرخار لب به وصف و مدیح تو وا کند

از فیض مدحتت گل بی خار می شود

ای عسکری لقب ز غمت هرکه اشک ریخت

آن قطره اشک گوهر شهوار می شود

قربان آن دلی که ز بیداد دشمنان

با شعله های زهر شرر بار می شود

هر غنچه ای که بشکفد از گلشن وجود

بر عمرِ چون گل تو عزادار می شود

روز عزای توست که مهدی است نوحه گر

روزی که صرف گریۀ بسیار می شود

ظلمی که در مدینه به آل رسول شد

بار دگر به سامره تکرار می شود

آسوده درجزاست«وفایی» هرآن کسی

اینجا محب عترت اطهار می شود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش سوم؛ ایام تاجگذاری امام زمان عجل الله فرجه**

غلامرضا سازگار

سامره امشب تماشایی شده

جنت گل هـای زهرایی شده

لحظه لحظه، دسته دسته از فلک

همچو باران از سمـا بارد ملک

می زنند از شوق دائم بال و پر

در حضـور حجت ثانـی عشر

ملک هستی در یم شادی گم است

بعثت است این، یا غدیر دوم است

یوسف زهرا بـه دست داورش

می نهد تاج امـامت بـر سرش

عید «جاء الحـق» مبارک بر همه

خاصـه بـر سـادات آل فاطمه

عید آدم عیـد خاتم آمده

عید مظلومـان عالم آمده

عید قسط و عید عدل و دادهاست

لحظه هـایش را مبـارک بادهاست

عیـد قرآن، عید عترت، عید دین

عیــد زهـرا و امیــرالمؤمنین

عیــد یــاران فداکار علی است

عید محسن، اولین یار علی است

عیــد فتـحِ «میثـم تمار»هاست

عید عمرو مالک و عمارهاست

عید مشتاقان سرمست حسین

عید ذبح کوچک دست حسین

عید باغ یاسمن های کبود

عید شادیِ بدن های کبود

عید سردار رشیـد علقمه

عید سقـای شهیـد علقمه

عید ثـارالله و هفتـاد و دو تن

عید سربازان بی غسل و کفن

عید هجــده آفتـاب نـوک نی

کرده نوک نی چهل معراج طی

عید طاهـا عید فرقان عید نور

عید قرص مـاه در خاک تنور

عید عزت عیـد مجد و افتخار

عید مردان بـــزرگ انتظـار

آی مهدی دوستـان! عید شمـاست

این شعاع حسن خورشید شماست

آنکـه باشـد عـدل و داد حیدرش

حـق نهـد تـاج امـامت بر سرش

وعده فیض حضور آید به گوش

مـژده روز ظهـور آیـد به گوش

تا کنـد محکـم اسـاس کعبه را

 کعبـه پوشیـده لبـاس کعبــه را

می کشد چون شیر حق از دل خروش

می رســد از کعبــه آوایش بـه گوش

می برد از دل شکیب کعبه را

می کشد اول خطیب کعبه را

روی او آیینه روی خــداست

پشت او محکم به نیروی خداست

پیش رو خوبان عالم، لشکرش

پشت سر دست دعای مادرش

بـر سـرش عمـامه پیغمبر است

ذوالفقارش ذوالفقار حیدر است

پرچمش پیراهـن خـون خداست

نقش آن رخسار گلگون خداست

رشته هایش از رگ دل پاک تر

از گل پرپر شده صـدچاک تر

حنجـر او نینـوای زینبین

نعرۀ او «یا لثارات الحسین»

اشک چشمش خون هفتاد و دو تن

چهره: تصویـر حسین است و حسن

خیمـه اش آغـوش حی دادگر

مقدمش چشمِ قضا، دوش قدر

عدل از نـور جمـالش منجلی

پــایتختش کوفـه مـانند علی

آسمـان پروانـه ای دور سرش

خلق پندارند خود را در برش

آسمان چـون حلقه در انگشت او

ملک امکان قبضه ای در مشت او

فـرش راه لشکـرش بــال ملک

جــای سم مـرکبش دوش فلک

مکـه را بستانـد از نـا اهل هــا

بشکند پیشانـی از بوجهل هــا

شیعه گردد حکمران در آب و گل

کــوری این بازهـای کــور دل

عیــد موسا و عصا و اژدهاست

عید مرگ فرقۀ باب و بهاست

ای امـام عصـر عاشورائیـان

ای امیــد آخـر زهرائیــان

ای به عهد مهدویت مهـد مـا

ای نفس هایت دعای عهد ما

عمر ما بی تو بـه سـر آمـد بسی

ای پنـاه شیعـه تـا کی بیکسی

تـو بـه ما بینایی و ما از تو کور

تو به ما نزدیکی و ما از تو دور

ای ز چشـم مـا به ما نزدیک تر

تـا دل دشمـن شـود تاریک تر

چند میثم با تو نزدیک از تو دور؟

سیـدی مـولایی عجـل لظهـور

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رضا باقریان

آقا مبارک است رَدای امامتت

ای غایب از نظر به فدای امامتت

می خواستند حق تو را هم قضا کنند

کَذاّبها کجا و عبای امامتت

ما زنده ایم از برکات ولایتت

ما عهد بسته ایم به پای امامتت

از روز اولی که رسیدیم زین جهان

گشتیم آشنا به صدای امامتت

این روزها هوای تو را کرده ام بیا

ماییم یاکریمِ هوای امامتت

آقا بیا تقاصِ شهیدان به پای توست

آقا فدای کرببلای امامتت

تا روزِ بازگشتِ تو سیدعلی شده

پرچم به دوش، زیرِ لوای امامتت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

احمد ایرانی نسب

سپیده سر زد از بیت امام عسکری امشب

کرم می آید از سوی شما از هر دری امشب

ملائک گرم ذکر یا حسن هستند از ماتم

ولی روح پدر مشغول ذکر دیگری امشب

که ای جان پدر ، ای نور امیدم بیا بابا

که در روی تو میبینم جمال حیدری امشب

بیا ای منتقم چشم انتظارت حضرت زهراست

اجابت میشود گویا دعای مادری امشب

مگر تکرار میگردد به تو معراج پیغمبر

که حتی از پر جبریل هم بالاتری امشب

بیا که با قدم هایت بشر بیدار می گردد

بیا که بعثت پیغمبران تکرار می گردد

تداعی می کند لبخند تو لبخند زهرا را

جهانی چشم شد بیند مگر فرزند زهرا را

که او با ذوالفقار مرتضی از راه می آید

همان روزی که می بندد به سر سربند زهرا را

همه عالم شود دلداده ی روی درخشانش

که می بیند خدایا دلبر و دلبند زهرا را

تو در حصن دعای وان یکاد مادرت هستی

دگر چشمی نمیگیرد به تو ، این بند زهرا را

برای با شما بودن دلیل محکمی دارم

اگر باشی به روی زخم قلبم مرهمی دارم

برای دیدنت چشم همه غرق تماشا شد

زمین از قطره های اشک مشتاقانه دریا شد

چه رویی دلربا داری ، چه گیسویی رها داری

قیامت زودتر از موعدش این بار بر پا شد

شما صاحب زمان نه حضرت صاحب دلان هستی

که معنای حقیقی ولایت در تو معنا شد

چنان بنده نوازی میکنی کز مهر و احسانت

غلامی بر در این خانه از لطف تو آقا شد

خدا را شکر ماهم نوکر این آستان هستیم

که آقا شد هر آنکس نوکر فرزند زهرا شد

قلم بر دفترم چرخید نامت بر زبان آمد

کرامت کردی و بر پیکر این مرده جان آمد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد میرهاشمی

یک شب که عشقت باز از دل درگذر شد

نام تو را بردم پیاپى تا سحر شد

تا صبحدم آن شب به یادت گریه کردم

هر قطره اشکم در پى تو در سفر شد

قابل نبودم تا جمالت را ببینم

امّا قسم بر تو که شوقم بیشتر شد

شد علّت دورى من از تو، عُیوبم

دل مبتلا هر روز بر عیب دگر شد

هر بار آهم شد مؤثّر بر دل تو

کار بدى کردم که آهم بى‌اثر شد

خود واقفم یارى ز من بدتر ندارى

دست ولایت از سر من بر نداری

زاده شدم تا با غم خوبان بمیرم

زشتم، به پایت، خوبتر از جان بمیرم

خواهم به محرابم به هنگام نمازم

یا در تلاوت کردن قرآن بمیرم

من دوست دارم در میان شورِ یاران

با ذکر نامت در صفِ خوبان بمیرم

آلوده باشد دیده‏ام اما مدد کن

در موقع جان دادنم گریان بمیرم

سلطان عشق آید به بالینم بگوید

خوش‌آمدى، با دیدنش عطشان بمیرم

من دوست دارم مرگ را با دیدن تو

هر غصّه را با لحظه‏اى خندیدن تو

من دوست دارم تا حضورت را ببینم

مستى ایّام ظهورت را ببینم

اى عابر پس کوچه‏‌هاى دل کجایى؟

خواهم متانت در عبورت را ببینم

عالم اگر ظلمت شود باکى ندارم

اى فاطمى سیرت چو نورت را ببینم

من دوست دارم در شعاع نورِ پاکت

سرخوردگى خصم کورت را ببینم

منّت‌کش عالم نگردم لحظه‏اى من

در خانه‌ی دل گر حضورت را ببینم

اى حاضر و ناظر به اعمالم، کجایى؟

گریه مکن دیگر به افعالم، کجایى؟

اى گمشده در کوچه‌هاى غفلت دل

اى گوهر نشناخته در حیرت دل

اى سفره‌دار آفرینش؛ بی‌نگاهت

شد رزق ما محدود؛ رفته برکت دل

حاصل ندارد بى‌تو عمر نوح کردن

نسیان تو اى بهترین، شد آفت دل

ما را براى انتظارت آفریدند

ممزوج شد با انتظارت فطرت دل

جانا به راه عشق تو، ایمان ببازیم

یادى ز ما کن تا بیادت جان ببازیم

اى آیه‌‏ها صبح و مساء در انتظارت

قرآن؛ مناجات و دعا در انتظارت

خلق خدا چشم انتظارانِ ظهورت

تنها نه خلقى که خدا در انتظارت

دست خدا؛ دیگر به‌در از آستین شو

اى ذوالفقار مرتضى در انتظارت

اى ذرّه‏هاى آفرینش بى‌قرارت

مروه؛ صفا؛ زمزم؛ منا در انتظارت

کو پرچم هل من معین آل زهرا؟

اى سرزمین کربلا در انتظارت

اى یوسف کنعانى زهرا کجایى؟

موعود کعبه؛ منجى دلها کجایى؟

اى شارع احکام دین برگرد برگرد

اى رشته‌ی حبل‌المتین برگرد برگرد

دریاب گمراهانِ در عصیان فنا را

اى رهنماى متّقین برگرد برگرد

گلشن؛ کویر غفلت از یاد تو گردد

اى لاله‌ی صحرا نشین برگرد برگرد

آید به گوش از کربلا شبهاى جمعه

آواى بانویى حزین برگرد برگرد

ذکر شهید کربلا این بود وقتى

افتاد از زین بر زمین، برگرد برگرد

برگرد تا خون شهیدان زنده گردد

برگرد تا شیعه به دوران زنده گردد

گویند مى‏آیى ولى مُردیم، بازآ

در شام هجران تو افسردیم، بازآ

بى‌تو صفا از زندگى‏ها رخت بسته

از دل طراوت رفت، پژمردیم، بازآ

عشق على و شیعه‏گى جرم است، آرى

ارثِ غریبى از على بردیم بازآ

طعنه‏کِش ایّام هجران تو گشتیم

ما خونِ دل در خونِ دل خوردیم، بازآ

بشنو تمناى دل بیچارگان را

گرچه تو را صد بار آزردیم، بازآ

ما مُجرمیم امّا تو خوب و با گذشتى

دیدى بدى از ما فزون؛ امّا گذشتى

نور خدایى تو؛ به بدخواه تو لعنت

بدرالدّجایى تو؛  به بدخواه تو لعنت

سر تا قدم تصویر قرآن خدایى

شمس‌الضّحایى تو؛ به بدخواه تو لعنت

هر جا که هستى؛ جانِ ما؛ جانت سلامت

اصلِ بقایى تو؛ به بدخواه تو لعنت

بین قنوتت یک دعا بهر گدا کن

روح دعایى تو؛ به بدخواه تو لعنت

بر سرزمین قلب عشّاق حسینى

فرمانروایى تو؛ به بدخواه تو لعنت

اصلِ ولایت در وجودت منجلى شد

لعنت به هرکس مُنکرِ آل على شد

بگذار تا چشم انتظار تو بمانم

بگذار من هم بى‌قرار تو بمانم

جان را به کف بنهاده و سوى تو آیم

اذنم بده تا جان‏نثار تو بمانم

جانم سپر گردد تو را در هر بلایى

گردم فدایى؛ پاى کار تو بمانم

ننگت نباشم؛ گُل شوم بر سینه‌ی تو

تا زنده‏ام در انتظار تو بمانم

از حق بخواهم تا مرا پاکم نمایى

در کربلا با دست خود خاکم نمایى

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش چهارم؛ولادت پیامبر اکرم و امام صادق علیهما السلام**

علی اکبر لطیفیان

آن را که به جز قرب خدا هیچ ندارد

هنگام بلا غیر دعا هیچ ندارد

پروانه پرش سوخت و من یاد گرفتم

عاشق شدنم غیر بلا هیچ ندارد

از لکنتم ایراد نگیرید؛ بِلالم

دل مایه‌ی قرب است، صدا هیچ ندارد

باید به مقامات نظر داشت؛ نه اسباب

موسی همه کاره‌ست، عصا هیچ ندارد

از جانب گیسوی نگار است که خوشبوست

از ناحیه‌ی خویش صبا هیچ ندارد

اموال کریمان همه‌اش مال فقیر است

اصلاً چه کسی گفته گدا هیچ ندارد

هرکس که تو را دارد و در سینه ندارد...

مهر علی و فاطمه را... هیچ ندارد

بگذار که از فاطمه بهتر بنویسم

او را عوض فاطمه مادر بنویسم

بگذار که اول صلواتی بفرستم

تا نام تو را خوب معطّر بنویسم

تو پا بِگُذاری و منم سر بِگُذارم

تو پا بنویسی و منم سر بنویسم

در فکر بقیعم من اگر میل ندارم

بر گنبد خضرات کبوتر بنویسم

بگذار در این مرحله که جمله فقیرند

جبریل تو را فطرس دیگر بنویسم

تو گاه علی هستی و گه‌گاه محمّد

ماندم که علی یا که پیمبر بنویسم!

یکبار تو را خواندم و دوبار علی را

از ذات تو باید دوبرابر بنویسم

سرها همه خاک کف پایت؛ سر ما هم

پرها همه دنبال هوایت؛ پر ما هم

در قرب تو جبریل، پرِ سوخته دارد

زیر قدمت ریخته خاکستر ما هم

عیسی که نفس داشت و موسی که عصا داشت

خوب است ببیند که پیغمبر ما هم...

بر خاتم ما حک شده: «یا حضرت خاتم»

پس معجزه هم میکند انگشتر ما هم

گر آخر این زنده‌به‌گوری قدم توست

پس زنده‌به‌گور قدمت دختر ما هم

به فاطمه گفتی «بأبی أنت و امّی»

صد بار فدایش پدر و مادر ما هم

از لطف تو نام علی و فاطمه حالا

در مأذنه‌ها پر شده، در منبر ما هم

راضی شده بودیم به املای محمّد

اما نرسیدیم به معنای محمّد

هرآنچه که دارند رسولان، همه دارند

از معجزه‌ی خاک قدم‌های محمّد

مولاست همان رحمت امروز پیمبر

زهراست همان رحمت فردای محمّد

تفسیر کمالات جلالیِ علی بود

«لا حول و لا قُوّةَ الا»ی محمّد

این وحدت محض است و دوئیت به میان نیست

خوابید اگر «شیر خدا» جای محمّد

اسلام محمّد به جز اسلام علی نیست

منهای علی یعنی منهای محمّد

در آینه‌ی فاطمه دیده‌ست خودش را

بنشسته محمّد به تماشای محمّد

با جعفر صادق به روایات رسیدیم

با لطف روایات به آیات رسیدیم

عبد تو شدیم و سر سجّاده که رفتیم

دیدیم به مجموع عبادات رسیدیم

با واسطه ما پیش خداوند نشستیم

از راه توسّل به مناجات رسیدیم

در اصل تو «اللّه» مجسّم‌شده هستی

به ذات خداوند از این ذات رسیدیم

از ردّ قدم‌های تو تا خانه‌ی زهرا

یک‌دفعه، دو دفعه، نه به کَرّات رسیدیم

از گریه‌ی تو در وسط شعله‌ی خانه

به سوختن مادر سادات رسیدیم

ما خاک‌نشینان حرم، عرش‌نشینیم

از ارض بقیعت به سماوات رسیدیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی رحیمی

ملاک چیست؟ نبی؟یا ولی ست؟ یاهردو؟

اگرچه ما به خدا می رسیم با هردو

رئیس مذهب ماورئیس مکتب ما

رسیده‌اند به هم پس از ابتدا هردو

پر از صفات جمالی یکی یکی هریک

پر ازصفات جلالی دوتا دوتا هردو

چه قدر سعی نمودند سمتتان باشند

به وقت سعی همین مروه و صفا هردو

دوتا نبیِّ ولی و دوتا ولیِّ نبی

به حق که ناظر وحی اند در حرا هردو

به غیر خویش و به جز آل خویش،محترمند

فقط به خاطر زهرا برای ما هردو

ز نامهای خدا بیشتر علی گفتند

همینکه ذکر گرفتند بارها هردو

رسیده‌اند به سرمایه ی رضایت حق

فقط به خاطر ذکر رضا رضا هردو

اگرچه هردویشان بوده‌اند زهرایی

هزار شکر ندیدند کوچه را هردو

وَ در ارادت ما و شما همین بس که؛

گریستید به صحرای کربلا هردو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد فردوسی

جبرئیلی که از او جلوه ی رب می ریزد

به زمین آمده و نُقل طرب می ریزد

دارد از نخل خبرهاش رُطب می ریزد

خنده از لعل لب «بنت وهب» می ریزد

آمنه ! پرچم توحید برافراشته ای

آفرین ! دست مریزاد ! که گل کاشته ای

پیش گهواره ی خورشید ، قمرها جمع اند

ملک و حور و پری ، جن و بشرها جمع اند

بعد تو شاید و امّا و اگرها جمع اند

جلوی بتکده ها باز تبرها جمع اند

ماه و خورشید و فلک مژده به عالم دادند

لات و عزّی و هبل ، سجده کنان افتادند

«یوسف مکّه» شدی بس که جمالت زیباست

چه قدَر ای پسر آمنه ! خالت زیباست

رحمت واسعه ای ، خلق و خصالت زیباست

چه کسی گفته که زشت است بلالت ؟! زیباست

ای که در دلبری از ما ید طولی داری

«آن چه خوبان همه دارند تو تنها داری»

هدف خلقتی و «خواجه ی لولاک» شدی

«انّما» خواندی و از رجس و بدی پاک شدی

یکی یک دانه ی حق ، محور افلاک شدی

در جنان صاحب یک باغ پر از تاک شدی

ما که از باده ی پیغمبری ات مدهوشیم

فقط از جام تولای تو مِی می نوشیم

تا تو هستی به دل هیچ کسی غم نرسد

از کرمخانه ی تو هیچ زمان کم نرسد

به مقام تو که درک بنی آدم نرسد

پر جبریل به گرد قدمت هم نرسد

شب معراج ، تو از عرش فراتر رفتی

به ملاقات علی ـ ساقی کوثر ـ رفتی

آمدی امر نمایی که امیر است علی

ولی الله وَ مولای غدیر است علی

اوج فتنه بشود باز بصیر است علی

صاحب تیغ دو دم ، شیر دلیر است علی

چه بلایی به سر اهل هنر آورده

ذوالفقارش که دمار از همه در آورده

«اوّل ما خلق الله» فقط نور تو بود

حامل وحی خدا خادم و مأمور تو بود

یکی از معجزه ها سبحه ی انگور تو بود

دوستی علی و فاطمه منشور تو بود

ما گرفتار تو و دختر و داماد توایم

تا قیامت همگی نوکر اولاد توایم

پشت تو فاطمه و حضرت حیدر ماندند

اهل نجران ، همه در کار شما در ماندند

نسل تو سبز و حسودان تو ابتر ماندند

نوه هایت همگی سیّد و سرور ماندند

ای پیمبر چه نیازی به پسرها داری ؟

صاحب کوثری و حضرت زهرا داری

ای عبای نبوَی ! پنج تنت را عشق است

ای اولوالعزم ! علی ـ بت شکنت ـ را عشق است

یاس خوشبو و حسین و حسنت را عشق است

می نویسم که اویس قرنت را عشق است

بُرده هوش از سر ما عطر اویس قرنی

حرف من حرف اویس است : تو در قلب منی

زندگی تو که انواع بلاها را داشت

با وجودی که ابوجهل سر دعوا داشت

خم به ابروت نیامد ، لب تو نجوا داشت

صبرت ایّوب نبی را به تعجّب وا داشت

بُت پرستی که برای تو رجز می خواند

به خدا مال زدن نیست خودش می داند

ای که در شدّت غم «چهره ی بازی» داری

چون مسیحا چه دم روح نوازی داری

تا که چون شیر خدا شیر حجازی داری

به فلانی و فلانی چه نیازی داری ؟!

کوری چشم حسودان زمین خورده و پست

افتخار تو همین بس که کلامت وحی است

عشق تو عاشق بی تاب عمل می آرد

قمر روی تو مهتاب عمل می آرد

خم ابروی تو محراب عمل می آرد

خاک پای تو زر ناب عمل می آرد

همه ی عشق من این است مسلمان توام

عجمی زاده و همشهری سلمان توام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید پوریا هاشمی

امروز نوشتند کبوتر شدنم را

پروازکنان راهى دلبر شدنم را

چشمان من از شوق، مهیاى شراب است

مدیون توأم لذت ساغر شدنم را

آنقدر نرفتم ز در خانه گرفتم

تا روز ابد سائل این در شدنم را

گفتند برو نوکر صاحب کرمى باش

دادم به شما نامه ى قنبر شدنم را

یک عمر به دور سر تو گرد طوافم

امضا بزن از اهل جهان سر شدنم را

باید که بگوش همه حالا برسانم

فوراً خبر مست پیمبر شدنم را

خوب است بدانید به دربار رسیدم

تا پشت در احمد مختار رسیدم

روزى که تو از راه رسیدى دل ما ریخت

خیر قدمت وِلوله در أرض و سما ریخت

کفار هم از بودن تو بهره گرفتند

باران کرامات تو آقا همه جا ریخت

مکه ز نفس هاى تو توحید سرا شد

از بس که به هر جا گذرت عطر خدا ریخت

دیدند به ایوان مدائن ترک افتاد

از هیبت سبحانى تو بت کده ها ریخت

پیچید در عالم خبر آمدن تو

تا صبح در خانه ى تو خیل گدا ریخت

گر اهل مناجات شدیم علتش این بود

الطاف تو در کاسه ى ما شوق دعا ریخت

با امر شما ساعت خورشید عوض شد

حتى جهت حرکت خورشید عوض شد

تا هست خدا نام تو برجاست یقیناً

بر دامن تو دست گداهاست یقیناً

در کشور ما اسم تو در صدر اسامى است

چون نام محمد شرف ماست یقیناً

یک عمر پناه غم تو چادر زهراست

پس دختر تو ام ابیهاست یقیناً

فهمیده ام از بوسه ى هر روزه به دستش

آرامش تو حضرت زهراست یقیناً

وقتى همه جا ورد زبان تو على بود

یعنى که وصى ، حضرت مولاست یقیناً

هربار که در جنگ به کار تو گره خورد

شمشیر على حل معماست یقیناً

با تیغ کج آورده به حیرت همگان را

خم کرده قد و قامت شمشاد قدان را

ما تا به ابد دست به دامان شماییم

خاریم ولى جزو گلستان شماییم

خشکیم، کویریم ولى شکر گذاریم

صد شکر که لب تشنه ى باران شماییم

از رى به امیدى در این خانه رسیدیم

راهى بده آقا همه مهمان شماییم

اى کاش که ما را به غلامى بپذیرد

تا فخر کنیم اینکه غلامان شماییم

ما شیعه شدیم از کرم حضرت صادق

مؤمن به تعالیم و مسلمان شماییم

ارث از تو گرفتیم که بى تاب حسینیم

دل سوخته ى دیده ى گریان شماییم

از یُمن روایات شما روضه نشینیم

در بَندِ حسینیم و گرفتار ترینیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

آمد خبر که روز بشر بعد انبیا شب بود

عالم بدون پرتو انوار مصطفا شب بود

با آمنه تمامیِ خلقت در انتظار صبح

مهتاب تا سحر همه دم همنوای با شب بود

جبریل بود و بال گرفتن به بیت عبدالله

بیتی که میزبان هبوط فرشته ها شب بود

می رفت مادر و پسر از راه دور می آمد

خورشید پشت پردۀ پنهانی خدا شب بود

تایید شد ، مشاهده شد ، نور لیلة الاسری

احمد رسید ، ورنه هنوز آسمان ما شب بود

صبح آمد و خوش آمد و احمد به حمد سرمد شد

در سجده رفت و ذکر گرفت ، علی محمد شد

شکر خدا که رفت شب و روزگار ما شد صبح

معنا گرفت فصل ربیع و بهار ما شد صبح

آری "نگار ما که به مکتب نرفت و خط ننوشت"

یک غمزه کرد و شب ز نگاه  نگار ما شد صبح

خاتم رسید و خاتمۀ جاهلیّت امضا شد

با دوستان آل محمد قرار ما شد صبح

مکه نه ، بلکه عالم امکان ز نور او روشن

در سایه سار طلعت رویش ، مدار ما شد صبح

در پرتو محمد و صادق طلوع فجر آمد

یعنی به یمن آل علی انتظار ما شد صبح

باید ستود از دل و جان این دو جلوۀ رب را

بنیانگذار مکتب و بنیانگذار مذهب را

باید سرود:نقطۀ پرگار معرفت احمد

باید نوشت:دیدۀ بیدار معرفت احمد

باید سرود: ناشر آیات کبریا صادق

باید نوشت: بحر گهربار معرفت احمد

باید سرود: فاطمه را علت بقا صادق

باید نوشت: محور و معیار معرفت احمد

باید سرود: جلوۀ خیبر گشای ما صادق

باید نوشت: حیدر کرار معرفت احمد

باید سرود: بانی تکرار کربلا صادق

باید نوشت: مظهر آثار معرفت احمد

هر چارده جمال خدا را در این دو باید دید

هر چارده جلال خدا را در این دو باید دید

کسری شکست و معجزه ها یک به یک فراوان شد

بتها فرو نشست و تبِ بندگی نمایان شد

آتشکده خموش و حرارت به سینه ها روشن

خشکید رود ساوه و دریای عشق جوشان شد

از تخت سلطنت همه شاهان بزیر افتادند

لال از مهابتِ خبرِ حق ، زبان آنان شد

اصحاب فیل صیدِ اَبابیل شد در این ایام

قومی که زیر بارش سجّیل[1] ، سنگ باران شد

شد سحرِ ساحران همه با علم کاهنان باطل

باطل گریخت از ره و حق ، آشنای انسان شد

اینهاست گوشه ای از جلالات احمد مختار

اینهاست شمه ای از کرامات حیدر کرار

ما را برای یاری دین رسول جان دادند

با صد هزار معجزه ، حق را بما نشان دادند

دیگر کسی بهانه ندارد که من نفهمیدم

زیرا برای فهم مسائل اماممان دادند

در فتنه های جنگی و در فتنه های فرهنگی

ما را امام و رهبر و هم تیغ و هم بیان دادند

باید قدم نهاد به راه بصیرت دینی

اهل بصیرتند که بر دین خود امان دادند

هرکس به عمر خویش زمانی به کربلا آید

در کربلای خویش خوشا عاشقان که جان دادند

تا کربلای چند بجوئیم این سعادت را

تنها ولایت است که بخشد مِی شهادت را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش پنجم؛ ولادت امام حسن عسکری علیه السلام**

غلامرضا سازگار

ای شرفت فوق ثنا گستری داد خدایت به جهان برتری

شمس و قمر دور رخت مشتری کرده زخلق دو جهان دلبری

خاک کف پات سر سروری سیّدنا یا حسن العسکری

قدر، بود رشته ای از موی تو بدر بود آیتی از روی تو

خُلق عظیم نبوی خوی تو مهدی موعود ثناگوی تو

مهر تو بر چرخ کند محوری سیّدنا یا حسن العسکری

نخل وجودت ثمر فاطمه بحر عنایت گهر فاطمه

شمس ولایت قمر فاطمه صد چو مسیح ای پسر فاطمه

از تو گرفته دم جان پروری سیّدنا یا حسن العسکری

یازدهم آینه ی سرمدی نام، حسن خود بری از هر بدی

پیر خرد درس تو را مبتدی نطق تو را موعظه ای احمدی

تیغ تو را معجزه ی حیدری سیّدنا یا حسن العسکری

بر سه محمّد ثمری یا حسن چار علی را پسری یا حسن

مصلح کلّ را پدری یا حسن فوق ثنای بشری یا حسن

کرده خدا بر تو ثنا گستری سیّدنا یا حسن العسکری

جود زتو لطف و عنایت زتوست حکمت و توحید و ولایت زتوست

آنچه شنیدیم روایت زتوست رهبری و علم و هدایت زتوست

بر تو برازنده بود رهبری سیّدنا یا حسن العسکری

نور هدی یا حسن بن علی بحر عطا یا حسن بن علی

روی خدا یا حسن بن علی هست روا یا حسن بن علی

سیدی و وجه خدا منظری سیّدنا یا حسن العسکری

ای همه جا وصف تو نُقل دهن مهر تو خوشتر بود از جان به تن

وای به من مدح تو و طبع من کار نیایید زبیان و سخن

گر چه کند لعل لبم گوهری سیّدنا یا حسن العسکری

راه خدا، راه نبی، راه توست سرّ ازل در دل آگاه توست

عرش برین پایه ای از جام توست بندۀ شرمندۀ درگاه توست

حور بود، یا که ملک، یا پری سیّدنا یا حسن العسکری

محنت دوران به تو همراه بود هر نفست یک شرر آه بود

همدم تنهای شبت ماه بود عمر تو هر چند که کوتاه بود

تا ابد الدّهر کنی سروری سیّدنا یا حسن العسکری

حیف که قدر تو فراموش شد نیش بلا بر جگرت نوش شد

نغمه ی توحیدِ تو خاموش شد مهدی موعود، سیه پوش شد

کرد نفس در دل او آذری سیّدنا یا حسن العسکری

تو گُلی و من همه خار توام در وطنم دُور دیار توام

اشگ فشان گِرد مزار توام "میثم" دلخسته ی دار توام

بر تو کنم بر تو ستایشگری سیّدنا یا حسن العسکری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی علی قاسمی

شاعری می کنم و عاشق این نوکری ام

تا که پر نور شود این دل خاکستری ام

همه جا مدح شما هست در اندیشه ی من

رهرو دعبل و دنباله رو حِمیَری ام

سالیانی است که مدح تو به گوشم خورده

سالیانی است که در مدح تو پامنبری ام

ریشه ام را تو بکن روزی اگر دیدی که

با گداییِ درت در پی نام آوری ام

تو خودت این قلم پای مرا قطع بکن

دیدی ام گر پی لطف و کرم دیگری ام

آمدم سمت حرم تا که تماشات کنم

چه کسی گفته که من در پی انگشتری ام؟

آمدم تا که بگویم تو فقط شاه منی

محضرت آمدم اثبات کنم نوکری ام

بر در میکده ات بهر تملّق گویم

نوکر بی سر و پای حسنِ عسگری ام

دلم از بس که نرفته است زیارت خون شد

برسانید براتی به خدا مشتری ام

سامرا رفتن من دست عزیز دل توست

جان فرزند خودت باز بگو می بری ام؟

شیعه نه عبد که نه عاشق و مجنون هم نه

بر در خوان شما در پیِ خیره سری ام

هر چه بد کرده ام آخر تو مرا بخشیدی

باز انگار نه انگار ، زبس که جری ام

هر چه هستم ولی آقا همه دم می گویم

عاشق حیدرم از دشمن زهرا بری ام

ای که شأنت همه دم "عادتکم احسان" است

من گنهکار و سیه رو و بدم ، می خری ام؟

سامرا رفته ام و خوب گدایی بلدم

بس که دلبسته شده بر قسم مادری ام

سامرا آمدم و کوری داعش گفتم

چشمتان کور شود زینبی ام ، حیدری ام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی مقیمی

تقدیمِ محضر تو هزاران سلام ، کم

کعبه اگر کند به شما استلام ، کم

آنقدر محترم شده ای که اگر کند

عالم به احترام وجودت قیام ، کم

پشت درت برای تبرک به محضرت

کُلِّ ملائکه که کنند ازدحام ، کم

ای چهرهء تو روشنیِ راه عالمی

پروانۀ رخ تو شود خاص و عام ، کم

شایستۀ مقام و بزرگی ، وجودتان

گرچه که در قبال شما این مقام، کم

شکر خدا که فاطمی و حیدری شدیم

مجذوب حضرت حسن العسکری شدیم

تمثال دیگری ز علی باز زاده شد

ماهی نصیب و قسمت این خانواده شد

وا شد ز آسمان  درِ رحمت به سمت خاک

وقتی به دستهای پدر ، طفل داده شد

نور پسر به نور پدر تا که شد مُضاف

زیبائیِ جهان خدا فوق العاده شد

گل کرد بر لبم صلوات پیا پی ام

دست خودم نبود لبم بی اراده شد

این بارِ دوم است که در خانواده شان

از نام دلربای حسن استفاده شد

وقتی کرم ز چهرهء او منجلی شده

یعنی که دومین حسن بن علی شده

خورشید محو روی درخشندهء شماست

حاتم گدای سفرهء بخشندهء شماست

ماه فلک ازین که شده ماه ، نام او

سر را به زیر برده و شرمندهء شماست

دل نیست آن دلی که در او نیست عشق تو

دل آن دلیست کز ازل آکندهء شماست

در روز حشر هر که ز تو گفت، بُرد کرد

برگ برنده دست سرایندهء شماست

دل برده از امام دهم طعم خنده ات

اصلا بهشت جلوه ای از خندهء شماست

ای صولتت ز صولت حیدر گرفته وام

بر ساحت تو و پدر و مادرت سلام

از ما سلام بر تو و از تو جواب ما

چون می رسد فقط به شما انتساب ما

آقا سلام بر تو و اجداد اطهرت

بالاترین عبادت ما و ثواب ما

شاد است در ولادت تو گرچه پشت ابر

جانها فدات ای پدر آفتاب ما

هستیم ما به فضل نگاهت امیدوار

در طولِ لحظه لحظۀ یوم الحساب ما

شکر خدا که روزیِمان هم شما شدید

ذکر شماست روزیِ ما نان و آب ما

نذر تو خوانده ایم به لب آیه های نصر

تبریک گفته ایم همه بر امام عصر

باید تو را به باغ ولایت ثمر نوشت

از هر چه خوب نام تو را خوبتر نوشت

باید به لوح دل حرمت را جنان کشید

یا از حریم تو به جنان چند در نوشت

از هر چه عالمان ز کمالت نوشته اند

باید هزار دفعه از آن بیشتر نوشت

نامت ازین عمو و جمالت از آن عمو

نامت حسن نوشت و جمالت قمر نوشت

ما را فقط به خاطر فرزند پاک توست

گر سرنوشت ، شیعۀ ثانی عشر نوشت

امشب اسیر توست دل مستمند ما

تقدیم مادرت صلواتِ بلندِ ما

تا سامرا ز فیض وجودش صفا گرفت

حتی بهشت هم شرف از سامرا گرفت

می داد بوی فاطمه قنداقه اش عجیب

عطری عجیب عرش خدا را فرا گرفت

عرش خدا ز جاذبه اش در شگفت شد

فرش از تبرکِ نفسش ارتقا گرفت

باب المراد اوست عجب نیست گر کسی

عیدی ز دست مرحمتش کربلا گرفت

افسانه نیست لطف امام همام ما

این است آن امیر که دست گدا گرفت

خوشحال گشته فاطمه از این ولادتش

همنام با عمو شده خوش به سعادتش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیر عظیمی

سری که سجده کرده بر پای دل به قصد قربت و تولای دل

با نگه حضرت زهرای دل آمده تا عالم بالای دل

دیده قد و قامت رعنای دل بنده شده، بنده ی آقای دل

گرفته از جنّ و ملک برتری از برکات حسن عسگری

صورت زیباش، چنان ماهتاب روز ازل جلوه نمود از نقاب

به باد داد آبروی آفتاب به زلف خود داد کمی پیچ و تاب

ربود از ملائک احساس خواب به خواب دلبران خود شد عذاب

روز ازل شد بخدا محشری از برکات حسن عسگری

از برکاتش دل ما روشن است از کرمش هر دو سرا روشن است

شمس و قمر، ارض و سما روشن است خانه ی کعبۀ خدا روشن است

چراغ محراب و دعا روشن است او حسن دوّم دین من است

گشته خدا به دین من مشتری از برکات حسن عسگری

کیست حسن؟ اسم شب عاشقان ذکر شریف لب پیغمبران

ابن رضای سوم شیعیان سیزدهم یوسف زهرا نشان

عشق دل حضرت صاحب زمان ستاره ی یازده آسمان

شیعه تو ره به آسمان  می بری از برکات حسن عسگری

ای حَسَنِ حُسنِ جمال نبی کمال دین حق، کمال نبی

به آسمان ها پر و بال نبی لعل لبت آب زلال نبی

وصال حضرتت وصال نبی مثال هیبتت مثال نبی

شعر شده مدیحه ی دیگری از برکات حسن عسگری

چه خوش بُود به این سرا سر زدن کبوتر حرم شدن پر زدن

بر در او آمدن و در زدن درب خدای ذرّه پرور زدن

باز نشد درب، مکرّر زدن از عشق او به سیم آخر زدن

حیدری ام، حیدری ام، حیدری از برکات حسن عسگری

ای حرمت کعبه ی اهل ولا کعبه کجا مدفن پاکت کجا

وا أَسَفا دشمن زخم آشنا هتک نموده است حریم تو را

حال که ناامن شده سامرا شد حرم مطهّرت قلب ما

به کعبه می کند دلم سروری از برکات حسن عسگری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد جواد شیرازی

اشکم دو چشمه بر لب مژگان درست کرد

در خشکسالِ عاطفه باران درست کرد

بشکن دل مرا که شکایت نمی کنم

کار مرا همین دل ویران درست کرد

حالم گرفته بود و دلم غرق خون ولی

حال مرا نوایِ "حسن جان" درست کرد

کاری که با رکوع و سجود و دعا نشد

آخر توسلِ به کریمان درست کرد

شک داشتم به سینه که برهان نظم چیست؟

زلف نگار در دلم ایمان درست کرد

حق است خالقی که برای عِباد خویش

شاهی ز نسل شاه خراسان درست کرد

در حیرتم چه کرد دو چشمش که اینچنین

از مرغ لال، مرغ غزلخوان درست کرد

دستی به روی سینه ی گمراه من کشید

از کفر محض عبد پشیمان درست کرد

روی لبم رسید نوای حسن حسن

در هر تپش...به هر نفس و دم زدن حسن

دل دل کنان رسیده ام اما نمی روم

با جام خالی از لب دریا نمی روم

با صد امید آمده ام سمت سامرا

میخانه دایر است به صحرا نمی روم

از پای سفره های حسن های اهل بیت

عالَم اگر زنند بفرما... نمی روم

آلوده اش شدم که شفاعت کند مرا

بیهوده سمت توبه و تقوا نمی روم

در دوزخِ فراق بسوزم مرا خوش است

بی دردِ عشق، جنتُ الاعلی نمی روم

کهفُ الوریٰ حسن، شب احیای من حسن

بی مهر دوست مجلس احیا نمی روم

خود را کشانده ام به در خانه ی کریم

سنگم زنند هم من از این جا نمی روم

امشب به دور خال لبش چرخ می زنم

فردا طواف چشم، جداگانه می روم

وقتش رسیده است، عجب محشری شده است

میلاد حضرت حسن عسگری شده است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش ششم؛ وفات حضرت معصومه سلام الله علیها**

رحمان نوازنی

آنقدر رفت که در ثانیه ها هم گم شد

بعد آنسوی زمان پنجره ای در قم شد

و همین زائره سبز زیارتگاهش

در پرواز به سمت حرم هشتم شد

گوشه چادر او روی سر قم افتاد

کآفتاب آمد و تاریکی شیطان گم شد

خاک قم عطر گل یاس گرفت و آنگاه

قم مدینه شد و او فاطمه دوم شد

یازده  کعبه به همسایگی اش آمده اند

یازده  مرتبه اینجا حرم مردم شد

جمع بودند در اینجا همگی تا اینکه

جمکران آمد و همسایه این خانم شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی مقیمی

سلام ای صاحب شأن و مدارج سلام ای دختر باب الحوائج

تو روح عصمتی معصومه هستی تو از روز ازل در دل نشستی

بهشت مطلق شهر قمی تو دلآرام امام هشتمی تو

خلایق گرد رویت در طوافند ملائک بر درت در اعتکافند

ز تو خورشید کسب نور کرده ز شرمت ماه ، رخ ، مستور کرده

به سویت هر چه حاجت دار، راهیست گدایی بر درت چون پادشاهیست

حریمت مرکز عشق دو عالم به این گلزار دعوت کن مرا هم

دل پاک ائمه بی قرارت مزار حضرت زهرا مزارت

ببین زوار قبر انورت را که می جویند اینجا مادرت را

عزادارت زمین و آسمانند غم و درد دل تو بی کرانند

دلت در طوس و پا در ره نهادی برادرهای خود از دست دادی

تو درد و رنج بسیاری کشیدی ولی روی برادر را ندیدی

چو دیدی بی کس و بی یار ماندی غمین خود را به شهر قم رساندی

تمام شیعیان با قلب مسرور به استقبال تو با شادی شور

به خاک مقدمت بوسه نشاندند ز بام خانه ها گل می فشاندند

ندیدی تو یقین در آن میانه اثر از کعب نی یا تازیانه

تو دیگر سیلی کافر ندیدی به روی نی سر دلبر ندیدی

ندیدی سنگ بر پیشانی اش را به روی نیزه قرآن خوانی اش را

ندیدی گریه های دختران را ندیدی سنگ بازی با سران را

ندیدی همنوا با آه و ناله به زیر دست و پا طفل سه ساله

اگر چه غصه و غم کم ندیدی نگاه تلخ نا محرم ندیدی

الا ای چهره ات ماه منیرم برای عمه ات زینب بمیرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم نعمتی

دیده بر راهم و با گریه کمی آرامم

محتضر، خسته از این بی کسی ایامم

ازهمان کودکی ام روزی من هجران شد

چهارده سال هم از وصل پدر ناکامم

از تو یک نامه فقط مانده برایم چه کنم؟

شده تسکین به همین نامه کمی آلامم

چقَدَر خوب شد اینجا سروکارم افتاد

میهمانِ قم و این سلسله ی خوش نامم

چشم ناپاک نیفتاده سوی محمل من

فکر آوارگی زینبو شهرِ شامم

جز سلام ،  از همه یک بی ادبی نشنیدم

سرِبازار ندادست کسی دشنامم

داغها دیدم اگر بی کس و تنها نشدم

دست بسته سرِ هر کوچه تماشا نشدم

عزتم را نشکستند خیالت راحت

غیرتم را نشکستند خیالت راحت

پَرِ خاکی ننشسته است روی چادر من

حرمتم را نشکستند خیالت راحت

مثلِ کوفه وسط خطبه ی من کف نزدند

صحبتم را نشکستند خیالت راحت

دست بر سینه مودب همه ره وا کردند

شوکتم را نشکستند خیالت راحت

با لگد باز نکردند درِ بیت النور

خلوتم را نشکستند خیالت راحت

قم کجا شام کجا غربت سادات کجا

سرِ بر نیزه و دروازه ی ساعات کجا

دخترِ فاطمه ! بازار! خدارحم کند

چادرِ پاره و انظار خدا رحم کند

ما که از کوچه فقط خاطره بد داریم

شود این حادثه تکرار خدارحم کند

یک و زن و قافله و خنده نامحرم ها

بر اسیران گرفتار خدا رحم کند

یک شبه پیر شدی یا زتنور آمده ای

یک سر و این همه آزار خدا رحم کند

گیسویت کم شده و این جگرم میسوزد

بر من و زلفِ خم یار خدا رحم کند

ظرفِ خاکسترِ یک عده هنوز آتش داشت

شعله افتاد به گلزار خدا رحم کند

زنی از بام صدا زد که کدام است حسین

نوبت من شده این بار خدارحم کند

یک نفر گفت اگر بغض علی را داری

سنگ با حوصله بردار خدا رحم کند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم نعمتی

تا که دل را آه سینه راهی قم می کند

با نگاهی بر ضریحت دست و پا گم می کند

آه چون از دل برآید کار آتش می کند

بی محابا رخنه ای در جان هیزم می کند

آن ضریحی که بود گرم طوافش جبرییل

حضرت حق قبله ی حاجات مردم می کند

هرکه دارد عقده در دل یاد قبری گمشده

هر سه شنبه در حریمت نذر گندم می کند

با سلامی نم نم اشک از دو دیده می چکد

کاسه ی خالی ما لبریز از خم می کند

نیمه شبها در حرم تا صحن گردی می کنم

ناگهان دل یاد قبله گاه هفتم می کند

لفظ خواهر گوییا مانوس گشته با بلا

خون زینب در رگان تو تلاطم می کند

کس ندیده تا به حالا خواهری گیسو پریش

جستجوی یار زیر نیزه و سم می کند

با وجودی که حدود مقتلش را دیده بود

بازهم جسم عزیز مادرش گم می کند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد جواد پرچمی

باز هم میشوم كبوترتان زیر این گنبد منورتان

من نمك گیر سفره ات شده ام دست خالی نرفتم از درتان

مادر من كنیزتان بوده پدرم نیز بوده نوكرتان

جای كرببلا و طوس و نجف شده ام خاك بوس محضرتان

ما عجم ها چقدر خوشبختیم شده ایران مسیر آخرتان

اشك هایم دخیل میبندند به ضریح فرشته پرورتان

از ضریح تو یاس می ریزد مثل چادر نماز مادرتان

چقدر از مدینه دور شدی پای دلتنگی برادرتان

خسته از راه دور آمده ای خسته ای از فراق دلبرتان

مثل مادر خمیده ای اما نگرفته به میخ در پرتان

محملت پرده داشت شكر خدا سایبان بوده بر روی سرتان

گرچه شد حمله بر عشیره ی تو شكر، غارت نگشت زیورتان

در میان هجوم دست نخورد دست نا محرمی به معجرتان

شد خزان گرچه نو بهار شما كم نشد لحظه ای وقار شما

غُصه ی از همه بریدن تو غم روی رضا ندیدن تو

گرچه آواره گشته ای خانم گرچه غم دارم از خمیدن تو

ناقه ات بین ازدحام نرفت بی خطر بود این پریدن تو

بی برادر میان كوچه ندید پشت مركب كسی دویدن تو

ثبت شد در جریده ی تاریخ قصه های به قم رسیدن تو

آمدی شهر قم گلستان شد پیش پایت زمین گل افشان شد

شهر قم بر تو احترام گذاشت پیش رویت فقط سلام گذاشت

پیر قم با بزرگ مردم قم سر به پای تو چون غلام گذاشت

بهر تو قم گذاشت سنگ تمام كِی دگر سنگ روی بام گذاشت

كی به قم دختر ولی خدا پای در مجلس عوام گذاشت

بهترین جای قم سرایت بود كِی میان خرابه جایت بود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی رحیمی

از دل بی تاب قم بعد از تو غم بیرون نرفت

از تنت تا بعد هفده روز، سَم بیرون نرفت

خانه ی «موسی» بدون طور،کوه نور شد

نور در واقع ز بیت النور هم بیرون نرفت

بعد شادی\_آن رفیق نیمه راه\_از سینه‌ام؛

هرچه گفتم غم برو ، غم از دلم بیرون نرفت

از همان روزی که با ذکر تو دم در سینه رفت

چونکه یا معصومه گفتم بازدم بیرون نرفت

چون دلم راهی مشهد گشت بر گرد ضریح

هم از این مجموعه بیرون رفت هم بیرون نرفت

درحقیقت این خودش اوج کریمه بودن است

مجرم از صحن تو حتی متهم بیرون نرفت

ای دل اندر صحن هایش از پریشانی منال

مُحْرِم از حد حریمش یک قدم بیرون نرفت

دست پُر گرچه نیامد هیچ کس اینجا،ولی

دست خالی هم کسی از این حرم بیرون نرفت

از حرم که هیچ، حتی شک ندارم زائرت؛

دست خالی از خیابان اِرَم بیرون نرفت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش پنجم؛ گلچین مجالس مداحان**

**فصل اول؛ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام**

ترک 01- روضه[[10]](#footnote-10)

دست اجل بار دگر اشتباه کرد

زهری بهار زندگیم را تباه کرد

آتش کشید بر همه اعضای جسم من

با خنده شعله های خودش را نگاه کرد

در تار و پود پیکر من رخنه کرده است

تا مغز استخوان مرا غرق آه کرد

اگر که چاک گریبان من زبان می داشت

خبر ز سوختن مغز استخوان می داشت

روزی که زهر شبی سیه تر میشد

بی حرمتی حریم حیدر میشد

هم بوته ی یاس را شکستند و هم

در دامن یاس غنچه پرپر میشد

یادم نمیره اون لحظه ای که مادرم از بین در و دیوار اول صدا زد یا رسول الله! یا ابتا! به دادم برس. بعد صدا زد پسرم مهدی کجایی... اما حرفُ عوض کرد؛ فرمود نه! هیچ کدوم نیاین، فضه تو بیا. فضه بیا بچمُ کشتن...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02- روضه[[11]](#footnote-11)

 یازده بار جهان گوشۀ زندان کم نیست

کنج زندان بلا گریۀ باران کم نیست

سامرایی شده ام راه گدایی بلدم

لقمه نانی بده از دست شما نان کم نیست[[12]](#footnote-12)

قسمت کعبه نشد تا که طوافت بکند

به دل کعبه همین داغ فراوان کم نیست

جان یازده بار به جای تو به مشهد رفتم

بپذیرش به خدا حج فقیران کم نیست[[13]](#footnote-13)

ظرف آب رو دادن دست آقا امام حسن عسگری انقده رعشه به این دست افتاد، چندین باراین کاسه آب خورد به دندون آقا..

زخم دندان تو و جام پر از خونابه

ماجرایست که در ایل تو چندان کم نیست

بوسه ی جام به لبهای تو یعنی این بار

خیزران نیست ولی روضه ی دندان کم نیست[[14]](#footnote-14)

من گمان می کنم همان لحظاتی که جام به لبها و دندانهای آقا اصابت میکرد، آقا زیر لب هی می گفت لا یوم کیومک یا ابا عبدالله... هیچ روزی مثل روز تو نیست. حسین جان مگه فرقش چیه؟! اینجا ضربه به لبها و دندان آقا می خورد، پسر سه چهار پنج سالشم داشت میدید. اومد ظرف رو گرفت آرام به لبهای بابا نزدیک کرد. کسی تعدی نکرد، کسی جسارت نکرد. اما گوشه ی مجلس یزید دیدن نازدانه هی رو پنجه ی پا بلند میشه عمه صدا صدای بابامه. بابام داره قرآن می خونه. این آقائه چرا با چوب میزنه؟!

کنار امام حسن یه چند نفر بودن مهدی رو بغل گرفتن، نوازش کردن. اما تو مجلس یزید وقتی زینب دید نازدانه مضطرب شد، بلند شد فریاد زد: بی ادب نزن! خودم دیدم این لبا رو بابام می بوسید. خودم دیدم این لبا رو مادرم می بوسید. خودم دیدم این لبها رو جدم رسول الله می بوسید. صدا زد آی تازیانه دارا این زن کیه با امیر اینجور حرف میزنه؟ چرا ساکتش نمی کنید؟ ریختن سر زینب...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03- روضه[[15]](#footnote-15)

باید که دنیا فصل در فصلش خزان باشد

وقتی که با تو آنقدر نامهربان باشد

ای کاش آقا میشد امشب زائرت باشم

جایی که فرزندت در آنجا روضه خوان باشد

دریایی از رنج و مصیبت موج خواهد زد

پای حسن هرگاه جایی درمیان باشد

وقتی حسن باشی دگر جای تعجب نیست

سقف مزار تو زمانی آسمان باشد

وقتی حسن باشی دگر جای تعجب نیست

وضعت میان خانه چون زندانیان باشد

وقتی حسن باشی دگر جای تعجب نیست

خون دلت از کنج لبهایت روان باشد

آری حسن بودی ولی هرگز ندیدی که

در کوچه روی مادرت چون ارغوان باشد[[16]](#footnote-16)

سخت است تشنه باشی و لبهای لرزانت

حتی برای آب خوردن ناتوان باشد

فرمود عقیل میری تو این حجره کناری گل پسرم رو می بینی، میری دستشُ می گیری میاری کنار بسترم. عقیل میگه اومدم دیدم آقایی مه پاره سر به سجاده گذاشته، انگشت سبابه به سمت آسمان گرفته، ایستادم نماز امام زمان تمام شد. گفتم آقازاده باباتون منُ فرستاده شما رو ببرم کنار بستر. از جا بلند شد حرکت کرد. تا در باز شد امام عسگری نگاهش به روی گل پسرش افتاد. صدا زد یا سید اهل بیته اسقنی الماء... منتظرم تو بیای ظرف آب رو به لبهام برسونی. امام زمان اومد ظرف آبُ آورد. اما انقدر دست بابا می لرزه از شدت زهر، دیدم این ظرف آب هی محکم به دندانهای مبارک می خوره...

هنگام برخورد لبت با کاسه ی آب است

وقت ادای روضه های خیزران باشد[[17]](#footnote-17)

باید بگیم آقاجان نتونستی خودت آب نوش جان کنی، اما آقازاده ات اومد کنار بستر آب به لبان نازنینت رسوند. اما نمی دونم در عالم مکاشفه یا در عالم رویا بود، اما کنار گودال شنید بابا داره براش می خونه عزیز دلم این روضه رو تو برسون به گوش گریه کنانم. بگو شیعتی مهما شربتم ماء عذب فاذکرونی او سمعتم بغریب او شهید فاندبونی...

من حسین سر جدایم سر بریده از قفایم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04- روضه[[18]](#footnote-18)

صحن و سرای پاک تو مسجود آسمان

قبر تو کعبه ی دل و صحنت مطاف جان

زوار هر شب حرمت صاحب الزمان

کوری چشم دشمنت ای قبله ی جهان

تنها نه سامره همه عالم دیار توست

هر جا رویم در بغل ما مزار توست[[19]](#footnote-19)

قبر مطهر تو اگر چه خراب شد

یا بر حریم تو ستم بی حساب شد

وان دلربا ضریح نهان در تراب شد

هر چند قلب شیعه از این غم کباب شد

هر روز قبه ی تو فروزنده تر بود

جاه و جلال و مرتبه ات زنده تر بود[[20]](#footnote-20)

شنیدید زهر دادن به آقا. هر کدوم از این زهرایی که به حضرات دادن هر کدوم یه خاصیت ویژه داره. آقا امام رضا رو زهر دادن چنان بی رمق شد، دیگه نمی تونست به راحتی راه بره. هی چند قدم میرفت دوباره رو زمین مینشست. زهری که به امام حسن مجتبی دادن سوده ی الماس بود. الماس برنده ترین شیء هست. شیشه رو با الماس می برن. الماس رو ریز کرد خدا لعنتش کنه ریخت تو آب حل کرد. تا امام مجتبی اون آب رو خورد از دهن که ریخت پایین از گلو رفت پایین همه رو برید. لذا وقتی که خواهرش طشت گذاشت بی بی هی لطمه میزد. داداش چی به روزت آوردن؟! هر کدوم از زهرها یه همچین ویژگیهایی داشت. دیگه حالا کاری ندارم زهری که به امام عسگری دادن، جوری شد تمام بدن شروع کرد به لرزیدن. رعشه افتاد به بدن امام حسن عسگری. پا می لرزید، سر می لرزید، دست می لرزید. وجود حضرت می لرزید. غرق عطش یه کاسه آب برداشت بخوره نمی تونست دست می لرزید دوباره می افتاد. اینجا بود صدا زد بگید مهدی بیاد. قربونش برم آقازاده اومد کنار بابا نشست کمک کرد آب رو به لبای بابا رسوند. یکی از علما ایشون میگفتن همچین که این کاسه رو به لبای بابا میرسوند هی زیر لب صدا میزد حسین.... دور از ذهنم نیست محبین آقا آب می خورن میگن حسین... قربون حسین گفتنت برم. آی جوونا گفتم ریختن خونه ی امام حسن. گفتم ارث برد از مادرش، ولی...

دشمن اگر چه برد به کاشانه ات هجوم

اما کسی نزد پس در همسر تو را

صدای ناله ی او را ز پشت در شنیدم من

خدا می داند از زینب خجالت می کشیدم من

غریبم من غریبم من

همین نفرین به لب باشد به دشت و کوه و صحرایم

الهی بشکند دستی که سیلی زد به زهرایم

یه روز به امام مجتبی گفتن آقا جانم شما پسر ارشدی از همه بیشتر بیتابی می کنی. شما باید کمک کنید بقیه رو آروم کنیم. شما خودت بیشتر از همه گریه می کنین دیرتر از همه آروم میشی. اشکای مبارکش ریخت. با گریه فرمود دست از دلم بردار اونچه من دیدم هیشکی ندید. بابام ندید، داداشم ندید، خواهرم ندید. من بودم تو کوچه... خودم دیدم اون بی حیا چجوری اومد جلو. خودم دیدم چجوری مادر میرفت عقب. خودم دیدم چجوری دست نامردش رفت بالا...

دیگه داریم می رسیم این همه رو خاکا نشین

بذار تا گوشوارتُ پیدا کنم از رو زمین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05- روضه[[21]](#footnote-21)

ای گرد کاروان تو را حسن مشتری

بر خسروان گدای تو را نیز برتری

کنیه ابا محمد نام خوشت حسن

ابن الرضا ولی خدا شهره عسگری

خاک حریم قدس تو را فیض عیسوی

عبد در تو را روش بنده پروری

یک آسمان ستاره زمین بوس آستان

صدها هزار مشتریت گشته مشتری

پایت در آسمان حرمت سرّ من را

از سر من رات بر افلاک رهبری

نام آوران برند به تجلیل از تو نام

پیغمبران کنند به مهرت پیمبری

با یک نسیم سامره ات می توان گرفت

فیض مسیح از دم بیمار بستری

حاشا که هر حسن، حسن عسگری بود

تو دیگر هستی و دگرانند دیگری

باید پدر تو باشی و مهدی بود پسر

بر این گوهر به جز تو کسی نیست گوهری

دردا که گشت معتمد سنگدل تو را

در هشتم ربیع نخست از ستمگری

جا دارد از برای تو گریند روز و شب

جن و ملک زمین و زمان حوری و پری[[22]](#footnote-22)

چرا گریه کنند؟! آخه گریه داره فرزند خردسال جون دادن باباشُ ببینه. یا صاحب الزمان سر بابا رو بغل کردی آری سر بابا رو به سینه چسباندی، اما دیگه سر بابات زخم نبود. آقا دیگه سر بابات خونی و خاکی نبود. آقا دیگه سر بابات محاسنش خضاب به خون نبود. یا صاحب الزمان سر باباتُ بغل کردی، اما دیگه رگاش بریده نبود. قربون اون دختری که نیمه شب سرُ بغل کرد...

بابا مگه نگفتی برمی گردم بیا می خوام دورت بگردم عمه رو خیلی خسته کردم

یا صاحب الزمان شما سر باباتونُ بر داشتید رو پا گذاشتید. اما سری که به بدن وصل بود. خود بابا کمک کرد لحظه ی آخر تو دامن شما... اما قربون اون دستای زخمی این دختر برم نمیدونم چه بلایی سر این سر آورده بودن، تنهایی سرُ بغل کرد به سینش چسبوند. فجعلت فمها الی فمه الشریف؛ لباش رو روی لبای باباش گذاشت...

دو نگاهی که داشتم همه عمر تا قیامت نرفته از یادم

نگه اولی که دل بردی نگه آخری که جان دادم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06- روضه[[23]](#footnote-23)

زهر افتاده به جان جگرم مهدی جان

لرزه افکنده ز پا تا به سرم مهدی جان

به لب خشک پدر جرعه ی آبی برسان

که من از سوز عطش شعله ورم مهدی جان

قبل از آنی که به دل زهر اثر بگذارد

کُشته از صحنه ی دیوار و درم مهدی جان

 لحظه ای نیست عزیزم که تداعی نشود

وقعه ی کرب و بلا در نظرم مهدی جان

قدح آب روان تا به لبت شد نزدیک

عطش اهل حرم زد شررم مهدی جان

بشکند دستی که با بغض علی سیلی زد

به رخ عمه ی نیکو سیرم مهدی جان[[24]](#footnote-24)

دستش داره می لرزه غلامشُ صدا زد. فرمود برو تو حجره عزیز دلمُ بگو بیاد. میگه وارد حجره شدم دیدم این آقازاده صورت به سجده گذاشته. انگشت سبابه رو بالا آورده داره دعا میکنه برا بابا. گفتم آقازاده باباتون صداتون میکنه. همچین که صورت برداشت صورت مثل قرص ماه... مودب اومد صدا زد مهدی جان... آخه هر چه کردن نتونست حضرت آب بخوره. فرمود پسرم می خوام تو به من آب بدی. آبُ گرفت جلو لبای تشنه و خونی بابا. بابای مظلومم... بابای غریبم... همین جا یه سوال می کنیم؛ یا صاحب الزمان سن و سالی نداشتی میدونم بابات جوون بود، میدونم اما تلاش کردی گفتی بابام تشنه از دنیا نره. من بمیرم برا اون آقایی که تشنه افتاد تو گودال.

 همه از خیمه ها بیرون دویدند ولی سالار زینب را ندیدند

یکی میگه ذوالجناح آقامُ چه کردی؟! یکی میگه ذوالجناح مولامُ چه کردی؟! یکی میگه ذوالجناح داداشمُ چه کردی؟! یه وقت دیدن یه دختر همه زنا رو کنار زد. همچین که اومد جلو ذوالجناح دیدن سکینه میخواد چه کنه. دستشُ بالا آورده. انداخت گردن ذوالجناح، اسب بابا میدونم بابامُ کشتن، اما ازت یه سوال دارم؛ بگو ببینم آیا به بابام آب دادن یا نه...

هر چه میگفت که من تشنه لبم سنگ زدند

ناله اش در دل کوفی اثری داشت نداشت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07- روضه[[25]](#footnote-25)

عزا گرفته یوسف زهرا یتیم شده سلاله ی طاها

بمیره نوکرت شدی تنها

سرت سلامت

یه عبد خسته داره می باره روزات دیگه مثل شبا تاره

از این عزا خدا عزاداره

سرت سلامت آقا

فدای شال ماتمت آقا فدای اشک نم نمت آقا

بذار بمیرم از غمت آقا

سرت سلامت

هوای آسمون شده بارون از این مصیبته چشا گریون

غریب بودن امام حسنهامون

آقام غریبه

برای غربتش دلم خونه غریبیشُ کسی نمی دونه

حتی مزارشم تو زندونه

آقام غریبه

با زهر کینه از همه سیر شد فداش بشم چه زود زمین گیر شد

جوون بود آقامون یهو پیر شد

براش بمیرم

پیرن سیا خدا نگهدارت شال عزا خدا نگهدارت

امام رضا خدانگهدارت

دلم گرفته

اگه که گریه کردم این شبها اجازه داده مادرت زهرا

حالا شبا کجا برم آقا

دلم گرفته

غریبی تو ما رو عاشق کرد برا تو مادر تو هق هق کرد

سه ساله تو خرابه ها دق کرد

برات بمیرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08- زمینه[[26]](#footnote-26)

دور از مدینه غصه دارم غربت شده همه کسم ای خدا

بار سفرُ بستم امشب میرم برا همیشه از سامرا

می سوزم میون بسترم رسیده نفس آخرم

تو جوونی دارم ای خدا می میرم شبیه مادرم

 آه می کشم با نفس شعله ورم

آه می کشم از غم مهدی پسرم

 آه غریبم ای خدا

کارم دیگه تمومه امشب اینجا منم و غصه و چشم تر

با کی بگم از این غریبی بودم توخونه حتی تحت نظر

درسته شیعه تو غربته تو کار خدا یک حکمته

دعا میکنم واسه ظهور که دیگه زمان غیبته

آه می کشم قبرمه پیش پدرم

آه می کشم از غم مهدی پسرم

آه غریبم ای خدا

مهدی بیاره ظرف آبی از زهر داره می لرزه دستای من

یاد ساقی کربلام و داره می باره اشک چشمای من

نمیره روی نیزه سرم نمیره اسیری خواهرم

شبیه حسین جدم دیگه نمیشه بی کفن پیکرم

آه می کشم تو روضه های آخرم

آه می کشم از غم مهدی پسرم

حسین وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09- زمینه[[27]](#footnote-27)

الا ای حجت خدا یا حسن نور کبریا

نداری این شبا توی سامرا زائری آقا

بمیرم برا دل آقایی که می ریزه اشک عزا برای تو

کاش میشد کنار آقامون همه سینه می زدیم تو سامرای تو

دلهامون غم داره اشکامون می باره جگرامون شده زغم پاره

یا امام الغریب مولانا حسن

من بمیرم که عمرتون مثل مادر چه کم گذشت

مثل اجداد پاکتون همه با درد و غم گذشت

وای از اون لحظه ای کز آتش زرد لرزه افتاد به پای تا سرتون

مثل شمعی که داره آب میشه قطره قطره آب شد پیکرتون

کشتۀ بیدادی از نفس افتادی یاد جدت حسین جان دادی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10- نوحه[[28]](#footnote-28)

امشب عالم زغم روضه خوان است

صاحب روضه صاحب زمان است

تسلیت یابن زهرا جان به قربانت آقا

تو سیه پوشی از داغ بابا در کجا روضه ات گشته بر پا

گریه می بارد نگاهت من فدای اشک و آهت

یابن زهرا یابن زهرا

وقت زاری و نوحه گری شد

ماتم حضرت عسگری شد

غربتش بیکران بود خسته از این و آن بود

مثل زندان برایش جهان بود شد زمین گیر اگر چه جوان بود

قلب شیعه بیقرارش مانده در غربت مزارش

یابن زهرا یابن زهرا

گر چه بر خاک حجره فتاده

شکر حق تشنه لب جان نداده

فاطمه سینه زن شد سامرا بی حسن شد

گر چه مظلوم دور از وطن شد شکر لله که آخر کفن شد

این نوای عالمین است بی کفن تنها حسین است

وا حسینا واحسینا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11- واحد[[29]](#footnote-29)

بیا مهدی جان کنارم که در حال احتضارم

دم آخر بین بستر برایت دلشوره دارم

امان از غم فردای مهدی

امان از دل تنهای مهدی

امان از مصیبتهای مهدی

غریبم غریب سامرایم

شبیه زهرا جوانم غریبی برده امانم

خدایا این زهر کینه زد امشب آتش به جانم

خدایا خزانی شد بهارم

به سینه نفس دیگر ندارم

کنار پدر باشد مزارم

غریبم غریب سامرایم

اگر می سوزد تن من شده وقت رفتن من

شبیه جدم به غارت نرفته پیراهن من

به صحرا نمانده پیکر من

بریده نگشته حنجر من

اسیری نرفته دختر من

غریبم غریب سامرایم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12- واحد[[30]](#footnote-30)

نور دل پیغمبری سلطان ملک دلبری

ای آیه های کوثری جانم امام عسگری

ای مقصد دلدادگی در عزت و آزادگی

بر هر دو عالم سروری جانم امام عسگری

ای جان فدای غربتت در اقتدار و هیبتت

چون ذوالفقار حیدری جانم امام عسگری

کلام تو نور هدی از همه ی خوبان سری

مات تو ذات کبریا جانم امام عسگری

اگر چه عاصی و بدم با اشک چشمم آمدم

زنم به خانه ات دری جانم امام عسگری

به سر هوای سامرا منم گدای سامرا

به آه و چشمان تری جانم امام عسگری

سوز دلم از غم تو زنده شده از ماتم تو

داغ علی اکبری جانم امام عسگری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13- شور[[31]](#footnote-31)

غریب سامرا حبیب آشنا

برای تو زبون گرفته امشب آسمون

عزیز فاطمه عزیز مصطفی

چرا بهار عمر تو دیگه شده خزون

امام عسگری

مولا امام عسگری آقا امام عسگری

مثل امام مجتبی تنها امام عسگری

مظلوم امام عسگری مسموم امام عسگری

میره از این دیار غم مغموم امام عسگری

به یاد مادرش دمای آخرش

می خونه نوحه زیر لب به یاد کوچه ها

که مادرُ زدن یه عده بی حیا

خزونی شد شکوفه ی تموم غنچه ها

به یاد کوچه ها

مولا امام عسگری آقا امام عسگری

مثل امام مجتبی تنها امام عسگری

بارون امام عسگری محزون امام عسگری

مثل حسین و بچه هاش دلخون امام عسگری

سیه شده هوا شبیه کربلا

ببین که تشنه پر زده رو خاک حجره ها

نه زیر دست و پا نه روی نیزه ها

نمیشه روضه ای مثل شهید سر جدا

به روی نیزه ها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم؛ ولادت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام)**

ترک 01- شعر[[32]](#footnote-32)

کار کساد من به دعای تو پا گرفت

معراج چشمهای توزدست مرا گرفت

قبل از رسیدن تو بت قلب من شکست

تو آمدی و کعبه من را خدا گرفت

عطرت اویس قرن ساخت از من و

جان مریضم از نفس تو شفا گرفت

پیغمبر حرا شده ای تو نیامده

زهرا شبیه سیب به قلب تو جا گرفت

باید جهان جهان مجدد بیاورد

شاید دوباره مثل تو احمد بیاورد

عرض دعا به محضرتو می برم زیاد

دور و بر تو ریخته بال و پرم زیاد

ای لعل آن لب شکرینت شراب من

بوی تو را گرفته لب ساغرم زیاد

خال سیاه تو حجرالاسود من است

دارم به عشق روی تو حب حرم زیاد

من دست و پا شکسته فقط دوست دارمت

همچون بلال هم بخری از سرم زیاد

ایمان و دین و هرچه که دارم از آن توست

حال تو کرده حال نماز مرا درست

من غوره ام به باده بدل می کنی مرا

تلخم شبیه جام عسل می کنی مرا

هوش و حواس و خواب و خوراکم پریده است

چون خواب دیده ام که بغل می کنی مرا

اصلا به عرش می بری و ناز می کشی

اصلا گدای کوچه محل می کنی مرا

محو خدا شدی و شدم محو روی تو

داری میان آینه حل می کنی مرا

طاق بهشت را دل آواره ام نخواست

چون قوس عرش طاق دو ابروی مصطفاست

دیدیم تاج و تخت سلیمانی تو را

خواندیم آیه های مسلمانی تو را

حاتم گدای خانه سلمان شده است چون

دارد به دست قیجی سلمانی تو را

هم می کشیم صورت خود را به خاک پات

هم می چشیم مزه دربانی تو را

تو سفره ات وسیع تر از هردو عالم است

دادند دست فاطمه مهمانی تو را

عین هم اند احمد و صدیقه با علی

شد کلنا محمد و ما کلنا علی

اسفند ماست دور سر تو علی علی

دایم دعای هر سفر تو علی علی

تو شهرعلم هستی و خود گفته ای که هست

 کلا صدای زنگ در تو علی علی

وقت خوش و بش تو و زهرا عبادت و

راز و نیاز مختصر تو علی علی

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

ترک 02- شعر[[33]](#footnote-33)

خوبان روزگار حقیر محمدند

خورشید و ماه هردو اسیر محمدند

پیغمبران تمام بشیر محمدند

یک جلوه از جمال منیر محمدند

آفتاب و خیل رسل اختر آمده

عید امام صادق و پیغمبر آمده

ای آمنه تو خود صدف کل سرمدی

ز این رتبه بر زنان عالم سرآمدی

بنت وهب، نه مام گرامی احمدی

اینک به خود ببال که ام محمدی

هستی محیط نور از این گوهر آمده

عید امام صادق و پیغمبر آمده

اینست آنکه بتکده زیر و زبر کند

زانگشت خویش معجزه شق القمر کند

خود را تمام عمر چراغ بشر کند

شام سیاه عالمیان را سحر کند

در دامن تو مهر جهان پرور آمده

عید امام صادق و پیغمبر آمده

امشب رسل رسول خدا را صدا زنند

بتها به کعبه دم ز رسول خدا زنند

هریک دم از ثنای محمد جدا زنند

دست دعا به دامن آن مقتدا زنند

گویند بت شکن ز سوی داور آمده

عید امام صادق و پیغمبر آمده

ای بتگران ترانه توحید سر دهید

این مژده بر تمامی نسل بشر دهید

از لحظه شکستن بتها خبر دهید

پیغام از ولادت پیغامبر دهید

ظلمت رها کنید که روشنگر آمده

عید امام صادق و پیغمبر آمده[[34]](#footnote-34)

شب عید است ای پیمبر حق

کن اجابت تو این دو خواهش را

اول ازلطف خویش کن نابود

در جهان فتنه های داعش را

دوم از فتنه های وهابی

کن تهی کعبه نیایش را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03- شعر[[35]](#footnote-35)

شمس رویت همیشه تابنده است

ابرویت ذوالفقار برنده است

دلت از مهر و عشق آکنده است

نام احمد تو را برازنده است

یا محمد که هردو زیبنده است

مست جامت شدم خدا را شکر

صید نامت شدم خدا را شکر

بعد رامت شدم خدا را شکر

و به نامت شدم خدا را شکر

هراسیری به تو پناهنده است

خانواده به خانه محتاج است

مو پریشان به شانه محتاج است

مرغ بر آب و دانه محتاج است

نوکرت بی بهانه محتاج است

دست لطفت ز بس که بخشنده است

زینت دوش تو حسین و حسن

عطر تو برده عطر و بوی وطن

شاهد حرف من اویس قرن

بتکان بازهم عبا، دل من...

بر همین عطر دلنشین بند است

خطبه های فصیح تو دریاست

خنده های ملیح تو غوغاست

سینه ما ضریح تو اینجاست

رحمتی و شبیه تو زهراست

نامتان هم مرا خوشایند است

چشم تو کرده بر دلم اثبات

من کجا خواندن از شما هیهات

پس نوشتم به جای ابیات

بر محمد وآل او صلوات

این دعا ضامن فرستنده است

سوره خواندی و از ولی خواندی

هرکجا بی معطلی خواندی

سنگ هم خوردی ولی خواندی

آیه آیه علی علی خواندی

شاهد حرف من خداوند است

بستر تو که جای هرکس نیست

پس خلافت برای ناکس نیست

لایق مسند شما پس نیست

غیر خیبر شکن که رزمنده است

حشر حق است پس اجل حق است

راه توحید از ازل حق است

الحق این حق چون عسل حق است

حق علی و علی مع الحق است

حق علی را به قلب ما کنده است

میوه داده است اشک و آه علی

دوجهان شیعه شد سپاه علی

مذهب صادق است راه علی

مثل موجی به تکیه گاه علی

مکتب جعفری خروشنده است[[36]](#footnote-36)

وارد مدینه شد سوال داشت. دیر آمد. گفت از پیغمبر اکرم سوال دارم. گفتن دیر آمدی برو از این آقا سوال کن. علی را نشونش دادن. هرچی سوال کرد امیرالمومنین واضح و مستدل و مستند جواب عنایت فرمودند. طرف آخرش نگاه به امیرالمومنین کرد. گفت پیغمبر از دنیا رفته؟ فرمود بله. پس شما پیغمبر نیستی ؟ فرمود : انا عبد من عبید محمد.. پیغمبر اکرم فرمود من رو خدا تربیت کرده. علی رو هم من تربیت کردم...

غم و غصه دوباره تحریم است روز میلاد و روز تکریم است

شب شب و روز عرض تبریک و لحظات قشنگ تعظیم است

بدهم مژده ای به خسته دلان عشق آمد زمان ترمیم است

صبح صادق ظهور خواهد کرد حال و روز زمانه بدخیم است

می رسد آن امام خوبی که کار و بارش همیشه تعلیم است

سردبیر مراجع دنیا و خدایی خدای تحکیم است

موسم عشق و شور و شادی شد جبرئیل بازهم منادی شد

آیت الله اعظمی در راه پادشاه معظمی در راه

حجت الله عالم هستی و امام مکرمی در راه

فاطمه طینتی بدون بدن و علی مجسمی در راه

بندگان خدا هراسی نیست که ولی مسلمین در راه

باشد و نورش آشکار و جلیست جعفرابن محمد ابن علیست

مژده بوی بهار می آید بوی دیدار یار می آید

بوی مولود شهر پیغمبر بوی زلف نگار می آید

به گمانم که روشنی بخش همه شبهای تار می آید

پسری از سلاله زهرا مایه افتخار می آید

صاحب علم و حلم و فضل علی وارث ذوالفقار می آید

ششمین پادشاه ملک زمین ششمین شهسوار می آید

پیر و استاد مکتب شیعه صاحب اقتدار می آید

سوی ما خاکیان مسافر عرش چقدر با وقار می آید

سومین نسل پاک صلب حسین عشق پروردگار می آید

ششمین پادشاه عالمین آمد نوه ی حضرت حسین آمد[[37]](#footnote-37)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04- شعر[[38]](#footnote-38)

مسجد یکی مناره یکی و اذان یکی است

قبله یکی کتاب یکی آرمان یکی است

مارا به گرد کعبه طوافی است مشترک

یعنی قرار و مقصد این کاروان یکی است

فرموده است واعتصموا لا تفرقوا

راه نجات خواهی اگر ریسمان یکی است

توحید حرف اول دین محمد است

اسلام ناب در همه جای جهان یکی است

مکر یهود عامل جنگ و جدایی است

پس دشمن مقابلمان بی گمان یکی است

سنی و شیعه فرق ندارد برایشان

وقت بریدن سرمان تیغ شان یکی است

سادات پیش اهل تسنن گرامی اند

اکرام و احترام به این خاندان یکی است

دشمن دسیسه تو به جایی نمی رسد

تا آن زمان که رهبر بیدارمان یکی است

عمریست بیقرار به سر می بریم ما

بر این قرار تا نفس آخریم ما

ما را به سر هوای شهیدان بی سر است

از سر گذشته ایم چو بر این سریم ما

نام حسین محشر عظمای جان ماست

جان دادگان زنده این محشریم ما

محشر بپا کنید به فریاد یا حسین

امروز لشگر شه بی لشگریم ما

ما را به دست پرچم شور و بصیرت است

با عشق و شور همدم و هم سنگریم ما

ما امت نه دی و اهل حماسه ایم

مرد جهاد و هم قدم حیدریم ما

حرف ولی ماست که من انقلابی ام

در راه انقلاب ز جان بگذریم ما

با طلحه و زبیر بگوییم تا ابد

عماروار همنفس رهبریم ما

"الفتنه اشد من القتل" خوانده ایم

هرگز ز جرم فتنه گران نگذریم ما

با فاتحان بدر ز سازش سخن مگو

امروز رهسپار دژ خیبریم ما

چشم انتظار منتقم آل مصطفی

چشم انتظار معرکه ی آخریم ما

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05- شعر[[39]](#footnote-39)

زمین به لرزه درآمد شکست کنگره ها

رها شدند خلایق ز بند سیطره ها

شبی که آتش آتشکده فروکش کرد

شبی که خاتمه می یافت رقص دایره ها

صدای همهمۀ موبدان زرتشتی

هنوز مانده به گوش تمام شب شب پره ها

شب ولادت فرخنده بهاری سبز

شب وفات زمستان سرد دلهره ها

دوباه نور و طراوت به خانه ها آمد

نسیم آمد و واشد تمام پنجره ها

جهان به یمن حضورش بهشتی از برکات

نثار مقدم پر خیر و برکتش صلوات

ستاره ها به نگاهی شدند سلمانش

منجمان مسلمان برق چشمانش

ز انبیاء الهی که رفته تا معراج

به غیر از او که ملائک شدند حیرانش

مقام بندگی اش را کسی نمی داند

پیامبران اولوالعزم مات ایمانش

شکوه ذکر سماوات را بهم می ریخت

نماز نیمه شب و شور صوت قرآنش

اویس های قرن را ندیده عاشق کرد

تبسم لب داوودی غزل خوانش

شفیع روز جزا گشت و حضرت حق داد

به دست پاک پیمبر کلید رضوانش

امیر و قافله سالار کاروان نجات

نثار مقدم پر خیر و برکتش صلوات

مسیح مکه شد و نبض مرده را جان داد

به مرگ دخترکان قبیله پایان داد

خرافه های عرب را اسیر حکمت کرد

به جای تیغ جهالت به عشق میدان داد

نماز شکر سپیدارها چه دیدن داشت

همان شبی که سپیده اذان باران داد

نبی است پیر خرابات و ساقی اش حیدر

در ابتدا به علی او شراب عرفان داد

تبسمش به کسی چون بلال عزت داد

مسیر اصلی دین را نشان انسان داد

چقد فاصله مان تا بهشت کمتر شد

برات مردم ایران به دست سلمان داد

شب تجلی مهتاب روشن عرصات

نثار مقدم پر خیر و برکتش صلوات

کبوتری نشدم تا کبوترش باشم

دخیل گنبد سبز و مطهرش باشم

زمان نداد اجازه تا مشق عشق کنم

غلام مساله آموز منبرش باشم

چقدر دیر رسیدم سر قرار وصال

نخواست که عمار محضرش باشم

قبول! شیعه خوبی نبوده ام اصلا

نشد که حلقه به گوش برادرش باشم

خدا کند که مرا از قلم نیندازد

بهشت مست می جام کوثرش باشم

به حال و روز خودم فکر می کنم انگار

قرار بوده که گریان دخترش باشم[[40]](#footnote-40)

مرحوم مفید نقل میکنه میگه فردای قیامت همه امتها به پیغمبرای خودشون پناه می برن. هر امتی، امت حضرت نوح به حضرت نوح، امت حضرت موسی به حضرت موسی. هر امتی پغمبر خودشُ صدا می زنه. همه امتها پیغمبر خودشونُ صدا می زنن. به پیغمبر خودشون پناه می برن. پیغمران امم مختلف پیغمبر مارو صدا می زنن. می دونستی پیغمبر ما اولین حرفش تو محشر چیه؟! همه به پیغمبر ما پناه آوردن. اما پیغمبر ما به یه نفر دیگه پناه می بره صدا میزنه خدا فاطمه ام کجاست ؟ بعد مادرم که میاد وسط محشر ندا میرسه فاطمه یه خواسته ای یه حاجتی از من خدا بخواه. اول حرفی که مادر میزنه میگه خدا دلم برا حسینم تنگ شده....

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06- شعر[[41]](#footnote-41)

زمین آسمان مکه آن شب نور باران بود

و موج عطر گل در پرنیان باد می پیچید

امید زندگی در جان موجودات می جوشید

هوا آغشته با عطر شفابخش بهاران بود

شبی مرموز و رویایی

 به شهر مکه مهد پاک جانان دختر مهتاب می خندید

شبانگه ساحت ام القرا در خواب می خندید

ز باغ آسمان نیلگون صاف و مهتابی

دمادم از ستاره می شکفت و آسمان پولک نشان می شد

صدای حمد و تهلیل شباویزان خوش آهنگ

به سوی کهکشان می شد

دل سیاره ها در آسمان میل طپیدن داشت

و دست باغبان آفرینش در چنان حالت

سَر گل آفریدن داشت

شگفتی خانه ی ام القرا در انتظار رویدادی

شب جهل و ستمکاری به امید طلوع بامدادی

سراسر دستگاه آفرینش اضطرابی داشت

و نبض کائنات از انتظاری دم به دم میزد

همه سیاره ها در گوش هم آهسته می گفتند

که امشب نیمه شب خورشید می تابد

ز شرق آفرینش اختر امید می تابد

درآن حال آمنه در عالم سرگشتگی می دید

به بام خانه اش بس آبشار نور می بارد

و هردم یک ستاره در سرایش می چکد رنگین و نورانی

ازین قدرت نمایی هانصیب او شگفتی بود و حیرانی

در آندم مرغکی را دید با پرهای یاقوتی و منقاری زمرد فام

که سویش پرکشید از بام

 در صحن و سرا پر زد

و پرهای پرندین را به پهلوی زن درد آشنا سایید

به ناگه درد او آرام شد آرام

به کوته لحظه ای گرداند سر را آمنه با هاله ی امید

تنش نیرو گرفت و در دلش نور خدا تابید

چو دید آن حاصل کون و مکان و لطف سرمد

دو چشمش برق زد تا دید رخشان چهره احمد را

شنید از هر کرانه عطر دل آویز محمد را

سپس بشنید این گفتار وحی آمیز

الا ای آمنه ای مادر تقوا

الا ای آمنه ای مادر پیغمبر خاتم

سرایت خانه توحید ما باد و مشیّد باد

سعادت همره جان تو و جان پیمبر باد

بدو بخشیده ایم ای آمنه ای مادر تقوا

صدای دلکش داوود و حب دانیال و عصمت یحیی

به فرزند تو بخشیدیم کردار خلیل و قول اسماعیل و حسن چهره ی یوسف

شکیب موسی عمران و زهد و عفت عیسی

بدو دادیم خُلق آدم و نیروی نوح و طاعت یونس

وقار و صولت الیاس و صبر بی حد ایوب

بود دلبند تو محبوب بود فرزند تو یکتا

سراسر پاک سراسر خوب

دو گوش آمنه بر وحی ذات پاک سرمد بود

دو چشم آمنه در چشم رخشان پیمبر بود

که ناگه دید روی دخترانی آسمانی را

به دست این یکی ابریق سیمین

درکف آن دیگری طشت زمرد بود

دگر حوری پرندی چون گل مهتاب در کف داشت

پیمبر را چو مروارید غلطان شستشو دادند

سپس از آستین کردند بیرون دست قدرت را

زدند از سوی درگاه خداوندی

میان شانه های حضرتش مهر نبوت را

سپس در پرنیانی نقره گون آرام پیچیدند

از آنجا آسمانی دختران بر عرش کوچیدند

همان شب قصه پردازان ایرانی خبر دادند

که آمد تک سواری در مدائن سوری نوشروان

و گفت ای پادشه آتشکده ی آذر گشسب ما

که صدها سال روشن بود خاموش شد خاموش

یه یثرب یک یهودی بر فراز قله ای فریاد سر داد

که امشب اختری تابنده پیدا شد

و این اختر نجم درخشان فرزند عبدالله

نوین پیغمبر پاک خداوند است

و انسانی کرامند است

یکی مرد عرب اما بیابان گرد و صحرایی

قدم بگذاشت در ام القرا این شعر خوش برخواند

که ای یاران مگر دیشب به خواب مرگ پیوستید

چه کس دید از شما آن روشنان آسمانی را

که دید از مکه آن ماهتاب پرنیانی را

زمین آسمان مکه دیشب نور باران بود

هوا آغشته با عطر شفا بخش بهاران بود

بیابان بود و تنهایی و من دیدم

که از هر سو ستاره در زمین ما فرود آمد

به چشم خویش دیدم ماه را از جای خود کندند

زهر سو در بیابان عطر مشک و بوی عود آمد

بیابان بود و من اما چه مهتاب دل آرایی

بیابان بود و من اما چه اخترهای زیبایی

بیابان رازها دارد ولی در شهر این اسرار پیدا نیست

بیابان نقش ها دارد که در شهر آشکارا نیست

کجایی ای عرب ای ساربان پیر تنهایی

کجایی ای بیابان گرد روشن رای بطحایی

که اینک بر فراز چرخ بینی نام احمد را

ودر هرموج بینی عطر گلبانگ محمد را[[42]](#footnote-42)

ای به جمع انبیا بالا نشین حلقه اهل نبوت را نگین

خاتم تایید ادیان خدا فتح باب عشق ختم المرسلین

از همه معشوقه ها معشوق تر در میان عاشقان عاشق تری

دلنوازی دلنوازی دلنواز نازنینی نازنینی نازنین

یا پیمبر صاحب خلق عظیم یا پیمبر رحمت للعالمین

بر زبان تو تلکم دلرباست بر لبان تو تبسم دلنشین

در سکوتت صد سخن حرف عمیق در نگاهت نطق های آتشین

می زدی خنده به روی بردگان می شدی با مستمندان هم نشین

سنگ فرش مرقد سرسبز تو آسمان آبی عرش برین

می گذارد سر به راه تو تا رود معراج جبریل امین

هرکه با پای دل آید سوی تو شک ندارم می شود اهل یقین

زیر دستت پا گرفت و جلوه کرد آنکه بودش دست حق در آستین

تا ببینی خویش را در آینه میشدی محو امیرالمومنین

انکار خدای ازلی نتوان کرد تفریق پیمبر از ولی نتوان کرد

ماتم که علی را به چه تشبیه کنم تشبیه علی به جز علی نتوان کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07- سرود[[43]](#footnote-43)

زلالی آرزوهامون تجلی کرد توی چشمامون

شکفته شد گل شادی به عشق تو رو لبهامون

دل دیوونه ام مست تولای محمد شد

سرشک شادی من شعر زیبای خوش آمد شد

مولا یا رسول الله آقا یا رسول الله

یها اومد بهار اومد دوباره گل به بار اومد

شده دلها رها از غم بده مژده که یار اومد

برای اهل دل ازچشم خود نور جلی دارم

منم پیغمبری که در کنار خود علی دارم

مولا یا رسول الله آقا یا رسول الله

صفا اومد مصطفی اومد همه نور انبیا اومد

واسه عیدی دلم میگه یه سفر دیگه کربلا اومد

بر این عید ولادت هم جمال دیگری بخشید

خدا بر صبح صادق جلوه های جعفری بخشید

بنگر نور احمد جعفرابن محمد را

مولا یا رسول الله آقا یا رسول الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08- سرود[[44]](#footnote-44)

روی دستای زمین عرش اعلا رو ببین

خبر اومد اومده رحمت للعالمین

شب شب عشقه و تب تب شوره و دل شده خونه شیدایی

غصه دیگه بسه آقایی می رسه با لقب اباالزهرایی

حک شد رو عرش اعلا اومده به دنیا

جد مطهر سید الشهدا

مولانا یا احمد یا احمد

توی دلهره های شب سحر شادی دمید

برای ختم ستم نبی خاتم رسید

پا به زمین زده یک نفر اومده دین خدارو کامل کرده

هرچی بدی بوده هرچی ستم بوده یکجا همه رو باطل کرده

صلی الله علی حی سرمد اباالقاسم احمد

شمس جمال نورانی محمد

مولانا یا احمد یا احمد

مدینه دور از غم پر شور و همهمه

کی به دنیا اومده جعفرابن فاطمه

هرکی فقیرت هرکی اسیرت ازهمه جهان آزاده

لحظه نیت لحظه حاجت لحظه دلای آماده

شیعه جعفری می مانیم باز امشب می خوانیم

منتظر ظهمر صاحب زمانیم

مولانا یا احمد یا احمد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09- سرود[[45]](#footnote-45)

تویی که بهانه تمام خلقتی نبی رحمتی نبی رحمتی

تویی که نگین خاتم نبوتی نبی رحمتی نبی رحمتی

یوسف و خضر و عیسی چه مشتاق تو

عالمی پرشد از عطر اخلاق تو

رشک جنت میشن گلهای باغ تو

چه بی همتایی پناه مایی اباالزهرایی

مدد یا مولا

تویی که بهار گلشن حقایقی توصبح صادقی تو صبح صادقی

روشنایی بخش این دلای عاشقی توصبح صادقی تو صبح صادقی

منبرت داره اعجاز پیغمبری

دین حق زنده از مذهب جعفری

تویی که وارث عزت حیدری

تویی روح و جان سراپا ایمان تمام قرآن

مدد یا مولا

کوچه ها پراز شمیم مهر و رافته بهار وحدته بهار وحدته

موسم برادری و عید رحمته بهار وحدته بهار وحدته

عزت دین اسلامُ هرکس می خواد

راهشه همدلی راهشه اتحاد

تا که صبح ظهورِ آقامون بیاد

ایشالا از راه میاد مثل ماه بقیه الله

مدد یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10- سرود[[46]](#footnote-46)

درای آسمون رحمت وا شد عرش الهی رو زمین پیدا شد

فخر نبیین ابالزهرا شد دلم غوغا شد

آسمون مکه ستاره بارونه

خورشیدُ آورده آمنه تو خونه

شده ذکر هر دل مبتلا مدد یا نبی مدد مصطفی

سیدنا یا رسول الله سیدنا یا رسول الله

تشنه ام و راهی شدم تا دریا نگاهم افتاده به گنبد خضرا

اینجا زمینه یا که عرش اعلا مدد یا مولا

حرم قشنگت قبلۀ دلا شد

اذن دخول ما علی و زهرا شد

شب نور و شب رحمته شب ناجی همه امته

سیدنا یا رسول الله سیدنا یا رسول الله

خنده روی لبای ما شد بی حد تو آسمون عشق سپیده سرزد

رئیس مکتب تشیع اومد آقام خوش اومد

شیعه تا قیامت مدیون این آقاست

یا حضرت صادق ترانه لبهاست

تو این غربت شبای ربیع دلم پرزده برای بقیع

مولانا یا حضرت صادق مولانا یا حضرت صادق

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11- سرود[[47]](#footnote-47)

می نویسم ترانه به خط بارون می نوسم برا تو با حس مجنون

می نویسم به روی بال پرستو به نیابت از همه دلای حیرون

سلام من به تو به اسم دلربای تو

سلام من به تو به خیل عاشقای تو

سلام من به تو یا رسول الله

سلام من به تو به لهجه پر از خدات

سلام من به تو به لحظه لحظۀ دعات

سلام من به تو یا رسول الله

دل منُ برده آقاجون مرام تو می دونی اسیرم اسیر کلام تو

دهنمُ خوشبو می کنم به نام تو

می نویسم به ترنم بهاری می نویسم با دلم با بیقراری

می نویسم که تو خیرالانبیایی همه خوبیا رو تو تنهایی داری

سلام من به تو به اون دل بی کرونت

سلام من به تو به چشمای مهربونت

سلام من به تو یا رسول الله

سلام من به تو به فاطمه دختر تو

سلام من به تو به مرتضی دلبر تو

سلام من به تو یا رسول الله

دل منُ برده گنبد خضرای تو زندگیمُ میدم آقا رونمای تو

بدرقه راهم کاش باشه دعای تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12- سرود

آسمون بالا شده ستاره بارون

روی سر اهل عالم می باره بارون

دیگه غصه و غم سر اومده آخه میگن پیمبر اومده

ضربان قلب عاشق اینه یا علی یا زهرا یا محمد

دیگه ندارم غمی به ولله همه چی ردیفه با محمد

سیدنا رسول اکرم

غلامی دختر تو شد افتخارم

صدقه سر فاطمه است هرچی که دارم

میگم دوباره بی معطلی منم عبد محمد و علی

همه می دونن نفس پیمبر علیه که رحمان و رحیمه

نبی اومده بگه به عالم که علی صراط مستقیمه

سیدنا رسول اکرم

اومده به دنیا بازم منبع پر شور

اومده امام صادق نور علی نور

بازم خنده روی لب اومده آخه رئیس مذهب اومده

به کوری دشمناتون آقا دلُ به غم شما می بازیم

باظهور منتقم یه روزی برای شما حرم می سازیم

سیدنا رسول اکرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13- شور

امشبی که آسمونا بیقراره خدا یه گل محمدی می کاره

همه جا ندا پیچیده یا محمد باتو هرکی باشه غصه ای نداره

یا رسول الله علت خلقتی یا رسول الله آیه رحمتی

یا رسول الله پدر امتی

توی محشرم ما رو نمیره یادت خونواده من غلام خونه زادت

همه زندگیمُ من از تو دارم آقا زندگیم فدای دختر و دومادت

می دونی هستم نوکر فاطمه نوکر زهرا سرور عالمه

با علی هستم بی نیاز از همه

ماه شادی همه ماه ربیعه خوش به حاله هرکی زائر بقیعه

شب میلاد رئیس مکتب ماست بهترین شبه برای بچه شیعه

همه داراییم این دل عاشقه شورو حال من از همون سابقه

اگه اسلامُ از پیمبر دارم دین و ایمانم از امام صادقه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14- شور

مکه بهشت عالم شد مولد حضرت خاتم شد

از قدوم پاک نبوت شور و شادی فراهم شد

سر زد افق مشرقین اومد عزیز عالمین

بابا برای فاطمه جد اربابمون حسین

یا حبیب الله یا محمد

می باره نور از آسمونا غوغا شده تو کهکشونا

صلوات بر احمد و آلش شده ذکر پیر و جوونا

نور جمال حق دمید جهل و ستم به سر رسید

از شوق روی مصطفی دل تا مدینه پر کشید

 یا حبیب الله یا محمد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم؛ ولادت امام حسن عسکری علیه السلام**

ترک 01- شعر[[48]](#footnote-48)

کم گفتن از مقام کریمان درست نیست

غافل شدن زحرمت آنان درست نیست

وقتی که سقف روی سر ما کشیده اند

ماندن به زیر بارش باران درست نیست

سختی کشیدن اول سیر و سلوک ماست

سیر و سلوک راحت وآسان درست نیست

وقتی که دست یار گره باز می کند

واکردنش به زور و به دندان درست نیست

اصلا که گفته راه به مورش نمی دهد

این حرفها پشت سلیمان درست نیست

با یازده هزار گناه آمدیم ما

از شوق زنگ یازدهم را زدیم ما

تو آمدی و درد دوا شد به راحتی

جبریل هم برای تو پاشد به راحتی

سرمایه دار کرده ای اهل مدینه را

خاکی که داشتند طلا شد به راحتی

از برکت تو بود که روزی به ما رسید

حاجات ما نگفته روا شد به راحتی

ابن الرضای سومی و از قبال تو

هر نوکری گدای رضا شد به راحتی

سجاده پهن کردی و گرم دعا شدی

قبله برای قبله بنا شد به راحتی

ای حج نرفته سعی و صفا و حرم تویی

بیت الحرام خانۀ تو کعبه هم تویی

وقتی برای ما زدن در همیشگیست

پس گوشه چشم شاه به نوکر همیشگیست

ای حیدری ترین حسن خاندان عشق

درتو ظهور هیبت حیدر همیشگیست

یک درهمی که نذر تو کردم هزار شد

لطفت به ما هزار برابر همیشگیست

ما زیر سایه ی تو و سید محمدیم

بر ما محبت دو برادر همیشگیست

ردم کنی به خانه ی دیگر نمی روم

این ارتباط ما به تو آخر همیشگیست

مشغول پای بوسی آقاست هرچه هست

لطف امام عسگری ماست هرچه هست

ساعات قلب عاشق و ساعات سامرا

ما خیر دیده ایم ز خیرات سامرا

درهیچ جای دیگر دنیا ندیده ایم

آن لذتی که هست در اوقات سامرا

خاکی شدیم در حرم و پاک تر شدیم

اینگونه است نوع کرامات سامرا

ما را همین گداشدن ما بزرگ کرد

آقا شدیم تحت عنایات سامرا

دیدیم آن زمان که حرم شد بدون سر

ازکربلا درست شده ذات سامرا

آقای من به عالم امکان نگین تویی

انگیزه ی زیارت هر اربعین تویی

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

ترک 02- شعر[[49]](#footnote-49)

ما بنده ایم گرم تمنای اهل بیت
   در سینه ام نشسته ردپای اهل بیت
دل بسته ام به وعده ی فردای اهل بیت
   برپای سفره های حسن های اهل بیت
خاک مرا به دست کریمان سرشته اند
یعنی غلام نام حسن ها نوشته اند

امشب در آسمان علی ماه می رسد
کهف الورای دیگری از راه می رسد

شیری ز بیشه ی اسدالله می رسد
یوسف به شوق دیدنش از چاه می رسد
در خانۀ امام زمان بزم شادی است
لبخند شوق بر روی لبهای هادی است

زیباترین بیان زبان منی حسن
تو رهبرا مام زمان منی حسن
یک شرط ازشروط اذان منی حسن
تودومین امام جوان منی حسن
این پنجشنبه ها که به نام توخورده اند
ما را به پای بوس ضریح تو برده اند

باهرپیاله باده زدن عاشقت شدم
باجذبه های نام حسن عاشقت شدم
وقتی شنیدم ازتوسخن عاشقت شدم
با هر فراز جامعه من عاشقت شدم
مستبصر بشانکم آوای قلب ماست
طیباً لخلقنا، گِل ما ازگِل شماست

فهم کسی نمی رسد آقا به ساحتت
ده پشت تو امام، فدای اصالتت
اجداد من تمام اسیر عنایتت
قسمت نبود کعبه بیاید زیارتت
این کعبه ای که رتبه اش ازعرش برتر است
از سینه چاکهای قدیمی حیدر است

دلهای شیعیان همه درانحصارتو
عالم تمام درکنف اختیار تو
هرمومنی نشانه اش ازاعتبار تو
دردست من عقیق یمن یادگار تو
بس باشد از شما که به ما می رسد همین
طعم خوش زیارت ایام اربعین

باید به روی قبر تو مرقد درست کرد
ابن الرضا برای تو مشهد درست کرد

یک صحن ویک رواق مجدد درست کرد
مانند کاظمین دوگنبد درست کرد
کی می شود دوباره پراز توشه ات شوم
من غرق اشک، زائرشش گوشه ات شوم

هرکس که رفته دیدن صحن و سرایتان
آتش گرفته است وجودش برایتان
افتاده است پرچم گلدسته هایتان
مثل مدینه شد حرم سامرایتان
حس می کندکسی که رسیده به محضرت
بوی بقیع و چادر خاکی مادرت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03- شعر[[50]](#footnote-50)

الا که موسم شادی و همدلی آمد

زمان ناد علیاً سینجلی آمد

زمین سامره را سینه منجلی آمد

دهم ولی خداوند را ولی آمد

که دومین حسن از چهارمین علی آمد

بر آن علی به گل روی این حسن صلوات

ولّی ذات خدا شاه انس و جان است این

جهان جان نه، که جان همه جهان است این

چراغ اهل زمین ماه آسمان است این

به جسم شرع و تن اهل دین روان است این

امام ما پدر صاحب الزمان است این

بر آن امام و بر این صاحب زمن صلوات

چراغ دیده رخ دلربای این پسر است

تمام عالم خلقت برای این پسر است

چو ذات حق به دل خلق جای این پسر است

دل شکسته دلان آشنای این پسر است

سخن اگر به مدیح و ثنای این پسر است

به صفحه و قلم و منطق و سخن صلوات

وزیده بوی گل مهر او ز هر چمنی

نیافریده خداوند همچو او حسنی

خوشا زبان و خوشا منطق و لب و دهنی

که در ثنای وجودش برآورد سخنی

به یاد رویش هر جا که هست انجمنی

سزد که خلق فرستد بر انجمن صلوات

سلام خلق و درود خدا به جان و تنش

فدای لیلة میلاد و صبح آمدنش

جمال آینة ذات حیّ ذوالمننش

به باغ وحی دمد بوی گل ز پیرهنش

وجود مهدی موعود سرو نسترنش

به باغبان و بر این سرو نسترن صلوات[[51]](#footnote-51)

آنقدر آمدند و گرفتارتان شدند
خاک درت شدند وهوادارتان شدند
زیباترین اهالی دنیای عشق هم
یوسف شدند وگرمی بازارتان شدند
لطف شماست اینکه تمامی انبیا
بالاتفاق سائل دربارتان شدند
آنها که پای منت چشم کریمتان
بی سر شدند تازه بدهکارتان شدند
این بالها که زیر تب عشق سوختند
خاک تبرک در و دیوارتان شدند
نفرین به آنکه مهر تو را سرسری گرفت
یا هر که حاجت از حرم دیگری گرفت

آنکه مرا فقیر حرم می کند تویی
یک التماس پشت درم می کند تویی
آنکه در این زمانه بی اعتبارها
با یک سلام معتبرم می کند تویی
آنکه برای پر زدن سامرایی ام
هرشب دعا برای پرم می کند تویی
آنکه مرا برای خودش، خانۀ خودش

با یک نگاه دربه درم می کند تویی

آنکه تورا همیشه صدا می کند منم

آنکه مرا همیشه کرم می کند تویی
شکرخدا گدای امام حسن شدم
خاکی ترین کبوتر باغ حسن شدم

ای جلوۀ خدایی بی انتها حسن

خورشید روشن سحر سامرا حسن

بی تو عبودیت به خدا بت پرستی است

نور خدا مکمل توحید ما حسن

امشب عروج زخمی بال مرا ببر

تا سامرا ، مدینه ، نجف ، کربلا ؛ حسن

در بین خانواده زهرای مرضیه

باید شوند تمام علی زاده ها ؛ حسن

زنجیره ی محبت زهراست دین من

با یک حسین و چار علی و دوتا حسن

سوگند می خوریم خدا لشگری نداشت

روی زمین اگر حسن عسگری نداشت

تو کیستی که سائل تو جبرئیل شد

دسته فرشته پای ضریحت دخیل شد

تو کیستی که جدّ نجیب پیمبرت

مهر تو را به سینه گرفت و خلیل شد

تو کسیتی که حضرت موسی عصا به دست

ذکر تو را گرفت اگر مرد نیل شد

اصلی که پا گرفت بدون تو فرع فرع

فرعی که پا گرفت کنارت اصیل شد

تنها خدا به خانه ی تو آفتاب داد

بعدا تمام زندگی ات نذر ایل شد

امشب دعا کنید ظهوری کند مرا

تا اینکه میهمان حضوری کند مرا

امشب دعا کنید بیاید نگار ما

آیات روشنایی شبهای تار ما

امشب دعا کنید بیاید در این خزان

فصل گلاب فاطمه فصل بهار ما

امشب دعا کنید بیاید گل خدا

تا اینکه این بهار بیاید به کار ما

امشب دعا کنید بیاید ز راه دور

مرکب سوار آل علی تک سوار ما

آنکه اگر نبود دل فاطمی نبود

حتی نبود گریه سجاده یار ما

زهرا هنوز دست به پهلو دعا کند

با پهلوی شکسته خدا را صدا کند[[52]](#footnote-52)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04- سرود[[53]](#footnote-53)

آسمون امشب برا تو گل می باره

روی دست امام هادی مژده بهاره

ابر کرامت رو سر دنیا اومد

مدینه بی قراره آروم و قرار نداره

شبای شیدایی امیر دلهایی

عزیز زهرایی بنازم من چه آقایی

برا دلم تنها تو دلبری خدارو شکر ماها رو می خری

حبیبنا مولانا عسکری

روی نیازُ در خونت آوردم

آقا یه عمره نون و نمک سفرتُ خوردم

بادست خالی همیشه با یه حلی

برای زندگیم روزیمُ از پیش تو بردم

تو شوق پروازم به عشقت می نازم

به تو دل می بازم با دوری تو می سازم

دلم می خواد با این کبوترا بیام پیشت از مشهدالرضا

کنار اون ایون سامرا

قاصدک امشب یه خبر می رسونه

دوباره خنده رو لبای صاحب الزمونه

خبر رسیده رو آسمون فرشته

دلای عاشقا رو دست لیلی می رسونه

دلم شد پابندت اسیر لبخندت

فدای فرزندت دلُ دادم به دلبندت

تو این دلم شوق زیارته نگاه تو عین سعادته

امید من محشر شفاعته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05- سرود[[54]](#footnote-54)

بدونید آقام تاج سر و من خاک پاشم

ایشالا یه همچین شبی رو سامرا باشم

از نور آقامه که دل غرق نوره

باز دنیا چراغون از فیض حضوره

بازم تو دلم چه شوری به پاست

من اینجا هستم و دل توی سامراست

دلدار و دلبری مولا یا عسکری

ببینید گل خنده رو تو لحظه شادی

به روی لب پر شعف حضرت هادی

تا امشب دخیله باز دستای من شد

باز نقش دل من یا مولا حسن شد

به عشقت بازم دلم مبتلاست

من اینجا هستم و دل توی سامراست

دلدار و دلبری مولا یا عسکری

یه عمره که تو دستای پر مهرش اسیرم

نشستم که از دست آقام عیدی بگیرم

هر لحظه دل من شد بی تاب آقام

هم محتاج عشقم هم محتاج آقام

بازم دامنش تو دستای ماست

من اینجا هستم و دل توی سامراست

دلدار و دلبری مولا یا عسکری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06- سرود[[55]](#footnote-55)

توی میخونه می زنم باده که دوباره قلب بچه شیعه ها آزاده

می گیرم عیدی از خود زهرا که خدا بهش دوباره یک حسن داده

پسر حضرت زهرا من خاطرخواه نگاتم

از در خونت نمیرم چون گدای سامراتم

خدا نوشته به روی دلا اباالمهدی

سلام ما به شه سامرا اباالمهدی

آرزوم اینه با شما باشم الهی منم شهید سامرا باشم

کاش بشه آقا از کنار تو شب جمعه زائر کرببلا باشم

تا که اسم تو رو میگیم تن دشمنات می لرزه

یه شهید نوروزی تو به همه دنیا می ارزه

 خدا نوشته به روی دلا اباالمهدی

سلام ما به شه سامرا اباالمهدی

به سر زلفت من گرفتارم نمی ترسم از قیامت تا تو رو دارم

کم نمی ذاری واسه ما آقا به تو و به خوبیات خیلی بدهکارم

دنیا نذر قدماته جبرئیلم خاک پاته

نه فقط فرشته ها که خدا هم محو چشاته

جنازمُ می برن وادی السلام علی

علی امام من است و منم امام علی

تا توی میدون میرسه از راه میزنه نعرۀ هو انا ولی الله

زلزله میشه زیرپاش وقتی خدا هم به ضرب شصتش میگه ای والله

ای قرار دل زهرا خوشی فاطمه ای تو

تو برای ما نگهدار سیدعلی خامنه ای رو

مدافعان حرم کشته مرام علی

علی امام من است و منم غلام علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ وفات حضرت معصومه سلام الله علیها**

ترک 01- روضه[[56]](#footnote-56)

اگر چه بال پریدن به آسمان داری

فرشته ای و به روی زمین مکان داری

نه از فرشته هم انگار برتری بانو

چرا که دختر موسی ابن جعفری بانو

رسیده از حرمت بیشمار رحمتها

اگر به پای تو افتاده اند بهجتها

در بهشت که نه بی گمان بهشت اینجاست

نوشته اند حریم تو مرقد زهراست

چراغهای حریمت ستاره و ماه است

چقدر گوشه ی هر صحن آیت الله است

نشسته ایم و به لب اشفعی لنا داریم

اگر چه بر سر سجاده ربنا داریم

قرار بود قرار دل رضا باشی

چگونه می شود آخر از او جدا باشی

قرار بود بیایی ولی توانت رفت

به شوق وصل به زهر فراق جانت رفت

غریب می روی و هیچ کس کنارت نیست

تمام زندگی ات، هستی ات کنارت نیست

زنان طوس به جای تو خواهری کردند

اگر چه نجمه نبوده است مادری کردند

گمان نکن که شود باز کربلا تکرار

قرار نیست رود خواهری سر بازار

نه طوس کرب و بلا باشد و نه قم کوفه

نه شهر شام و نه آن روضه های مکشوفه

سری به نیزه ندیدی به پیش چشمانت

طناب داغ اسارت ندیده دستانت

کسی که داغ برادر کشید زینب بود

کسی که ناله ی مادر شنید زینب بود

غروب بود همین که رسید در گودال

تمام موی سرش شد سفید در گودال

 از اینطرف روی نیزه سر برادر رفت

از آنطرف پی یک گوشواره لشکر رفت

بس است تا به قیامت مصیبت زینب

شکست قلب زمین از اسارت زینب

شکست قلب زمین و زمان به تنگ آمد

به سمت معجر زینب همینکه سنگ آمد[[57]](#footnote-57)

اومدن شیعیان امام خودشون رو رسوندن به خواهر امام. با چه عزتی بی بی رو سوار بر محمل کردن. وقتی برادراش رو به شهادت رسوندن، دیگه نذاشتن به خود این خواهر بی احترامی بشه. هر کسی یه جوری التماس میکرد بی بی جان بیا خونه ی ما نوکریتُ بکنیم. آفرین بر این مردم! آفرین به وفای این مردم. شما از نسل همون مردم هستین. انشاالله وفادار پای مولاتون می مونین. الهی بمیرم این یه خواهر امام بود، اما وقتی زینب رو وارد شهر شام کردن یه عده نانجیب تو شهر آماده بودن. رقاصه ها اومدن کنار این ناقه ها می رقصیدن. یه عده از بالای بام سنگ می زدن...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02- روضه[[58]](#footnote-58)

ای دُر یم عصمت یا حضرت معصومه

ای فاطمه ی عترت یا حضرت معصومه

ای خاک رهت جنت یا حضرت معصومه

ای سایه ی تو عفت یا حضرت معصومه

قم از یم تو رحمت یا حضرت معصومه

محتاج دمت حکمت یا حضرت معصومه

تو در حرم موسی انسیه ی حورایی

انسیه ی حورایی محبوبه ی یکتایی

محبوبه ی یکتایی ممدوحه ی طاهایی

ممدوحه ی طاهایی ریحانه ی بابایی

ریحانه ی بابایی آیینه ی زهرایی

در صورت ودرسیرت یا حضرت معصومه

تنها نه محیط قم ایران به تو می نازد

عصمت به تو می نازد ایمان به تو می نازد

عصمت به تو می نازد قرآن به تو می نازد

تفسیر و اصول دین عرفان به تو می نازد

جن و ملک و حور و انسان به تو می نازد

بانوی همه خلقت یا حضرت معصومه

شمس قمر و انجم جن و ملک و انسان

حور و پری و غلمان هم مالک و هم رضوان

هم عالم و هم حاکم هم بنده و هم سلطان

دارند به تو چشم لطف و کرم و احسان

گیرند ز تو حاجت یا حضرت معصومه

نبود عجب ای بانو شاهی به گدا بخشی

وز گرد حریم خود بر روح شفا بخشی

بر روح شفا بخشی بر سینه شفا بخشی

حاجات خلایق را از لطف و عطا بخشی

بر خلق زمین بخشی بر اهل سما بخشی

داری ز حق این قدرت یا حضرت معصومه

ای بانوی نه افلاک ای مادر اهل قم

ای خاک حریم تو تاج سر اهل قم

ای کوثر فیض تو در ساغر اهل قم

آید ز نسیمت جان در پیکر اهل قم

گلدسته ی صحنینت روشنگر اهل قم

ای قم حرم امنت یا حضرت معصومه[[59]](#footnote-59)

از محملت نظر کن و بین ازدحام را

این شور و شوق گفتن بانو سلام را[[60]](#footnote-60)

مامون کجا و جاه ولیعهد فاطمه

داده خدا به مسندتان این مقام را

باران گل گرفته و فریاد می زنند

این شهر زیرهرقدمت احترام را

هم دختر امامی و هم عمه امام

هم خواهری چو زینب کبری امام را

با روضه هات بغض دل شهر پاره شد

داری بنا که زنده کنی یاد شام را

یاد حضور زینب و جشن یهودیان

یاد سر بریده و بزم حرام را

آباد بود گرچه همه خانه های شام

کارش کشید گوشه ی ویرانه های شام[[61]](#footnote-61)

شهر قم ویرانه نداشت. دختر موسی بن جعفرُ بردن بهترین محله شهر. دختر امامُ خرابه نبردن. خیلی فرق بود بین این خواهر امام و اون خواهر امام. اینجا خرابه نبود، اینجا تازیانه نبود، اینجا سنگ نبود، اینجا مجلس حرامیان نبود...

برادر تو به دستت امانتی نسپرد

میان قافله خورشید نازدانه نداشت

در آن سیاهی شب دست می کشد زینب

به گیسوان همان دختری که شانه نداشت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03- روضه[[62]](#footnote-62)

ماه از برکت نور تو جلا می گیرد

عرش از یمن قدمهات صفا می گیرد

چه شلوغ است مسیر تو همه منتظرند

جبرئیل آمده در راه تو جا می گیرد

یک نفر نیست در این شهر که بیمار تو نیست

تو چه کری که دوا از تو دوا می گیرد

تو دلیل همه ی معجزه هایی بانو

ساکن طور زدست تو عصا می گیرد

تو همان فاطمه ی ام ابیهایی که

فضه از خاک قدمهاش طلا می گیرد

صاحب باطنی پنجره فولاد تویی

دست به دامان رضا از تو شفا می گیرد

بی سبب نیست شما جلوه اسرار شدی

اولین فاطمه هستی که حرم دار شدی

همچو پروانه ای و در طلب سوختنی

می شود گفت شما یک تنه یک پنج تنی

ما چرا دست گدایی به غریبه ببریم

با شما هم وطن هستیم غریب وطنی

می شود بی تو امور شدنی ناشدنی

می شود با تو همه ناشدنی ها شدنی[[63]](#footnote-63)

بی سبب دست به خیری نشده شهره ی تو

سفره های تو شبیهند به خوان حسنی

غم مخور لحظه ی آخر که برادر داری

دست و پا می کند انگار برایت کفنی

قسمت این بود که قم صاحب دریا بشود

این حرم هم حرم حضرت زهرا بشود[[64]](#footnote-64)

روی قبرم بنویسید که خواهر بودم

سالها منتظر روی برادر بودم

روی قبرم بنویسید جدایی سخت است

این همه راه بیایم تو نیایی سخت است

یوسفم رفته و از آمدنت بی خبرم

سالها می شود از پیرهنش بی خبرم

روی قبرم بنویسید ندیده رفتم

با تن خسته و با قد خمیده رفتم

بنویسید همه دور و برم ریخته اند

چقدر دسته ی گل روی سرم ریخته اند

چقدر مردم این شهر ولایی خویند

که سرم را نشکستند خدایی خوبند

بنویسید در این شهر سرم سنگ نخورد

به خداوند قسم بال و پرم سنگ نخورد

چادرم دور و برم بود و به پایی نگرفت

معجرم روی سرم بود و به جایی نگرفت

من کجا شام کجا زینب بی یار کجا

من کجا بام کجا گوچه و بازار کجا[[65]](#footnote-65)

خدا هرکی خواهر داره براش نگه داره. هرخواهری برادر داره براش نگه داره. از شما یه سوال می کنم اگه با خواهرت تو حرم داری میری، اما میگی برگرد اینجا مردا زیادن از یه جای دیگه گذر کن. حالا کس و کار منُ کسی نمی شناسه. وقتی زینب چهار ساله بود، امیرالمومنین صدا زد حسن جان روشناییها رو خاموش کن. چرا؟! فرمود نمی خوام چشمی قد و بالای زینبُ ببینه. خبر دارین زینبُ تو شام دور محملشُ نامحرما گرفتن. یه وقت دیدن یه نگاه به سر بریده کرد. تا رسید به یه سری که از همه زخمی تره. یه نگاه کرد گفت عباس! کجایی که ببینی ناموستُ مجلس یزید می برن...

از سرنی حرف می زنه نگاه تو با دل من

تو به این نیزه دار بگو دور نشه از محمل من

من فدات شم حلال من یه نگاه کن به حال من

دل زینب تو موهات خونه کرده زلف تو رو مادرم شونه کرده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04- روضه[[66]](#footnote-66)

اهل ایران چقدر خوشبختند که شد اینجا مسیر آخرتان

اشکهایم دخیل می بندند به ضریح فرشته پرورتان

از ضریح تو یاس می بارد مثل چادر نماز مادرتان

مثل مادر خمیده ای اما نگرفته به میخ در پرتان

محملت پرده داشت شکر خدا سایبان بوده بر روی سرتان

گر چه شد حمله بر عشیرۀ تو شکرغارت نگشت زیورتان

شد خزان گر چه نوبهار شما کم نشد لحظه ای وقار شما

شهر قم بر تو احترام گذاشت پیش رویت فقط سلام گذاشت

پیر قم یار بزرگ مردم قم سر به پای تو چون غلام گذاشت

بهر تو قم گذاشت سنگ تمام کی دگر سنگ روی بام گذاشت[[67]](#footnote-67)

کوچه به کوچه که بردنش انقدر گل می ریختن تو کوچه های قم یه نفر سر راهشُ نگرفت. از هر کوچه رفتن مردم ادب کردن. ای روزگار الهی بمیرم برا اون دختر دیگه امام... زینبم خواهر امام بود، هر جا رفت سنگ بردن بالای بام. انقد برات بگم سر داداشش رون ی داره قرآن می خونه، یه عده نامرد سنگ برداشتن هم خواهر و هم برادر... الهی بمیرم که امام سجاد فرمودند طناب آوردن یه سر طنابُ به گردن من، یه سر دیگه اش رو به بازوی عمه جانم.. یکی یه دور طنابُ گردن بچه ها بین من و عمه می زدن... می کشیدن... می بردن... بین این بچه ها یه سه ساله است گردن کوچولوش طنابه، هی می افتاد می زدنش...

بردن بی بی رو خونه ای که سادات زیاد مثل شیر دور و بر خونه بودن. یه غریبه هم راه نداد.ن چرا که دختر حضرت زهراست. اما خود زهرا دور تا دور خونه رو هیزم چیدن.

یه عالمه زخم، یه عالمه دود، یه عالمه هیزم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05- روضه[[68]](#footnote-68)

یک صبح می شود که برایم دعا کنی

یا نیمه شب به شوق نمازم صدا کنی

مرغ دل از قفس تن به در کشی

در آسمان صحن و سرایت رها کنی

ما را به پادشاهی عالم در آوری

یعنی که در حریم بلندت گدا کنی

امروزه کاینچنین به کرامت زبان زدی

تا رستخیز بهر شفاعت چها کنی

تو زائر مدینه ای و طوس می روی

ما را ببر که زائر قبر رضا کنی

اینجا که آمدی سخن از تازیانه نیست

حرفی ز بی وفایی و ظلم زمانه نیست

 به نیت دیدار برادر از مدینه حرکت کرد. یادش میاد اون روزی رو که میخواد از مدینه حرکت کنه. همه رو گفت آمدن صدا زد برا من گریه کنین. آقا پشت سر مسافر خوب نیست گریه کردن. فرمود گریه کنید. اون مسافری که به وطن برمیگرده نباید پشت سرش گریه کرد. حضرت معصومه حرکت کرد با برادرا، خاندان، اهل بیت. شهر ساوه دشمنای اهل بیت اومدن جلوشون. برادراشُ کشتن، خاندانشُ به شهادت رسوندن. مریض شد این صحنه ها رو دید. فرمود من رو به قم ببرید. خدارو شکر یه جای نزدیک بود بهش پناه ببری خانم جان. آخه فرمود از پدرم شنیدم که موسی بن جعفر فرمود قم محل شیعیان ماست. راهی هم از ساوه تا قم نبود. فدای عمه جانت بشم عصر روز یازدهم جایی نداشت بره. همه رو به زور سوار کرد. کجا میخوان ببرنت زینب؟! بی بی حضرت معصومه وارد قم شد. مریضه، مردم قم همه جمع شدن همه احترام کردن. همه دست ادب به سینه گذاشتن. موسی بن خزرج بزرگ خاندان اشعری آمد خودش افسار ناقه بی بی رو گرفت. پیرمرد پیاده راه می رفت دختر موسی بن جعفر سواره بود.آی بی بی جان میدونی شهر شام چه خبر بود؟! همه جمع شدن، اما کسی دست ادب به سینه نذاشت. مردای شام دستاشونُ مشت کرده بودن. سنگ آماده کرده بودن. کسی ناقه ی دختر علی رو هدایت نکرد. همه تازیانه ها آماده بود. بی بی جان ای کاش من شهر شام بودم وقتی اون دستای نامرد بلند میشد یه دستُ نگه می داشتم می گفتم نزن. این دخترا تازیانه کم نخوردن، سیلی کم نخوردن...

در دستهای مردم شهر تو سنگ نیست

یعنی سلام مردم تو وحشیانه نیست

سیلی نزد کسی به رخ داغدار تو

اینجا خبر ز خون دل و درد شانه نیست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06- روضه[[69]](#footnote-69)

ای دختر و خواهر ولایت آیینه ی مادر ولایت

در عرض و سماء ملیکه در قم آرام دل امام هفتم

معصومه به کنیه به عصمت افتاده به خاک کائنات عفت

در کوی تو زنده جان مرده بر خاک تو عرش سجده برده

بر قصر تو جبرئیل حاجب زوار تو را بهشت واجب

گفتند و شنیدند ز آغاز کز قم به جنان دری شود باز

حاجت نبود مرا بر آن در قم باشدم از بهشت بهتر

قم قبلۀ خازن بهشت است اینجا سخن از بهشت زشت است

قم شهر مقدس قیام است قم خانه ی یازده امام است

قم شهر مدینه تو بتولش صحنین تو مسجد الرسولش

گر فاطمه دفن شد شبانه نبود ز حریم او نشانه

کی گفته نهان ز ماست آن قبر من یافته ام کجاست آن قبر

آن قبر که در مدینه شد گم پیدا شده در مدینه ی قم

مریم به برت اگر نشیند این منظره را مسیح بیند

سازد به سلام سرو قد خم اول به تو بعد از آن به مریم[[70]](#footnote-70)

روزی که به قم قدم نهادی قم را شرف مدینه دادی

آن روز قرار از ملک رفت ذکر صلوات تا فلک رفت

تابید چو موکبت ز صحرا شهر از تو شنید بوی زهرا

بر خاک درت ز عجز و ناله می ریخت سرشک همچو لاله

با گریه ی شوق و شاخه ی گل بردند به ناقه ات توسل

دل بود که بود محفل تو غم گشت به دور محمل تو

آن پیر که سید زمان بود رویش همه را چراغ جان بود

گردید به گرد کاروانش شد پای پیاده ساربانش

بردند تو را به گریه هودج تا خانه ی موسی بن خزرج[[71]](#footnote-71)

از شوق توای بتول دوم قم داد ندا به مردم قم

کای مردم قم به پای خیزید از هر در و بام گل بریزید

 آذین به بهشت قم ببندید ناموس خدا مرا پسندید

 قم شام نبود تا که بر آن دشنام دهد کسی به مهمان

قم شام نبود تا که از سنگ گردد رخ میهمان ز خون رنگ[[72]](#footnote-72)

گیسو به دست باد رها کردنت بس است

این گونه ای ستاره ی من دیدنت بس است

راست به روی نیزه ولی بی تعادل است

یک سنگ هم به نیت افتادنت بس است

بس که بر حال علی بیداد رفت

داستان کربلا از یاد رفت

خصم بد آئین به جای احترام

کرد اعلان بر یهودیهای شام

کین اسیران عترت پیغمبرند

وین زنان از خاندان حیدرند

این سر فرزند پاک حیدر است

روز روز انتقام خیبر است

این سخن تا بر یهود اعلام شد

شام ویرانتر از شام شد

 آنقدر آل پیمبر را زدند

دختران ناز پرور را زدند

خنده های فتح بر لب می زدند

چنگها بر قلب زینب می زدند

این به زین العابدین دشنام داد

این یکی بر نیزه دار انعام داد

آن جنایت پیشه با خشم تمام

زد بر آن سر سنگی از بالای بام

آن سر آن آئینه ی حق الیقین

اوفتاد از روی نیزه بر زمین[[73]](#footnote-73)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07- زمینه[[74]](#footnote-74)

دم آخر بی تو چش من گریونه سفر سخت من ناتموم می مونه

دیدی منُ کشت آخر جدایی کارم تمومه رضا کجایی

خواه رتو آخر از پا افتاد تو دیار غربت تنها جون داد

حالا که خواهر از دیدنت محرومه تو بیا تا اینجا دیدن معصومه

جونی برای سفر ندارم بیا که از تو خبر ندارم

خواهر تو اومد دنبال تو ولی بی خبر موند از حال تو

واسۀ معصومه شب اشکه امشب زیر لب می خونه چی کشیده زینب

تموم لشکر دور برادر کنار گودال رسیده مادر

یه بدن بی سر بین گودال خواهری که پیشش رفته از حال

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08- زمینه[[75]](#footnote-75)

دنبال تو داداش تا اینجا دویدم اما تو رو هیچ وقت ندیدم

من کو به کو با اشک بار غم کشیدم اما تو رو هیچ وقت ندیدم

من اومدم مثل بارون شدم بی تو چه بی سامون شدم

مثل مادرم قدکمون شدم

من اومدم ولی تنها شدم مثل خود زهرا شدم

ببین که به راهت فدا شدم

توی این قفسم می گیره نفسم چجوری رو خاک غربت بمیرم

تو قرار منی تو بهار منی بیا تا ببینمت راحت بمیرم

وای وای وای

یادت که نرفته من کسی ندارم سر رو شونۀ کی بذارم

وقتی که تو نیستی خیلی بیقرارم سر رو شونۀ کی بذارم

تو همه جا بوی پیراهن توئه نشون از بودن توئه

آرزوم دیدن توئه

یه خواهرم به تو وابستم ای داداش به تو دل بستم ای داداش

می بینی خستم ای داداش

شده بسته پرم می سوزه جگرم بیا تا اینکه دستاتُ بگیرم

دم جون دادنم می سوزه بدنم توکنارم باشی راحت می میرم

وای وای وای

با اینکه تو غربت روز من شده شب اما امون از قلب زینب

تو نیستی و جونم اومده روی لب اما امون از قلب زینب

فدای اون خواهری که تو کربلا می دید از رو بلندیا

یکیُ زیر دست و پا

می دونم غریبم اگه بی حبیبم ولی جسم تو رو بی سر ندیدم

اگه تو قفسم می گیره نفسم ولی من غارت معجر ندیدم

حسین حسین حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09- زمینه[[76]](#footnote-76)

تو رفتی و شد دلم کم طاقت شده سهم من فراق و حسرت

الهی آخر فدات شه خواهر چقدر تنهایی تو شهر غربت

موندم من با غروبای مدینه آخه خواهر چطور آروم بشینه

وقتی داره غریبیتُ می بینه ای جانم

جانم جانم رضا رضا یا رضا

شدم راهی تا کنارت باشم قرارم باشی قرارت باشم

نشد دیدارت نصیبم اما امیدم این بود که یارت باشم

عمر یاست با اینکه خیلی کمه اما جونم فدای رهبرمه

اشک چشمام می خونه یا فاطمه یا زهرا

زهرا زهرا یا زهرا یا فاطمه

امون از غربت امون از غمها غریبه شیعه توی این دنیا

هنوزم خونها می ریزه ناحق به جرم عشق علی و زهرا

شده شور حق تو دلها برپا برامون هرروز شده عاشورا

تو رگهاست خون بریر و عابس فدایی می شیم برای مولا

یک عمر رفته ولی هنوز دنیا داره حال و هوای کرببلا

ذکر لبهاست عزیز زهرا بیا یا مولا

مولا مولا عزیز زهرا بیا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10- زمینه[[77]](#footnote-77)

با اشک دونه دونه غریبونه

به راه افتادم دنبالت خبر ندارم از حالت

غم داره دل زارم بی قرارم

نمیره یادت از یادم دل به دل زینب دادم

رفتی نگفتی خواهرت بی تو پریشون میشه

رفتی نگفتی بعد تو چشام پر از خون میشه

رفتی نگفتی دست و پام بعد تو بی جون میشه

چشام پر از خون میشه

دلم آروم نداره چشام ابر بهاره

کاشکی یکی برا من ازت خبر بیاره

وای وای وای وای

می گردم تو بیابون با دل خون

شاید تو رو پیدا کردم روضه برات برپا کردم

از دنیا دل بریدم می دویدم

شبیه زینب تو صحرا تو بستر افتادم حالا

داره دلم از داغ تو دیگه بی سامون میشه

دیگه شبام بی تو اخا شام غریبون میشه

چشم انتظارت آخرش پاره گریبون میشه

دیگه بی سامون میشه

بیا چشم انتظارم خیلی دلشوره دارم

بی تو این روز آخر رو زمین سر می ذارم

وای وای وای وای

می میرم ای برادر جان خواهر

به پای دردای زینب فدای غمهای زینب

می ریزم اشک حسرت توی غربت

برای اشکای زینب برای آقای زینب

جون دادی تو غربت اگه نشد تنت آزرده

اصلا کجا جسمت داداش نیزه و شمشیر خورده

اصلا کجا عمامتُ کسی غنیمت برده

نشد تنت آزرده

حرمتت مستدامه داداش غرق در احترامه داداش

اما جدت رو خاک و خواهرش بزم شامه

وای وای وای وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11- زمینه[[78]](#footnote-78)

حلقه به گوش دم درم شهره در این جا به نوکرم

کاسه به دست بچه های حضرت موسی بن جعفرم

بر در این خوان دست بوسم عبد شهنشاه طوسم

از دم بی بی معصومه با حرم قم مأنوسم

قلبم کرده در وادی خود گم مرجان کرده با مهرش ترحم

 جلدم کرده بر آستان قم

یا معصومه بی بی اشفعی لنا فی الجنه

گرم عطای معصومه ام مست می و باده و خمم

تا دنیا دنیاست نوکرم و ریزه خور بانوی قمم

از می عشقت سرشارم در ره او جان بسپارم

با مددش تا روز حشر در گروش دل بگذارم

با او باشم در سایه ی امان گردش کردم همچون کبوتران

او را دارم دستگیر بی کسان

یا معصومه بی بی اشفعی لنا فی الجنه

سایۀ لطفش روی سرم گرد حریمش کبوترم

وقتی میرم قم انگاری که زائر زهرای اطهرم

صحن و سرایش چون دریاست می وزد از او عطر یاس

اذن دخول این آستان ذکر شریف یا زهراست

تا می خوانم ذکرش وقت دعا یا معصومه بی بی اخت الرضا

گیرم از او رزق کرب و بلا

یا معصومه بی بی اشفعی لنا فی الجنه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12- زمینه[[79]](#footnote-79)

دل رضا بیتاب خواهره خواهری که عشق برادره

قبلۀ دنیاست خاک قدماش که هستی موسی بن جعفره

دلبند و دلدار و همه کس و کار و نور چش سلطانه

شفیعه ی محشر تجلی کوثر ملیکه ی ایرانه

دست من به دامنت تو رو جون مادرت حاجتم رو تو روا کن

اشفعی لی فاطمه منُ روز واهمه روز محشر تو سوا کن

ای خانوم ای خانوم ای خانوم حضرت معصومه

کریمۀ اولاد حیدری فاطمۀ موسی بن جعفری

تو حرمت بوی رضا میاد تو راحت روح برادری

بانی خیراتی عمۀ ساداتی دو عالمه حیرونت

با تو دلا آروم تا ابد ای خانوم ایرانیا مدیونت

زائر تو اولیا علمای دین ما نمک سفرت رو خوردن

بانوی والامقام داره خیلی احترام جایی که اسمت رو بردن

ای خانوم ای خانوم ای خانوم حضرت معصومه

مرکب تو، تو قم گلبارونه می ریزه هی اشکات دونه دونه

دلیل اشکات اینه که تو هم دلت برا زینب غرق خونه

تو کوچه های شام قافله و دشنام زینب داره می میره

یه عده نامرد و خرابۀ سرد و چقدر برات دلگیره

توی شام پر بلا سر تو طشت طلا غل و زنجیر و اسارت

غم غربت گریه ها چه بلنده ناله ها حرومیا با جسارت

واویلا واویلا واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13- زمینه[[80]](#footnote-80)

بیا ببین حال منُ خیلی دلم تنگه برات

پر میزنه مرغ دلم روزا و شبا به هوات

بیست ساله چشمام به دره یه روزی از راه برسی

تموم شده طاقت من برام نمونده نفسی

کجایی برادر ببین بدون تو اسیرم

کجایی برادر چیزی نمونده تا بمیرم

این لحظۀ آخر بیا بالاسرم از غصه دق کردم بیا برادرم

دلتنگ دیدارم بیا با مادرم

واویلا واویلا برادرم

می باره از دوری تو چشام مثل ابر بهار

تو غربت و دلواپسی خواهرتُ تنها نذار

جلو چشام رفته به باد تموم دارایی من

کجایی آخر ببینی حال تماشایی من

نبودی برادر چقدر غم و بلا کشیدم

ندیدی برادر ز دوری تو قد خمیدم

جونم رسیده بر لبم برادرم بد جوری در تاب و تبم برادرم

یاد غمای زینبم برادرم

واویلا واویلا برادرم

به احترامم اومدن تموم مردم به خدا

می ریختن از شور و شعف گلاب و گل رو سر ما

دلا بسوزه واسۀ رقیه و بی بی رباب

خنده و دشنام یه طرف امان از اون بزم شراب

امون از اسارت شروع ماتم رقیه

امون از جسارت کنیزی و غم رقیه

ذکر تموم بچه ها بابا حسین ای وای از این شام بلا بابا حسین

بسه جدایی با وفا بابا حسین

واویلا واویلا غریب کربلا حسین

واویلا واویلا مرمل الدما حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14- زمینه[[81]](#footnote-81)

برادر کجایی که من دیگه مردم

برا دیدن تو روزا رو شمردم

چی میشد که بودی کنارم تو الان

دلم تنگه واست کجایی رضا جان

نشد قسمتم که کنار تو باشم

می خواستم عزیزم که یار تو باشم

خداحافظ ببین حالم دیدنیه

خداحافظ که معصومت رفتنیه

خداحافظ برادر برادر

برادر کجایی برادر کجایی

قرار دل من دلم بی قراره

فراق من و تو تمومی نداره

دیگه صبر این دل به آخر رسیده

نگارم نیومد اجل سر رسیده

ببین چشم به راهت تا آخر نشستم

ببین نامه هاتُ گرفتم تو دستم

خداحافظ که دیگه خون شد جگرم

خداحافظ که یه محرم نیست دور و برم

خداحافظ برادر برادر

برادر کجایی برادر کجایی

از این مردم اینجا ندیدم جسارت

اسارت نرفتم خیال تو راحت

ندیدم خدایی نه کوفه نه شام و

نه قوم یهود و نه بزم حرام و

بمیرم برای دل زار زینب

که رفت روی نیزه سر یار زینب

امون ای دل بریدن سرش رو از قفا

امون ای دل تنش موند رو خاک کربلا

امون ای دل برادر برادر

برادر کجایی برادر کجایی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15- زمینه[[82]](#footnote-82)

تو رو می بینم کنارم تا که می بندم چشامُ

یه نامه دارم تو دستام که داره بوی رضامُ

چهارده سال تو مدینه غصه کشیدم

بابامُ که تو زندون بوده ندیدم

حالا من اومدم من این همه راهُ نرسیدم

خیلی سخته، بی اونکه من پیش تو باشم

می میرم من، مثل زینب از غم دوری داداشم

وای رضا جانم

منم و درد غریبی بهار من شد خزونی

شبیه زهرا تمومه کار منم تو جوونی

تو بستر می سوزم از تب نیمه جونم

شبهای فاطمیه است روضه می خونم

از داغ در و دیوار و غم کوچه پریشونم

گریه می کنم، آخه گریه هام که نیست دست خودم

گریه می کنم، آخه دلتنگ جواد تو شدم

وای رضا جانم

همۀ قم گل می ریختن کوچه ها رو محمل من

به یاد شام و عقیله بی اراده سوخت دل من

روز من تو سفر از غصه شده تار

دارم آه خاطرات سخت و دل آزار

اما قم ندیدم سنگم بزنن تو کوچه و بازار

زینب و غمت، چوب و طشت و طعنه های بی حساب

زینب و غمت، سر بی معجر و مجلس شراب

وای رضا جانم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16- واحد[[83]](#footnote-83)

یک ساله از تو دورم و بی یاوم تنهایی سخته مهربون برادرم

از این جدایی خواهرت جون به لبه شاید رسیده لحظه های آخرم

بی تو ببین دق کردم از دلواپسی محنت کشیدم شب و روز از بی کسی

طاقت نداشتم بمونم تو مدینه نمونده بعد تو برام هم نفسی

سرت سلامت دارم میرم بدون تو عزیز برادر

سلام میدم از طرفت محضر مادر

دعا بکن آروم بشم این دم آخر

حالا یه بغض سنگینه توی صدام اگر چه ندینت سخته برام

خدارو شکر ندیدم اینجا سرتو به روی نیزه بزنن جلو چشام

خدا رو شکر ندیده اینجا خواهرت جای سم اسبا رو روی پیکرت

می سوزونه دلم رو حتی فکرشم سخته ببینم خنجرُ رو حنجرت

سرت سلامت دارم میرم بدون تو عزیز برادر

سلام میدم از طرفت محضر مادر

دعا بکن آروم بشم این دم آخر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17- واحد[[84]](#footnote-84)

کجایی ببینی که مهمانت شده کوچه در کوچه حیرانت

شنیدم غریبی مگر خواهر نداری که باشد پریشانت

آمد به لب جانم آه ای رضا جان

بی تو نمی مانم آه ای رضا جان

شبم گشته تار ای مه عالم ندارم به جز اشک غم محرم

بیا که من از دوریت مردم

آمد به لب جانم آه ای رضا جان

بی تو نمی مانم آه ای رضا جان

خیال تو از اهل قم راحت ندیدم از آنها به جز رحمت

به جز لطف و مهمان نوازیها ندیدم از این شهر با غیرت

از غربت زینب دلها بسوزد

از داغ او هر شب دلها بسوزد

نه اینجا خبر بوده از دشنام نه سنگ آمده بر سرم از بام

امان از غم کوفه و از شام

آمد به لب جانم آه ای رضا جان

بی تو نمی مانم آه ای رضا جان

چه میشد دل از آن تو باشد نگاهم به چشمان تو باشد

چه میشد که این لحظۀ آخر سرم روی دامان تو باشد

سوزان تر از شمع و تنهاترینم

بی تو در این جمع و تنهاترینم

شده ماهت امشب هلالی تر شده لحن اشکم سوالی تر

ولی گشته جای تو خالی تر

آمد به لب جانم آه ای رضا جان

بی تو نمی مانم آه ای رضا جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 18- واحد[[85]](#footnote-85)

چه غریبونه با چشم گریون دنبال لیلا شبیه مجنون

فقط به فکر برادرش بود ابر بهاری چشم ترش بود

به دنبال یارش راه افتاده خواهر

نمی تونه باشه بدون برادر

داره تو بیابون با چشمای گریون

می گرده پی دلبرش با دل خون

وارد شهر قم که شد چه احترامی

مردم شهر جمع شدن و دادن سلامی

بی بیُ رد نکردن از کوچه های تنگ

کسی دیگه از روی بام بهش نزد سنگ

واویلتا واویلتا واویلتا واویلتا

تو راه دیدار شدی تو بیمار ولی ندادن شما رو آزار

مردا نبودن نبودن اغیار تو رو نبردن بر سر بازار

شما رو نبردن میون خرابه

از این شهر به اون شهر تو انذار عذابه

تو سیلی نخوردی ز دست حرامی

تو نشنیدی دشنام حتی یه کلامی

تو کربلا مگه غم گودال کشیدی

اصلا مگه داداش سر بریده دیدی

واویلتا واویلتا واویلتا واویلتا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 19- واحد[[86]](#footnote-86)

اسطوره ی کرم تویی تو یار و یاورم

همه ی عشق و باورم بی بی معصومه

ای سایه ی سرم نشکن سایت از سرم

به فدای تو مادرم بی بی معصومه

ای زندگی من مدد خستگی من

سند بندگی من بی بی معصومه

ای مرهم دلم مونس و همدم دلم

کاشف هر غم دلم بی بی معصومه

من به عشق تو عمری دلخوشم به فقیری

اونقدر میگم عاشق شدنم رو تا بگی تو

 دست من رو می گیری

مددی یا معصومه مددی فاطمه

منظومه ی حیا همه امید ماسوا

عشق آقام امام رضا بی بی معصومه

ای ممنتهایای عشق اول و انتهای عشق

خواهر مقتدای عشق بی بی معصومه

ای شبه فاطمه واسم اسم تو اعظمه

مستمند تو ما همه بی بی معصومه

عشقت مقدسه تو دو دنیا برام بسه

سیدتی محدثه بی بی معصومه

تو حریم تو رامم زندگیه به کامم

آرزومه یه بار بشنوم از تو بی بی جونم

من جواب سلامم

مددی یا معصومه مددی فاطمه

شالوده ی وفا مونس قبر عاشقا

تکیه گاه هر بی نوا بی بی معصومه

ای نور هل عطا مه افلاک و کبریا

که به تو دل داده خدا بی بی معصومه

ای همنشین من دلبر دلنشین من

ای تو یار و معین من بی بی معصومه

حب و حبیب من تو به هر جا طبیب من

ذکر امن یجیب من بی بی معصومه

ای تو صبر و قرارم میشه عشقت شعارم

من از دار دنیا که به والله تک و تنهام

بی بی تو رو دارم

مددی یا معصومه مددی فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 20- واحد[[87]](#footnote-87)

 نمی دونی چی کشیدم از دوری هزاردفعه همش گفتم صبوری

صبوری آی صبوری آخه چجوری

خواهر برادرُ نبینه دلش می گیره

آخر از این غم یه روزی دیگه می میره

غروب آخر عمرم دلگیره دلگیره

یا انیس النفوس نفسم بالا نمیاد

یا انیس النفوس بیا جون جواد

من دلگیرم از رسم این زمونه فقط خدا حال منُ می دونه

چشمای من تو غربت پر بارونه

دلم برات شده یه ذره داداش کجایی

جون به لب من رسیده از این جدایی

شده تو خونه ی قلبم غوغایی

یا امام الرئوف رسیده دم آخرم

یا امام الرئوف بیا بالا سرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 21- واحد[[88]](#footnote-88)

غم دیرینه ای دارم به سینه ولی آرامش قلبم همینه

زیارت می کنم من این حرم رو به جای قبر مخفی در مدینه

تو حریمش شمیم یاس فاطمی پیچیده

پا ضریحش بیایی تموم حاجتاتُ میده

آبرومه شدم گدای حضرت معصومه

آرزومه بشم فدای حضرت معصومه

می باره بر سرم بارون رحمت نشسته ام بر سر خوان کرامت

یقین دارم بی بی از زائرینش شفاعت می کنه روز قیامت

این دعامه معصومه اشفعی لنا فی الجنه

رو لبامه معصومه اشفعی لنا فی الجنه

آبرومه شدم گدای حضرت معصومه

آرزومه بشم فدای حضرت معصومه

رضا جانم بیا دل بی قرارم میان بسترم چشم انتظارم

امیدم اینه که لحظه ی آخر سرم رو روی دامانت بذارم

دیگه امشب جونم رسیده بر لبم می میرم

دیگه امشب به یاد عمه زینبم می میرم

آبرومه شدم گدای حضرت معصومه

آرزومه بشم فدای حضرت معصومه

تو شهر قم نشد بر من جسارت دیگه اینجا نبردندم اسارت

شبیه کربلا و شام و کوفه تمام هست من نرفت به غارت

شام ویران به اشک چشم عمه ام خندیدن

شام ویران پای سر بریده رقصیدن

آبرومه شدم گدای حضرت معصومه

آرزومه بشم فدای حضرت معصومه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 22- شور[[89]](#footnote-89)

بی بی جان به خدا به لطف تو مدیونم

بی بی جان پای نوکری تو می مونم

بی بی جان بذار تا همه بگن دیوونم

بی بی جان تو کریمه ای و من بیچاره

بی بی جان غم و غصه رو سرم آواره

بی بی جان این گدا فقط شما رو داره

قرار قلب زارم حضرت معصومه فقط تویی دلدارم حضرت معصومه

خدایی دوست دارم حضرت معصومه

یا حضرت معصومه

بی بی جان تو دوای بدترین دردایی

بی بی جان تو مثال حضرت زهرایی

بی بی جان تو قرار این دل شیدایی

بی بی جان به تو و برادرت محتاجم

من مثل موجی ام که بین این امواجم

شبهای حرمت میشه شب معراجم

زیارتت روئیامه حضرت معصومه بهشت این دنیامه حضرت معصومه

برادرت مولامه حضرت معصومه

یا حضرت معصومه

بی بی جان با شما ردیفه کار و بارم

بی بی جان می دونی که تشنه ی دیدارم

بی بی جان همه زندگیمُ از تو دارم

بی بی جان تو عزیز حضرت سلطانی

بی بی جان تو شکوه قطره ی بارانی

بی بی جان تو پناه مردم ایرانی

تو عمه ی ساداتی حضرت معصومه تو باب هر حاجاتی حضرت معصومه

تو قبله ی طاعاتی یا حضرت معصومه

یا حضرت معصومه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 23- شور[[90]](#footnote-90)

من همون کبوترم که از مشهد الرضا

از اون گنبد طلا پر زدم تا حرم حرم شما

بی بی معصومه

آبروی ایرونیا همه به خاطر توئه

شفیع محشر همه یه نخ چادر توئه

بین صحن با صفای تو می خونم با زائرای تو

می خونم اذن دخول من اسم سلطانه

خواهر رضا سلام منم همون که مبتلام

نیومدم چیزی بخوام عاشقم عاشق حرم شمام

بی بی معصومه

دلای بچه شیعه ها این همه سال اگه شکست

مخفیه قبر فاطمه حرم معصومه که هست

بین صحن با صفای تو می خونم با زائرای تو

می خونم اذن دخول من اسم سلطانه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 24- شور[[91]](#footnote-91)

سلام ای زینب شاه خراسان تویی چشم و چراغ خاک ایران

رسیده این گدای رو سیاهت تو را جان رضا رو برمگردان

تویی بانوی لطف و مهربانی کنار تو دلم شد آسمانی

مزار پاک تو شد عاشقان را نشانی از مزار بی نشانی

ندارم غصه ی دیروز و امروز کسی که با توئه فردا رو داره

همین صحنت برام مثل بهشته که عطر چادر زهرا رو داره

نور آخرتی اشفعی لنا سیدتی

شب جمعه شده دل بیقراره هوای کربلا دارم دوباره

به یاد روضۀ شیب الخضیبم دوباره گریه هام بی اختیاره

زمین و آسمون غرق عزا شد قیامت تو دل کرب و بلا شد

می گیره جونمُ این روضه آخر لب تشنه سرت از تن جدا شد

به زیر دست و پا افتاده تنها به لب داره نوای این سقا

تو اون غوغا داره مادر می خونه حسینم واحسینم واحسینا

وای از کرب و بلا تنها شد سیدالشهدا

سلام ای کشته های راه زینب دعاتون کرده شاهنشاه زینب

میاد تا اسمتون روی لب ما می لرزه پیکر بدخواه زینب

اباالفضل علی داره هواتون می دونم فاطمه کرده دعاتون

جوون و پیر ما شرمنده از این صبوریِ دلای مادراتون

شما آخر گل زهرا رو دیدین به اوج آرزوهاتون رسیدین

برا اینکه بمونه اسم زینب با جون و دل بلاهارو خریدین

این الفاطمیون هل من ناصر ینصرنی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم؛ شورحسینی**

ترک 01- حاج حسین سیب سرخی

می میرم می میرم زیر دست و پا بمونه بدنت

می میرم می میرم دست کی افتاده آخه پیرهنت

می میرم می میرم

می میرم می میرم تو رو با هرچی که می شد زدنت

می میرم می میرم خاک صحرا آخه میشه کفنت

می میرم می میرم

میرسه صدای آه زینب سر به نیزه پیکر زیر مرکب

واویلا واویلا از زمین کربلا

می میرم می میرم دیدی بردن آخر انگشترتُ

می میرم می میرم پاشو دارن می زنن خواهرتُ

می میرم می میرم

می میرم می میرم روی نیزه ها ببینم سرتُ

می میرم می میرم می برن گوشواره دخترتُ

می میرم می میرم

میرسه صدای آه زهرا تن بی سری رو خاک صخرا

واویلا واویلا از زمین کربلا

می میرم می میرم آخه من بدون تو کجا برم

می میرم می میرم می بینی با کیا همسفرم

می میرم می میرم می

می میرم می میرم این همه نا محرمه دور و برم

می میرم می میرم نمی گی چی میاد آخر به سرم

می میرم می میرم

میرسه صدای آه حیدر پیکری خدایا مونده بی سر

واویلا واویلا از زمین کربلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02- کربلایی جواد مقدم

تموم ذرات وجود اسیر دلبری توئه

بالاتر از هر کسوتی کسوت نوکری توئه

نوکری تو آبرومه حرمت آقا آرزومه

عاشقیم با اسمت شروع شد کار من بی عشقت تمومه

تمومه به خدا کار من اگه تو نباشی یار من

آقام آقام آقام یا حسین

به دور گردنم آقا جون فقط مدال عشق توئه

خونی که تو رگای منه همش حلال عشق توئه

عشقت اولین انتخابه لطف تو به من بی حسابه

کنار ضریح زیر گنبد دعاهام همش مستجابه

آقا چه میکنه با دلا غروب و سحر کربلا

آقام آقام آقام یا حسین

ثواب کربلای منُ ثواب طوف اون دو حرم

یکی باشه برا پدرم یکی دیگش برا مادرم

قربون غم بی قرینت قربون تو و سرزمینت

آرزومه هر ساله آقا کربلا باشم اربعینت

الهی این دفعه اومدم پای ضریح تو جون بدم

آقام آقام آقام یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03- حاج حسین سیب سرخی و حاج سید مجید بنی فاطمه

این شبا بی تاب یه زیارت بودم

بدجوری دلتنگ شب هیأت بودم

تو خبر داری از دل بی سامونم

همه جا گفتم که به حسین مدیونم

شبای تنهایی می دیدی اشکامُ

زیر لب می خوندم جان آقامُ

جان آقام سنه قوربان آقام سید العطشان آقام

شور عشقت ارباب همیشه شیرینه

واسه دردای من اسم تو تسکینه

وقتی دلتنگ می شم وقتی که غمگینم

می شینم عکسای حرمُ می بینم

وقتی موج اشکام مثه موج دریاست

همدم تنهاییم سید الشهداست

بدر فاطمه نور کلامی سید الشهدا

یابن احمد خیر الانامی سید الشهدا

یا حبیبی طبیب فؤادی نور عینی و خیر مرادی

سیدی و شفیع معادی یا عزیز الله

یه کاری کن برام یه کاری کن تمومشه بی قراریام

بشه منم یه بار منم حرم بیام

آقام آقام آقام حسین حسین

نذار من تسلیم قصه تقدیرشم

تا جوون مرگت شم یا تو روضت پیرشم

خیلی ساله عمره این رفاقت با تو

برا من تا آخر می مونی تنها تو

تا ابد کارم کاش از تو خوندن باشه

این چراغ روضه روشن باشه

الهی که چراغ روضه هات روشن باشه

زیر پرچم تو یه دنیا سینه زن باشه

میده بوی تو رو هرکی دوست داره

با تو خوشبختم و بی تو یه آواره

سینه زن هات یکی از یکی آقا تر

خدا نوکراتُ برات نگه داره

خدا نگه داره سینه زناتُ خدا نگه داره گریه کناتُ

خدا نگه داره زائرای کرببلاتُ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04- کربلایی وحید یوسفی

منم و علم و کتیبه دلی که میست بوی سیبه

بیچاره اونیه که عمری از نگاه تو بی نصیبه

آخر زیر این بیرق سپری میشه ثانیه ی آخرم

محتاج توام ارباب بیا و بخرم

تسکین دلم اینه که تو روضه برا تو نفس میزنم

هر دستی رو جز دستت آقا پس میزنم

حسین ابی عبدالله

هنوز عکس حرمت آقا توی قلب دل دیوونه قابه

برات کرببلام امسال توی دست بی بی ربابه

آخر غم کربلا جوونیمُ می گیره پیرم م کنه

این امروز و فرداها اسیرم می کنه

داره کم کم داغت ازاین زندگی آقا سیرم می کنه

این غروب حرمت دلگیرم می کنه

حسین ابی عبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم؛ شور علوی**

ترک 01- حاج محمود کریمی

روح الله علی یا حیدر وجه الله علی یا حیدر

ولی الله علی یا حیدر اسدالله علی یا حیدر

یا مظهر العجائب یاعلی یا مظهر المناقب یا علی

ای لطف بی نهایت یا علی یا معطی المواهب یا علی

اسیر تو هستم دل به تو بستم تا ابد مستم مست جامت

کبوترم آقا می پرم آقا دل من جلد جلد بامت

آقای منی یا حیدر مولای منی یا حیدر

من مجنون تو تو دوای منی یا حیدر

ولی مسلمینی یا علی امیر مومنینی یا علی

خورشید آسمونی یا علی تو صاحب زمینی یا علی

شب شب آقامه شب اشکامه دل من شد دیوونه تو

شب شب پروازه راه دل بازه تا سر بام خونه تو

مجموع صفات یا حیدر میزان و صراط یا حیدر

تویی راه نجات یا حیدر همه عالم فدات یا حیدر

تو صاحب بهشتی یا علی مسیر سرنوشتی یا علی

خود تو یا علیُ یا علی تو قلب من نوشتی یا علی

من غلام تو مست جام تو با نگاه تو بیقرارم

تو عالم مستی پیش من هستی پیش پای تو سر می ذارم

ای حق نمک یا حیدر و الحق معک یا حیدر

به طواف تواند یا حیدر همۀ نه فلک یا حیدر

من و غلامی تو یا علی نسل گرامی تو یا علی

من عاقبت بخیرم یا علی به نان نامی تو یا علی

تو سرور عشقی آخر عشقی می کشی قلبم رو به هرسو

ای دلبر زهرا یا هوالمولا یا هوالحق و یا هوالهو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02- حاج سید مهدی میرداماد

سرمن خاک پای تو دل من مبتلای تو

جون عالم فدای تو فدا ایوون طلای تو

تویی آقای بت شکن امیر ملک قلب من

شده یک بار صدام بزن مددی یا اباالحسن

آفریده شدم برای علی تا بیفتم به دست و پای علی

جان سائل چه ارزشی دارد جان پیغمبران فدای علی

علی علی علی علی

تویی پشت و پناه من به سوی تو نگاه من

منم عبد و تو شاه من حرمت قبلگاه من

بی تو من غرق در سکوت باتو من شوق یک قنوت

می زنم زانو روبروت یا علی حی لایموت

بچه های بزرگ و کوچک ما همه قربان بچه های علی

دست ما و چادر زهرا دست ما و نخ عبای علی

علی علی علی علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03- حاج محمد کمیل

مست یاریم و با نگاریم آسوده

مست دلبر هستیم تا بوده این بوده

من محبت را از مادر درکف دارم

ارثیه از بابا درّ نجف دارم

از تو عنوان دارم از تو فرمان دارم

به ولایتت آقا من ایمان دارم

اسدالله علی ولی الله علی

هرکسی که از دست تو ضربه خورده

چند دقیقه ماته تا فهمیده مرده

ضربه های شمشیر تو بُود کاری

همه دیدن که فقط تو جگر داری

ضرباتت حیدر می کند از جا سر

ای قسیم النار والجنه درمحشر

اسدالله حیدر ولی الله حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04- کربلایی وحید یوسفی

دل به عشق تو اسیره اسم تو چه بی نظیره

این همه پیمبر اومد تا بگن علی امیره

ساکن مِیخونتم تشنه پیمونتم تا ابد دیوونتم

تو امیر لافتایی نور کشتی خدایی

صحبت نجف شد آقا باز شده دلم هوایی

از نجف درّ می خرم با همین انگشترم عمری با حیدرم

یا علی یا علی یا علی

پیر من تویی در این دیر با تو می کنم فقط سیر

روی قلب من نوشته خونه علی ولاغیر

ای می و مستی من ای همه هستی من یار بی دستی من

یا علی یا علی یا علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05- کربلایی مهدی گنجی

والی الولی دم زینبه یا مرتضی علی

شاه لم یزل ذکر حیدره شیرین تر از عسل

تو اباالفضل پروری به دو عالم سروری

دل من پابست تو به خدا که محشری

دم عیسی یا علی میگه موسی یا علی

به سوی تو این همه التماسا یا علی

حیدر ولی الله حیدر ولی الله

دل فدای تو دخیلم من به نخ عبای تو

پیر انبیا جای تو رو شونه های مصطفی

اسدالله حیدره ولی الله حیدره

همه هست فاطمه اذن الله حیدره

دین و ایمان حیدره همه قرآن حیدره

میگه شاه علقمه شه مردان حیدره

حیدر ولی الله حیدر ولی الله

سر سپردتم آقا من عمری کشته مردتم

یا ابوتراب لحظه دوری تو برام عذاب

خدا رو قلبم نوشت خاک پای تو بهشت

گل ما رو از ازل با ولای تو سرشت

دل و دلبر حیدره یل خیبر حیدره

بی مثال و بی بدل ز همه سر حیدره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش ششم؛ سبک های تولیدی**

ترک 01- زمزمه شهادت امام عسکری علیه السلام[[92]](#footnote-92)

هیچی تو حجره، نیست به جزغربت وغربت

داره یه بابا، تو دلش فقط  یه حاجت

رو سر مهدی، بکشه لحظه ی آخر، دست محبت

خوبه که آرزو نموند تو دل زارش

خوبه پسر با ظرف آب اومد کنارش

چش بابا به آب که خورد بارونی شد

حجره یه وقت مجلس روضه خونی شد

اگر کشتند چرا آبت ندادند تو را زان در نایابت ندادند

خوبه تو حجره خواهر و دختر نداره

خوبه دم رفتن غم معجر نداره

خوبه نه حرف خنجره، نه حرف گودال

خوبه تو روضه اش نمیره مادری از حال

حسین...

یوسف زهرا، رو گونه اش بارون می بارید

تموم عالم، داشت لباس غم می پوشید

ابرای غیبت، نقشه داشتن که بشینن، کم کم رو خورشید

خوبه خبر از جسم و نعل مرکبا نیست

خوبه نیازی به حصیر و بوریا نیست

چشاشُ که برا همیشه بست باباش

مثل رقیه روضه خوند با گریه هاش

یتیمی درد بی درمان یتیمی یتیمی خواری دوران یتیمی

خوبه سر رو دامنش پیکری داره

خوبه یه انگشتر براش به ارث می ذاره

خوبه چشاش آقا سجده ی خیزران ندیده

خوبه سر باباش بوی تنور نمیده

حسین...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02- زمینه شهادت امام عسکری علیه السلام[[93]](#footnote-93)

اُمید پیر و جوون کرم تو آقا جون

آرزوی دلای محزون حرم تو آقاجون

سامرای تو بهشت من       داغ تو در سرشت من

عشق تو سرنوشت من

ای گل پیغمبری یا امام عسگری

نور چشم حیدری یا امام عسگری

یا امام عسگری

هستن برا رسیدن، به خوبی وسعادت

سینه زنای شما آقا آماده ی شهادت

ایشالا میایم به سامرا       تا به دعای خیر شما

همگی بریم به کربلا

می خونیم اونجا نوحه با سرشک و سوز و آه

 هر که دارد هوس کرببلا بسم الله

حسین وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03- واحد شهادت امام عسکری علیه السلام[[94]](#footnote-94)

با مدد صاحب زمان میشم خدایی

پرمی گیرم یه روز میشم کرببلایی

عشقمه والله بم بگن تو روز محشر

که تو حسینی و گدای سامرایی

دل منُ پرواز بده به دم اعجاز بده

اذن زیارتُ آقا به دلم باز بده

یابن الزهرا یا ابالمهدی

سامرا، قبله دله خدا می دونه

غربت صاحب الزمون دل می سوزونه

شیعه همیشه منتظر به امرمولاس

جون دادن به راهتون آرزومونه

برای شهادت عاشقیم هممون حاج قاسمیم

کی میشه روزی ببینیم که سوی قدس عازمیم

یابن الزهرا یا ابالمهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04- واحد شهادت امام عسکری علیه السلام[[95]](#footnote-95)

همه با هم بگیم با اشک و شور و شوق و دلبری

سلام ما به محضرِ آقا امام عسگری

آه، تو بر محبین یار و حبیبی برات بمیرم، چقدرغریبی

مرقد تو از قدیما غمی به سینه داره

بوی بقیع خاکی و عطر مدینه داره

آه مظلوم حسن جان

کاش که میشد به زودیا با نوکرا، سینه زنا

با نابودی دشمنا بیاییم به شهر سامرا

آه، ماهستیم آقا در راه قرآن از نسل همّت، از نسل چمران

جان بر کفیم در لشگر و سپاه تو یا مولا

آماده ایم تا جان دهیم در راه تو یا مولا

آه مظلوم حسن جان

میگن که لب تشنه بودی لحظۀ آخر آقاجون

کاسه به دندون تو خورد با دیدۀ تر آقاجون

آه، دلا بسوزه با اشک دیده بر خیزران و، سرِ بریده

چوب جفا و کینه ی بچه های اُمیّه

نزن به لبهای باباش خون شد دل رقیّه

آه غریب مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05- سرود ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله[[96]](#footnote-96)

رسولَ الله تو عنایت بی انتهایی    رسولَ الله آقا با دل من همصدایی
رسولَ الله جد شاهنشه کربلایی
رسولَ الله   رسولَ الله
رسولَ الله ملائک همه رزمنده هاتن   رسولَ الله همشون عاشق خنده هاتن
رسولَ الله بتای مدینه بنده هاتن
رسولَ الله   رسولَ الله
حُجر بن عَدیِ تو هستم به پای تو دستم ز عشق تو مستم
ای جانم شعار اذانم بده تو مدینه یه گوشه مکانم
مولانا مولانا

صدو ده بار یا علی میگم آروم می گیرم   صدو ده بار آقاجون سر زلفت اسیرم
صد و ده بار تو بگی که بمیر من می میرم
علی مولا   علی مولا
علی مولا روی دست تو دستی ندیدم   علی مولا تا که من تا نجف پرکشیدم
پا ضریحت به همه آرزوهام رسیدم
علی مولا علی مولا
آقایی عزیز خدایی تو دلبر مایی صفا و منایی
مولایی تو کوه عطایی امیر سخایی سریع الرضایی
مولانا مولانا

أسدالله!حرمت حرمَ اللّهه آقا   أسدالله پدرت رسولَ اللّهه آقا
أسدالله یاورت عصمت اللّهه آقا
علی مولا علی مولا
أسدالله تویی یکّه جوونمرد دنیا     أسدالله زیر پای تو میلرزه دلها
أسدالله زیر پاته سر عبدُوَدها
علی مولا   علی مولا
سالاری چه ایوونی داری تو روح بهاری هوامونو داری
کراری که کم نمیاری تو یکه سواری تو قاسم ناری
مولانا مولانا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06- سرود ولادت پیامبر اکرم و امام صادق علیهما السلام[[97]](#footnote-97)

ﺑﺎﺯ ﺷﺐ ﻋﺸﻖ و ﺟﻨﻮﻧﻪ ﻣﺮﻍ ﺩﻝ ﻛﺮﺩﻩ ﺑﻬﻮﻧﻪ

ﺗﻮ ﻣﺎﻩ ﺭﺑﻴﻊ اﻻﻭﻝ ﺳﺮﻭﺩ ﻣﺴﺘﻲ می خونه

ﺑﺎﻋﺚ ﺧﻠﻘﺖ ﻋﺎﻟﻢ و ﺁﺩﻡ ﺭﺳﻴﺪ

اﻣﻴﺪ ﻫﻤﻪ ﺩﻟﻬﺎﻱ ﭘﺮ اﺯ ﻏﻢ ﺭﺳﻴﺪ

ﺭﺳﻮﻝ ﻋﺎﻟﻤﻴﻦ ﺣﻀﺮﺕ ﺧﺎﺗﻢ ﺭﺳﻴﺪ

ﻳﺎ ﺭﺳﻮﻝ الله ﺧﻮﺵ ﺁﻣﺪﻱ

ﺁﺧﺮﻳﻦ ﭘﻴﻤﺒﺮ اﻭﻣﺪ ﻛﺲ و ﻛﺎﺭ ﺣﻴﺪﺭ اﻭﻣﺪ

ﺷﻔﻴﻊ ﺗﻤﻮﻡ ﻋﺎﻟﻢ ﺗﻮﻱ ﺭﻭﺯ ﻣﺤﺸﺮ اﻭﻣﺪ

ﻣﻘﺘﺪاﻱ ﻫﻤﻪ ﻳﺎ ﺭﺳﻮﻝ اﻟﻠﻪ ﻣﺪﺩ

ﺑﺎﺑﺎﻱ ﻓﺎﻃﻤﻪ ﻳﺎ ﺭﺳﻮﻝ اﻟﻠﻪ ﻣﺪﺩ

ﺭﻭ ﻟﺒﺎ ﺯﻣﺰﻣﻪ ﻳﺎ ﺭﺳﻮﻝ اﻟﻠﻪ ﻣﺪﺩ

ﻳﺎ ﺭﺳﻮﻝ الله ﺧﻮﺵ ﺁﻣﺪﻱ

ﻣﺴﺘﻴﻢ اﺯ ﺑﻮﻱ ﺷﻘﺎﻳﻖ اﮔﻪ ﺑﺎﺷﻴﻢ ﻫﻤﻪ ﻻﻳﻖ

ﻣﺎﺩﺭاﻣﻮﻥ ﺑﻪ ﻣﺎ ﮔﻔﺘﻦ ﺷﻴﻌﻪ اﻳﻢ ﺷﻴﻌﻪ ی ﺻﺎﺩﻕ

اﻳﺸﺎﻻ ﺷﻴﻌﻪ و ﺳﻨﻲ ﻫﻤﻪ ﺑﺎ ﻭﺣﺪﺕ

ﻣﻴﺰﻧﻴﻢ ﺭﻳﺸﻪ ی ﺩاﻋﺶ و ﻭﻫﺎﺑﻴﺖ

ﻣﻴﺴﺎﺯﻳﻢ ﺑﻘﻴﻌﻮ ﻣﻴﺸﻪ ﺷﺒﻴﻪ ﺟﻨﺖ

ﺻﺎﺩﻕ ﺁﻝ ﻋﻠﻲ ﻣﺪﺩ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07- سرود ولادت پیامبر اکرم و امام صادق علیهما السلام[[98]](#footnote-98)

آسمونُ ببین چراغونی شده

تو شهر مکه جشن و مهمونی شده

هرکی به تو دلداده از شوق نیگات

کارش ترانه و غزلخونی شده

دلبری و بی همتا مددی ابالزهرا

ای همه هستی فدات دلم شده فرش رات

جا داره قربونی بشه هزار تا یوسف بپات

عشق دلم ابالزهرا ابالزهرا ابالزهرا

آب و گلم ابالزهرا ابالزهرا ابالزهرا

صاحب خلق عظیم و بی مثلی

تو اوج زیبایی شعر و غزلی

شیرینتر از اسم تو نیست تو عالمین

اسمتُ بردم و لبام شد عسلی

اومدی شده دنیا با قدم تو زیبا

ایون کسری شکست تموم بت ها شکست

اومدی و نرخ همه خوبای دنیا شکست

ماه شبم ابالزهرا ابالزهرا ابالزهرا

ورد لبم ابالزهرا ابالزهرا ابالزهرا

روشنیِ عالمه روی ماه تو

رنگ شبه ز گیسوی سیاه تو

فرشته های خداهم روزی شونُ

می گیرن از کرامت نگاه تو

دیگه مثه تو دنیا نداره ابالزهرا

مدح تو مثله رازه عشقت روح نمازه

من چی بگم وقتی خدا داره به تو می نازه

ماه شبم ابالزهرا ابالزهرا ابالزهرا

ورد لبم ابالزهرا ابالزهرا ابالزهرا

دلای شیدا همه درتاب و تبه

خورشید و ماه باهم دمیدن عجبه

ذکر یااحمد و یاصادق تاسحر

قشنگترین ترانه های امشبه

یکی نبی اعظم یکی امیر عالم

امین وحی خدا بارهبر شیعه ها

قرآن و عترت تا ابد نمی شن از هم جدا

خوش اومدی عزیز الله عزیزالله عزیزالله

یا صادق ای گل زهرا گل زهرا گل زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08- سرود ولادت پیامبر اکرم و امام صادق علیهما السلام[[99]](#footnote-99)

حالا وقت نزول رحمت مصطفی شد

در همه آسمونا رو همۀ دنیا وا شد

پا گذاشتی توی دنیا، دنیا با تو زیبا شد

ای عشق و ایمانم ای جان و جانانم من با تو می مانم آقا

مولا یا رسول الله

این دل بی قرارم بهونتُ می گیره

کبوتر دلم تا گنبد خضرا میره

نوکر تو دلش می خواد تو مدینه بمیره

ای درد و درمانم من بی تو حیرانم من با تو می مانم آقا

مولا یا رسول الله

سفرۀ رحمت تو آقا همیشه بازه

محبتت آقاجون زندگیمُ می سازه

حالا که نوکرت شدم علی داده اجازه

سالار و سلطانم ای روح و ریحانم من با تو می مانم آقا

مولا یا رسول الله

پیچیده توی دنیا عطر گل شقایق

روشن شده دوباره همه دلای عاشق

رسیده از آسمونا آقام امام صادق

مهمان این خوانَم من از تو می خوانم من با تو می مانم آقا

آقام امام صادق

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09- سرود ولادت امام حسن عسکری علیه السلام[[100]](#footnote-100)

آسمون امشب بازم چراغونه      شب لیلای این دل مجنونه

تا سحر هستم گوشه ی میخونه

دل غزلخونه

یه دل دیوونه دارم می خری؟

بگو کی مارو زیارت می بری؟

همه زندگیم فدای حرمت، یا امام عسکری

به یکی یه دونت آقا قسم   تو بخوای به آرزوم میرسم

آزرومه که بشم قربونیت      تو بشی تموم کار و کسم

یا ابالمهدی مولا مولا

اومدی دنیا به پای تو پاشد     دلای عاشق دوباره شیدا شد

سامرا امشب کعبه ی دلها شد

دنیا زیبا شد

اومدی با جلوات حیدری

به شب تاریک عالم قمری

رحمت حق میباره از قدمت، یا امام عسکری

میخونه نبض دقایق برات      شده کل دنیا عاشق بپات

نفست حکم مسیحا داره    زندگی جاری میشه از نگات

یا ابالمهدی مولا مولا

حسنه نامت کرامتت دریا     دلارو بردی فراتر از دنیا

عیدیمُ امشب می گیرم از آقا

مهدی زهرا

پدر منجی کل بشری

چه مبارک پدری و پسری

عالمی گدای جود و کرمت، یا امام عسکری

خواب دیدم که زائر تو شدم   پی جلب خاطر تو شدم

دلخوشم به این ترانه فقط      خوشم آقا شاعر تو شدم

یا ابالمهدی مولا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10- شور ولادت امام حسن عسکری علیه السلام[[101]](#footnote-101)

شب میلاد امامی مهربونه        بانی امشب خود صاحب الزمونه

ای رفیق یه جوری نوکری کن آقا  اسمتو تو لیست زائراش بخونه

شب مجنون و    شب لیلا شده

سور و ساتی تو   دلا بر پا شده

یه علی بازم  صاحب حسن شد

دوباره انگار        علی بابا شده

أنت المولای یا حسن العسکری   فخرم اینه برات می کنم نوکری

عشق تو تو قلب من بی حد و مرزه    عشق تو به کل این دنیا می ارزه

حسنی صورت و سیرتی آقاجون      پس با این حساب رو شونه ات شال سبزه

حرمت مثل         حرم کربلاست

ضریح شیش گوش    توی عالم دو تاست

یه دونه ش ماله   حرم حسین و

یه دونه ش سهم   حرم سامراست

أنت المولای یا حسن العسکری   فخرم اینه برات میکنم نوکری

فدای گنبدی که طلایی رنگه   خیلی این دلم برا صحن تو تنگه

ثواب امشب، تقدیم کسی که    برا آزادیه صحن تو می جنگه

بخدا دنیا    می بینه اون روزی

میرسه اخر  شیعه بر پیروزی

حرمت میشه پره از زائرو

خالیه جای   مهدی نوروزی

أنت المولای یا حسن العسکری   فخرم اینه برات می کنم نوکری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11- زمزمه وفات حضرت معصومه علیها السلام[[102]](#footnote-102)

می باره چشم آسمون امشب       رسیده جون عاشقا برلب

زنده شده روضه های زینب

آتیش میگیرم

اگه دلم گرفته و زاره     شبیه ابریه که می باره

آخه امام رضا عزاداره

براش بمیرم

همونی که شفیعه فرداس

شبیه ترین به مادرش زهراس

نور دو چشمای تر باباس

آه و وایلا

توی سینه یه دنیا غم داره     سر روی خاک حجره می ذاره

چشم انتظاره دیدن یاره

دل نگرونه

دم دم آخری چه دلخونه      به سینه میزنه پریشونه

مثل برادرش چشاش خونه

نوحه می خونه

از اونیکه غریب و مضطر بود

اسیر سنگ و تیر و خنجر بود

حتی تو گودال فکر خواهر بود

حسین زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12- زمینه وفات حضرت معصومه علیها السلام[[103]](#footnote-103)

بالا سرمُ نگاه می کنم نمی بینمت

هرچی تقلا می کنم نمی بینمت

هرچی رضا رضا می کنم نمی بینمت

آه دلم پره    دارم تو این لحظه های آخر دلهره

آه دلم پره   خواهرت از اینکه ندیدت غصه می خوره

نجاتم بده از این قفس بذار تا راحت بمیرم

تا نبینمت برادرم من از این دنیا نمیرم

جونم رسیده بر لب شدم شبیه زینب

سخته بی تو این نفس زدن عزیز دلم

بی تو تمومه حیات من عزیز دلم

ببین برام آوردن کفن عزیز دلم

آه بین گلوم     داره میگه که نمیرسم به آرزوم

آه بین گلوم مردم قم برام گذاشتن سنگ تموم

می دونن که با روضه ی من فاطمیه شروع میشه

به پیش خدا گریه کنم صاحب آبرو میشه

جونم رسیده بر لب شدم شبیه زینب

دلم خوشه توی کربلا نمی بینمت

من که تو رو روی نیزه ها نمی بینمت

به زیر سنگای شامیا نمی بینمت

آه دلش شکست   یه خواهری شیشۀ دلش کامل شکست

آه دلش شکست     سرش رو زد تا به چوبۀ محمل شکست

میون بلا می برنش به پای مجلس شراب

تموم غمش به یک طرف می سوزه با نالۀ رباب

جونم رسیده بر لب شدم شبیه زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**منابع و مآخذ**

1. جلاء العيون‏، علامه مجلسى‏، سرور، قم‏، 1382 ه.ش‏.
2. أنيس المؤمنين‏، محمد بن اسحاق حموى‏، بنياد بعثت‏، تهران‏، 1363 ه.ش‏.
3. جلوه‏هاى اعجاز معصومين عليهم السلام، قطب راوندى / مترجم غلام حسن محرمى‏، جامعه مدرسين‏، قم‏، 1378 ه.ش‏.
4. زندگانى حضرت جواد و عسكريين عليهم السلام ـ ترجمه‏ بحارالانوار، موسى خسروى‏، اسلامی، تهران.
5. جلوه‏هاى اعجاز معصومين عليهم السلام، قطب راوندى ـ ترجمه غلام حسن محرمى، جامعه مدرسين‏، قم‏، 1378 ه.ش‏.
6. منتهى الآمال في تواريخ النبي و الآل‏، شيخ عباس قمى‏، دليل ما، قم‏، 1379 ه. ش‏.

**محصولات تولیدی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | نام کتاب | موضوع |
| 1 | بهشت خاکی ـ باران غربت | شوال |
| 2 | امام مهربانی ـ سلسله عاشقی ـ مهربانترین پناه2و1 | ذی القعده |
| 3 | بهار ولایت ـ حرای غدیر2و1ـ همای غدیر | ذی الحجه |
| 4 | آتش عشق ـ الظلیمه ـ نوحوا علی الحسین3 و2و1 | محرم |
| 5 | صفرنامه ـ منبر اشک ـ حماسۀ وارثین3و2و1 | صفر |
| 6 | خورشید عالمتاب ـ ربیع الایام ـ طلوع رحمت2و1 | ربیع الاول و ربیع الثانی |
| 7 | یاس کبود ـ یاس کبود2ـ یاس کبود3 | میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها)ایام فاطمیه |
| 8 | مادر آسمانی ـ بانوی باران ـ مادرانه | میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)وفات حضرت ام البنین (سلام الله علیها) |
| 9 | عطر بهشت ـ صراط الجنه ـ منظومۀ علوی | رجب |
| 10 | نورٌ علی نورٌـ فصل وصل ـ ستارۀ زمین | شعبان |
| 11 | هلال نیایش ـ شبهای بی قراری 2 و 1ـ بهار بندگی | رمضان |
| 12 | جزوه آموزشی دستگاههای آواز | ــــــــــــــ |
| 13 | جزوه آموزشی دوره مقدماتی به پیوست دروه تکمیلی | ــــــــــــــ |
| 14 | دفتر اول شعر نوجوانان | سطح 1 آموزش مداحی نوجوانان |
| 15 | تاملی در اصول و فنون مداحی و نوحه خوانی | سلسله مباحث اصول و فنون مداحی |
| 16 | روش اجرای اقسام مجالس مداحی | سلسله مباحث اصول و فنون مداحی |

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد اول ـ دوره عمومی**

این کتاب شامل سه بخش عملی و تئوری می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

1. آموزش زمزمه بر مبنای دستگاه های آوار سنتی.
2. آموزش روش انتخاب شعر و سبک گذاری بر مبنای دستگاه های آواز سنتی.
3. آموزش رو خوانی و روانخوانی دعای توسل و زیارت عاشورا.
4. آموزش اصول و فنون نوحه خوانی.
5. اصول و فنون مداحی ( خلاصه دروس ارائه شده در جلسات مجمع یاس کبود).

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تربیت و معرفت دینی ـ عبارت است از:

1. احکام عمومی.(خلاصة رسالة امام خمینی رَحِمَهُ الله)
2. احکام تخصصی(هیأت).(استخراج از رسالة مراجع عظام)
3. آشنایی با اسامی، عبارات، ترکیبات و اصطلاحات عاشورایی.(خلاصه فرهنگ عاشورا تألیف استاد جواد محدثی)

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

1. بازخوانی نقش محرم در انقلاب اسلامی
2. کارکردهای هیآت مذهبی
3. هیآت و وظایف مهم آن
4. عبرتهای نهضت حسینی
5. هیآت و آسیبها
6. تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد دوم ـ دوره متوسطه**

این کتاب شامل سه بخش مهارتی، معرفتی و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس مهارتی ـ عبارت است از:

* 1. دستگاه های آوار.
	2. آموزش آموزش روش انتخاب شعر و کاربردی کردن اموخته هتای سبکی در دستگاه های آواز.
	3. آموزش ادعیه و زیارات ؛ شامل دعای کمیل و دعای ندبه.
	4. آموزش سبکهای مجلسی سنتی.
	5. آموزش روش تهیه مجلس دهه ی محرم شبهای اول تا پنجم.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ معرفت دینی ـ عبارت است از:

* + 1. قصص انبیاء.
		2. مقتل امام حسین(علیه السلام).
		3. تاریخ شهادت معصومین(علیهما السلام).
		4. آیین روضه خوانی.
		5. ادبیات فارسی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

* + - 1. اهداف نهضت عاشورا.
			2. عزاداری، سنت یا بدعت.
			3. نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی.
			4. عاشورا و جریان شناسی نفاق.

**سلسله کتب آموزش مداحی جلد سوم ـ دوره تکمیلی**

این کتاب شامل سه بخش عملی، تئوری و بصیرتی می باشد.

مواد درسی بخش اول ـ دروس عملی ـ عبارت است از:

1. آموزش مولودی خوانی شامل آموزش شعرخوانی و سرودخوانی.

2. آموزش انتخاب شعر مولودی خوانی و کاربردی کردن آموخته های سبکی در فصل قبل.

3. آموزش تهیه مجلس دهه محرم؛ شبهای ششم تا یازدهم، مصائب کوفه و شام و اربعین.

4. آموزش تهیه مجالس معصومین.(علیهم السلام)

5. آموزش دستگاههای آواز.

و اما مواد درسی بخش دوم ـ تئوری ـ عبارت است از:

* + - 1. اخلاق.
			2. آداب دعا و مناجات.
			3. تاریخ اجتماعی سیاسی ائمه.
			4. اصول عقاید.
			5. ادبیات عربی.

و مواد درسی بخش سوم ـ بصیرت مداحی ـ عبارت است از:

عاشورا و رسالت نخبگان.

حادثه عاشورا و نقش مثبت و منفی خواص.

امام حسین(علیه السلام) پیشوای اصلاح طلبی اصول گرایانه.

حماسه ی عاشورا و معیارهای عزت و ذلت ملتها.

 **جهت تهیه محصولات با شماره 09195600459 تماس حاصل فرمایید.**

1. . گزیده ای از سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با مداحان مورخ 20/1/94 [↑](#footnote-ref-1)
2. يوسف،88.(«اىعزيز! ماوخاندانماراناراحتىفراگرفته،ومتاعكمى باخودآورده‏ايم؛پيمانهرابراىماكاملكن؛وبرماتصدّقوبخششنما،كهخداوندبخشندگانراپاداشمى‏دهد!») [↑](#footnote-ref-2)
3. . گزیده ای از سخنرانی حجت الاسلام سید حمید میرباقری در احتماع عمومی مداحان یاس کبود مورخ 6/10/94 [↑](#footnote-ref-3)
4. . زندگانى حضرت جواد و عسكريين(علیهم السلام) ـ ترجمه بحار الأنوار، موسی خسروی، ص227 .    [↑](#footnote-ref-4)
5. . جلوه‏هاى اعجاز معصومين عليهم السلام، مترجم غلام حسن محرمى، ص‏494 .   [↑](#footnote-ref-5)
6. . زندگانى حضرت جواد و عسكريين(علیهم السلام) ـ ترجمه بحار الأنوار، موسی خسروی، ص240 .    [↑](#footnote-ref-6)
7. . منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ص 1038. [↑](#footnote-ref-7)
8. . جلاء العيون، علامه مجلسی،ص34ـ31. [↑](#footnote-ref-8)
9. . منتهى الآمال، شيخ عباس قمى، ج‏3، ص1580.    [↑](#footnote-ref-9)
10. . با نوای: حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-10)
11. . با نوای: حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-11)
12. . این زمزمه یعنی آقا کارت دارم؛ این ناله یعنی آقا دارم در می زنم؛ این گریه ها یعنی حالا که سفره رو تو داری جمع می کنی تکلیف این دو ماه و چند روز مارو روشن کن... ای آقای جوون مرگم... [↑](#footnote-ref-12)
13. . آقا امروز ما دو تا عزا داریم؛ اول و بزرگترین عزامون شهادت شماست، عزای دوممون اینه که دیگه از امروز باید این پیرهن مشکی هارو دراریم . آقا جان از فردا دربه در میشیم. کجا بریم، کجا سر سفرتون بشینیم. چجوری بهانه پیدا کنیم بگیم صلی الله علیک یا ابا عبدالله الحسین... فرمودن بانی سیاه کوبی مجالس امام حسین و حسینیه ها و خونه هایی که مال امام حسینه امام رضاست. اگه آقا جان این خونه ی دل مارو قابل دونستی و اول محرم سیاه پوش کردی برا حسینت، میشه آقا امروز این سیاه پوشیا رو جمع نکنی از تو دل ما. دل ما همیشه ماتم کده ی حسینه. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سید حمید رضا برقعی [↑](#footnote-ref-14)
15. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-15)
16. . این امام حسن الهی قربونش برم خیلی براش سخت گرفتن. تو خونش زندانی بود. تنها امامی است که حج مشرف نشد. لذا میگن هر موقع رفتی حج به نیابت از امام عسگری هم طواف کن. اما این حسن کجا اون حسن کجا... آخ الهی بمیرم برا اون حسنی که دستش تو دست مادرش بود... این ایام، ایام شورای سقیفه ملعونه است. دستش تو دست امام حسن بود، میگه چنان سیلی تو صورت مادرم زد یه مرتبه اوضاع تو کوچه برام دگرگون شد. نگاه کردم دیدم گوشه ای از کوچه مادر داره با دست دنبالم می گرده... [↑](#footnote-ref-16)
17. . محمد بیابانی [↑](#footnote-ref-17)
18. . با نوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-18)
19. . خیلی به این آقای بزرگوار حواسمون باشه؛ به این معنا که بزرگانی از علما می گفتن هر دوامام حسن بزرگوارند. حضرات خیلی کریمن. اون آقا در مدینه که معروفه به کریم اهل بیت، این آقا هم پدر بزرگوار امام زمان. انقدر با پدر عزیزشون اذیت شدن. این آقا که عمر زیادی نداشتن جوان بودن به شهادت رسیدن. همین به نوعی تحت نظر بودن آقا رو نشون میده. لقبشون هم معلومه یعنی پادگان نظامی بوده همونجا. با همون وضعیت به خونشونم حمله کردن. یه ارث ویژه از مادرشون حضرت زهرا دارن. امشب تو این مجلس بارها تشکر کن از مادر... قربونت برم برام امضا کردی امشبم بیام کسی ازم نپرسه با کدام دست...همون دستی که همین روزا کاری کردن بازو ورم کرد... [↑](#footnote-ref-19)
20. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-20)
21. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-21)
22. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-22)
23. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-23)
24. . سعید خرازی [↑](#footnote-ref-24)
25. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-25)
26. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-26)
27. . با نوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-27)
28. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-28)
29. . با نوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-29)
30. . با نوای: کربلایی وحید یوسفی [↑](#footnote-ref-30)
31. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-31)
32. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-32)
33. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-33)
34. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-34)
35. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-35)
36. . محمد جواد شیرازی [↑](#footnote-ref-36)
37. . علیرضا خاکساری [↑](#footnote-ref-37)
38. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-38)
39. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-39)
40. . وحید قاسمی [↑](#footnote-ref-40)
41. . با نوای: کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-41)
42. . مهدی سهیلی [↑](#footnote-ref-42)
43. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-43)
44. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-44)
45. . با نوای: حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-45)
46. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-46)
47. . با نوای: کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-47)
48. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-48)
49. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-49)
50. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-50)
51. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-51)
52. . علی اکبر لطیفیان [↑](#footnote-ref-52)
53. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-53)
54. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-54)
55. . با نوای: کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-55)
56. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-56)
57. . سید حجت بحرالعلومی طباطبایی [↑](#footnote-ref-57)
58. . با نوای: حاج محمود کریمی و حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-58)
59. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-59)
60. . خانم وارد قم شد. بین زنهای قم اصلا بحث بالا گرفت؛ چند تا از خانوما رفتن خدمت کنن زنها دور خانه جمع شدن. چطور یه عده خدمت کنن ما خدمت نکنیم. آخر نوبت نوبتی هر کی بهش یه ساعتی می رسید بیاد یه کاری تو خونه برا حضرت معصومه انجام بده، حتی شده آب از چاه بکشه، در خونه رو جارو کنه. مردا بعضیا بچه هارو نگه میداشتن مادر کجاست؟! رفته خدمت دختر فاطمه. مادر رفته خدمت خانوم. شب وقتی بعد چند ساعتی جاهاشون عوض میشد بر میگشتن. تا روزها این مادر تعریف می کرد تو پوست خودش بند نبود. مردم سوال می کردن خانوم چطور بود؟! می گفت یه جوری حرف میزنه انگار مادرش فاطمه است. یه جوری راه میره انگار مادرش فاطمه است. یه جوری می خنده انگار مادرش فاطمه است. اما این روزا هر کی می اومد می گفت دیگه واقعا مادرش فاطمه است... [↑](#footnote-ref-60)
61. . سید مصطفی فهری [↑](#footnote-ref-61)
62. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-62)
63. . اسمش فاطمه است، اما همه ی عالم وقتی می خوان صداش بزنن میگن یا حضرت معصومه. یه خانومی می شناسم اسمش فاطمه است، اما همه بهش میگن ام البنین. آخه خودش گفت علی جانم! اگه میشه تو این خونه به من فاطمه نگو. چرا؟! همچین که میگی فاطمه می بینم بچه ها صورت به دیوار می ذارن. یکی میگه قربون پهلوی شکستت مادر. یکی میگه قربون بازوی ورم کردت مادر. اما حسن بیشتر از همه گریه می کنه میگه قربون صورت کبودت مادر... [↑](#footnote-ref-63)
64. . یاسین قاسمی [↑](#footnote-ref-64)
65. . علی اکبر لطیفیان [↑](#footnote-ref-65)
66. . با نوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-66)
67. . محمد جواد پرچمی [↑](#footnote-ref-67)
68. . با نوای: حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-68)
69. . با نوای: کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-69)
70. . خیلی مقام این خانوم بالاست. کی این بی بی رو میشناسه. هممون در زیارت این بی بی کم می ذاریم. اگه باورمون بشه که مولای ما امیرالمومنین چه فرموده درباره قبر لحظه ای کسی این قبرُ رها نمی کنه. آقا می خوام بدونم قبر خانوم شما کجاست؟ وقتی دلم برا فاطمه تنگ میشه کجا برم؟ چهل شب بیتوته کرد در حرم امیرالمومنین. پدر آقای مرعشی بزرگوار که ببینه بالاخره قبر کجاست. شب چهلم مولا به خوابش اومد. گفت کسی به قبر زهرا راه نداره. وصیت خود خانوم بوده قبرش مخفی بمونه. تا قیامتم این قبر مخفی می مونه. آقا پس ما چه کنیم؟ ما دلمون برا مادرمون پر میزنه. فرمود هر وقت دلتنگ فاطمه شدید برید قم فاطمه ی معصومه رو زیارت کنید. فرمود خدا هر چی برکات می خواست به قبر بی بی حضرت زهرا عنایت کنه، همه رو یک جا داده به قبر این خانوم... [↑](#footnote-ref-70)
71. . وقتی وارد شهر قم شد زنا غوغا کردند. مردا جمع شدن برای عرض خیر مقدم. چه خبره؟! خواهر امام داره میاد. دختر امام داره میاد. بایدم اینگونه احترام کنن. اگر شما الان رفته باشید روزی که هنوز مردم قم یادبود می گیرن روز ورود این خانومه. هزار و خورده ای سال گذشته هنوز جلوی ناقه ی نمادینش قربونی می کشن. زنا طلا و جواهر تو ناقه می ریزن؛ یعنی اگه دوباره یکی از بچه های زهرا گذرش به این شهر بیفته، ما براش سنگ تموم می ذاریم. نمی ذاریم غریب بمونه. [↑](#footnote-ref-71)
72. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-72)
73. . غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-73)
74. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-74)
75. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-75)
76. . با نوای: حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-76)
77. . با نوای: کربلایی جواد مقدم [↑](#footnote-ref-77)
78. . با نوای: کربلایی سید رضا نریمانی [↑](#footnote-ref-78)
79. . با نوای: کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-79)
80. . با نوای: کربلایی محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-80)
81. . با نوای: کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-81)
82. . با نوای: کربلایی محمد حسین حدادیان [↑](#footnote-ref-82)
83. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-83)
84. . با نوای: حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-84)
85. . با نوای: کربلایی سید رضا نریمانی [↑](#footnote-ref-85)
86. . با نوای: کربلایی سید رضا نریمانی [↑](#footnote-ref-86)
87. . با نوای: کربلایی حنیف طاهری [↑](#footnote-ref-87)
88. . با نوای: کربلایی محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-88)
89. . با نوای: کربلایی محمد حسین پویانفر [↑](#footnote-ref-89)
90. . با نوای: کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-90)
91. . با نوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-91)
92. . عبدالله باقری [↑](#footnote-ref-92)
93. . امیر عباسی [↑](#footnote-ref-93)
94. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-94)
95. . امیر عباسی [↑](#footnote-ref-95)
96. . رضا تاجیک [↑](#footnote-ref-96)
97. . یاسین زندی [↑](#footnote-ref-97)
98. . حسین رحمانی [↑](#footnote-ref-98)
99. . ایمان مقدم [↑](#footnote-ref-99)
100. . حسین رحمانی [↑](#footnote-ref-100)
101. . محسن حسن آبادی [↑](#footnote-ref-101)
102. . منصور عرب [↑](#footnote-ref-102)
103. . محسن حسن آبادی [↑](#footnote-ref-103)